

هنرالمحیوپ

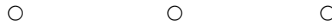
فارغ از سود و زیان در ببار نشستن

«بهار» در «بهار»، «بهارطبیعت»، «بهار قرآن»، «بهار کلام رهبر» در دیدار با قرآنی‌های «سمپاد». زیبایی‌های نهمین دوره مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم سمپاد را دو چندان نمود. امسال راه یافتگان به مرحله نهایی این مسابقات، شادمانه‌تر از هر بار رقابت‌ها را شروع، و سرشار از شادابی به پایان رساندند.

در این شماره نیز بحث «مهاجرت نخبگان» منعکس شده در مطبوعات را برایتان آورده‌ایم. بحثی قدیمی، بحثی تازه یا بحثی تکراری و بعد... ادامه امور و احوالات سرمدار قبلی و دیگر هیچ.

اما ما وقتی هر سال به آخرین روز فصل بهار می‌رسیم، در تقویم، شهادت عزیزی در مقابل چشمانمان خودنمایی می‌کند که در «برکلی» امریکا همه چیز داشت، هم توان علمی و هم جایگاه، علمی ولی جنوب «لبنان» را ترجیح داد با محرومان شیعه و فرزندان یتیمش. و بعد که انقلاب پیروز شد، به ایران آمد، و وقتی که جنگ را بر ما تحمیل کردند «خوزستان» خونین و غرب مورد تهاجم را انتخاب کرد و در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در «دهلاویه» به دیدار معشوق شتافت. یادش گرامی و

راهش الگویی برای آنانکه «باور» دارند، «توان علمی» دارند، «ایران» عزیز را عاشقند و راه سرداری چون شهید دکتر «مصطفی چمران» را در خدمت به میهن یک «انتخاب»، یک «نیاز» و یک «ضرورت» بنیادین می‌دانند.



وقتی نه سال قبل، شماره نخست «مجله استعداد‌های درخشان» را به زیر چاپ می‌فرستادم باورم نمی‌شد که روزی مقدمه سی و سومین شماره‌اش را بنگارم. آنروزها همانند هر سال- برای سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان صبحت از «بودن» یا «نبودن» چند مرکز آموزشی بود و امروز شاهد آغاز کار دوره‌های دکترای پیوسته هستیم، سال قبل «بیوتکنولوژی» و امسال «فیزیک» و «ریاضی» و هر سه در چندگرایش، پاسخی اولیه برای رفع نیازهای علمی نخبگان میهن اسلامی مان خواهد بود.

«شورای هدایت استعداد‌های درخشان در آموزش عالی کشور» می‌تواند در صورت فعالیت بیشتر، به بار نشستن مقدماتی گامی راکه در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۶ برای تشکیل «سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان» برداشته، تکامل بخشد.

مدیر مسئول

گُل و اژه‌های نور

سخنان رهبر انقلاب در جمع راه‌یافتگان به مرحله نهمی مسابقات
سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم سمپاد
(تهران- ۱۳ اردیبهشت، ۱۳۷۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خیلی خوش آمدید جوانان عزیز، محیط کار و زندگی ما را نورانی کردید، هم با صفای
دل‌های پاک و منور خودتان، هم به برکت قرآنی که در سینه و ذهن و دل شماها - بحمدالله - جای
گرفته است.

عزیزان من - چه پسرها و چه دخترها - قدر این نعمت بزرگی آشنایی و انس با قرآن را بدانید.
قدر دانستنش هم به این است که اولاً هر مقداری از قرآن که «حفظ» هستید با تکرار، آن را
برای خودتان نگهدارید، نگذارید که از لوح ضمیر پاک و نورانی شما زدوده شود. با تکرار، با
خواندن، مکرر خواندن قرآن، همان مقداری که در حفظید، اگر همه قرآن یا بعض قرآن.
ثانیاً با «تدبیر» در آیات قرآنی، وقتی انسان قرآن را با خودش همراه دارد و معنای قرآن را
هم می‌فهمد - که باید سعی کنید این را هم انشاءالله حتماً داشته باشید. امروز ترجمه‌های خوبی
هست قرآن را ترجمه‌های خوب فارسی کرده‌اند وقتی این عامل را همراه خود دارید - یعنی
هم قرآن را حفظید، هم معانی آن را می‌دانید - با تکرار آیات فرصتی پیدا می‌شود برای اینکه
ذهن شما به نکات قرآن، التفات و توجه بکند، هر چه طرز فکر انسان بالاتر و معرفت انسان

بیشتر بشود، فهم

او از قرآن عالیت‌تر و راقی‌تر و روشن‌تر خواهد شد. و متقابلاً هر چه با قرآن بیشتر انس بگیری و از قرآن استفاده کنی، «معرفت» شما و «فکر» شما بالاتر خواهد رفت، این دو تا روی هم اثر متقابل دارند. قرآن به شما کمک می‌کند که معرفتتان نسبت به مفاهیم عالی آفرینش، مفاهیم اسلامی و الهی، بالا برود و روشن بینی پیدا کنید نسبت به همه کائنات، نسبت به همه آفرینش، نسبت به همه مفاهیمی که در زندگی، سر راه انسان قرار می‌گیرد. به هر اندازه هم که این حالت در شما پیدا بشود و روشن بینی شما بیشتر بشود، از قرآن استفاده بیشتری خواهید برد، همینطور رو به تازید است. بنابر این قدر دانستن قرآن به این است که عرض کردم. ممکن است بعضی بگویند «عمل»، البته بدون عمل که فایده‌ای ندارد، اما شما بدانید اگر آن «معرفت» قرآنی که من عرض می‌کنم، در شما به وجود بیاید، «عمل» از آن انفکاک ناپذیر است. وقتی شما به چیزی «معرفت» پیدا کردید، به سمت او، به طور قهری و طبیعی حرکت می‌کنید. «عمل» انفکاک پذیر نیست. اینکه می‌بینیم عده‌ای از مردم دچار بی‌عملی، دچار رکود، دچار جمود، دچار پستی‌های اخلاقی، پستی‌های روحی، دچار کارهای خلاف اخلاق و معنویت و خلاف انصاف و خلاف عدالت شده‌اند و مثل حیوانات عمل می‌کنند، در درجه اول ناشی از این است که آن نور «معرفت» در دل آنها نیست. ممکن است معلومات داشته باشند، کتاب خوانده باشند، حرف‌های نویی یاد گرفته باشند، لکن «معرفت» یک مقوله دیگر است، یک عنصر دیگری است آن را ندارند.

شما به برکت قرآن و تدبیر در قرآن، همینطور که گفتم مقوله معرفت را، مقوله نورانیت را پیدا می‌کنید و بدانید عزیزان من، برای اینکه ما یک جامعه‌ای به وجود بیاوریم که این جامعه، هم از لحاظ مادی، علمی و صنعتی دچار عقب ماندگی نباشد و در دنیا پیشرو باشد، بر روی زندگی دنیا اثرگذار باشد، و در عین حال، با اینکه پیشرفت علمی دارد، از لحاظ «معنویت» دچار آفت‌های معنوی، که امروز غرب دچار آن هست، نباشد. ایده آل این است، ما می‌خواهیم دنیایی داشته باشیم که هم از علم و معرفت و دانش و تکنولوژی و پیشرفت‌های علمی و اکتشافات و کشف کردن دنیاها، جدیدی در دل این طبیعت، برخوردار باشد، که امروز متأسفانه کشور ما از این جهت عقب است، در اثر بد عمل کردن حکومت‌ها در طول ۲۰۰ سال گذشته، تا دوران انقلاب، دچار عقب ماندگی هستیم، بعد این عقب ماندگی‌ها که بر طرف شد - مثلاً شدیم مثل کشورهای پیشرفته علمی امروز دنیا - آن مقوله دیگر، آن کمبود دیگر،

اهمیتش و خسارتش از این کمتر نیست، ما اگر جامعه‌ای داشته باشیم از نظر علمی پیشرفته، اما دچار تبعیض، دچار فساد اخلاق، دچار غیبت، دچار فقر اخلاقی شدید، دچار فراموشی معنویت و چسبیدن به شهوات زندگی - همین حالاتی که امروز غرب دچار آن است - این خیلی خسارت بزرگی است. این خیلی ضرر عمده‌ای است. به ساختمان و در و دیوار که فقط نمی‌شود نگاه کرد، زندگی که این نیست، زندگی در درون انسانهاست، شادی و احساس سعادت و بهجت، در دل انسانهاست، در درون انسانهاست که در دنیای غرب این نیست. به خاطر فقر معنوی، به خاطر فقر اخلاقی، ما می‌خواهیم این را هم نداشته باشیم. پس با دو بال - «بال مادی» و «بال معنوی» - می‌خواهیم حرکت کنیم به سمت اوج انسانی و تکامل انسانی. برای این چه کار باید کرد، آیا این هدف نزدیکی است؟ آیا این هدف آسانی است؟ من می‌توانم بگویم این هدفی است دست یافتنی، اما به هیچوجه «نزدیک» و «آسان» نیست. به سمت این هدف چه طور می‌توان حرکت کرد؟ به سمت این هدف جز با نیروی شما جوانها و همت شما جوانها و نشاط شما جوانها نمی‌شود جلو رفت.

نقش «جوانها» اینجا معلوم می‌شود، شما باید با نشاط و همت و تلاش و امید و قوای جوانی خودتان، این راه طولانی، اما دست یافتنی را طی کنید و کشورتان و ملتتان را به آنجا برسانید. این در چند سال بدست می‌آید؟ نمی‌شود گفت. ممکن است خیلی کوتاه، ممکن است خیلی طولانی، اما به هر حال حرکت این راه، محتاج «جوانها» ست، جوانها هم اگر بخواهند در این راه خوب حرکت کنند، این قرآنی که شما دارید، می‌شود «مشعل».

اینجاست که نقش قرآنی بودن را می‌شود فهمید. شما «تیزهوشها»، شما «بااستعدادها»، شما جوانهای پیشرفته، این «مشعل» را باید در دستتان نگهدارید، «مشعل قرآن» را، در دلتان در واقع نگهدارید. آنوقت درس بخوانید، فکر کنید، کار کنید، به فکر راههای جدید باشید، به فکر گشودن سرزمینهای ناگشوده باشید. گشودن سرزمینهای ناگشوده در علم، در معرفت، در پیشرفت، در صنعت، در همه چیز. «فقر علمی» کشور را با تلاش خودتان برطرف کنید، فقر «تحقیقات» را بر طرف کنید و همه اینها را همراه با «قرآن» طی کنید. این می‌شود آن ایده‌آل. این است که من به جوانان خیلی امیدوارم و به جوانانی که با قرآن و معارف اسلامی آشنا هستند به مراتب امیدوارترم.

- پروردگارا این جوانهای عزیز ما را در صراط مستقیم خودت ثابت قدم بدار
- دلهای پاک و نورانی آنها را به سمت هدفهای عالی خود رهبری و هدایت بفرما

- پروردگارا، ارواح مطهر و طیب و طاهر شهدای عزیزمان و روح مبارک امام بزرگوار را،
دعاگوی تلاش این جوانان قرار بده.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته - انشاءالله موفق باشید.

ایران ما پر از استعداد‌های درخشان است

مشروح سخنان ریاست محترم جمهوری حجت الاسلام والمسلمین
سید محمد خاتمی در جمع المپیادها و خانواده‌های آنان (۱۰ اسفند ۱۳۷۸)

معمولاً وقتی از «نخبه» و «نخبه‌گرایی» صحبت می‌شود - با توجه به آنچه که در تاریخ رخ داده است - احساس خوشایندی به انسان دست نمی‌دهد. زیرا وجود جامعه‌ای که در آن «نخبگان» باشند و امتیازات اجتماعی بر اساس نخبگی تقسیم بشود، یک جامعه نامتعادل و طبقاتی و دارای شکاف‌های رنج‌دهنده است. شما همه‌تان کم‌وبیش اصطلاح «اریستوکراسی» را شنیده‌اید که همان نظام «اشرافیت» و «نخبه‌گرایی» است که البته انواع و اقسام مختلفی هم دارد که بعضی بدتر و بعضی‌ها در بدنه و در تاریخ هم بوده است. گرچه به نظر بعضی از فیلسوفان سیاسی قدیم، اریستوکراسی یا نوعی از اریستوکراسی، نظام مطلوب به حساب می‌آمده است. اینکه در جامعه یک عده‌ای دارای امتیازات ویژه‌ای باشند، و خود در کسب این امتیازات تلاش نکرده باشند. یعنی اموری باشد یا خارج از اختیارات آنها، بخاطر اینکه در فلان خانواده به دنیا آمده‌اند، چون ما خودمان انتخاب نمی‌کنیم که در کدام خانواده و با کدام خصوصیات بدنیا بیاییم. و از این جهت، یکی که در این خانواده به دنیا آمد است قاعدتاً از نظر خلقت و خصوصیات امتیازی بر آن کسی که در خانه دیگر به دنیا آمده است ندارد - اما حرف اتصال نسبی و خونی با یک طایفه و تیره، در

جامعه سبب امتیاز می‌شود. و در همین روال ورده بوده است که شاهنشاهی و پادشاهی‌ها شکل می‌گرفته و به صورت خودکار و اتوماتیک، پسری که زاده این خانواده بوده است، بزرگترین قدرت زمان، بعد از پدرش می‌شده است.

یا امتیازاتی که بیرون از وجود انسان است مثل «ثروت». ثروت که چیزی به انسان نمی‌بخشد، یعنی از نظر هویت انسانی بود یا نبود او، کم یا زیاد او هیچ‌گونه تأثیری در وزن و ظرفیت انسانی انسان ندارد ولی خود ثروت و دارایی از اموری بوده است که سبب می‌شده است که آنهایی که آن را دارند جزو اشراف باشند، و نظام فئودالی که در دوران قرون وسطایی غرب رایج بود. حالا شاید در شرق هم به نحوی بوده است. این بوده که ملاک مالکیت زمین - کسی که زمین دار هست، بزرگ زمین دار هست، اقطاعی هست او باید قدرت داشته باشد و قدرت پیدا کند. این نوع «نخبه‌گرایی» و اشرافیت، وجود اشرافیت و اشرافیت‌گرایی در جامعه. این چیز مطلوبی نیست و به این صورت احساس خوبی را در انسان ایجاد نمی‌کند. اما یک نوع «اشرافیت» و «نخبه‌گرایی» هست که کاملاً اگر مورد اهتمام باشد یک جامعه پیشرفت پیدامی‌کند و سعادت‌مند می‌شود و آن اینست که جامعه در گرایش اهتمام و احترام به کسانی که برخوردار از ظرفیت انسانی بیشتری هستند؛ هم به جهت اخلاقی و هم علمی، در آیه معروفی که در قرآن هست که واقعاً دیدگاه انسان‌شناسی اسلام را نشان می‌دهد، «انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا» (حجرات، ۱۳) این اختلافات ملت بودن، قبیله‌گی بودن، زن بودن، مرد بودن، اینها یک امور طبیعی است که برای التیام جامعه، برای انسجام جامعه، و اینکه هر کدام اجزایی از یک کل باشند و روی هم رفته، جامعه انسانی را بشناسند و سبب تعارف و آشنایی انسانها با همدیگر باشد، این نقش دارد و الا زن بودن یا مرد بودن یا قبیله فلان بودن یا شعب فلان بودن اینها هیچ‌کدام امتیازاتی نیست، یک روند طبیعی است که برای جوامع وجود داشته و وجود دارد. «... ان اکرمکم عندالله اتقاکم»، کسانی که خویشتن دار ترند، کسانی که بر خود مسلط ترند. کسانی که ارباب خود هستند، کسانی که خردشان به اصطلاح راهنما و راهبر هوس و هوای آنهاست. آنهایی که خویشتن را ساخته‌اند، آنها گرامی ترند نزد خدا و از امتیاز بیشتری برخوردارند یا اینکه نقل شده است که پیامبر (ص) فرمود: اشراف امت من عالمان و آگاهان هستند، یک نوع «اشرافیت» ناشی از یک خصوصیتی که اگر باشد، جامعه بشری پیشرفت می‌کند، به همین دلیل هم رقابت در علم در

اخلاق و منافسه در علم و اخلاق، تنافس، پیشی جستن، مورد عنایت و تمجید هست. مسابقه در مال بیشتر داشتن مذموم است. ولی مسابقه در علم بیشتر داشتن، اخلاق بهتر داشتن، ممدوح است، عقل عرفی و عقل طبیعی بشر هم این حکم را می‌کند دین اسلام هم بر این امر اهتمام کرده است. شما اگر هر چه بیشتر علم پیدا کنید جا را بر دیگران تنگ نمی‌کنید، بلکه جا را بر دیگران گشاد می‌کنید. در حالیکه اگر شما هر چه بیشتر بخواهید دارایی داشته باشید ملک داشته باشید جا را تنگ می‌کنید. به هر حال وقتی که یک سبب در میان باشد، هر کسی که آن سبب را تصاحب بکند، دیگری را محروم کرده از برخورداری از سبب. اما شما هر چه بیشتر علم پیدا کنید، جا را برای هیچ‌کس تنگ نمی‌کنید. شما اگر در فیزیک سرآمد همه فیزیکدانهای عالم بشوید، اینطور نیست که دیگری محروم شده باشد که فیزیکدان بشود. بلکه شما هر چه آگاهیتان بیشتر بشود، سبب می‌شود که این آگاهی به دیگران هم منتقل بشود آنها هم آگاهتر بشوند، یعنی برعکس امور مادی؛ امور معنوی تلاش برای بیشتر پیدا کردن و به دست آوردنش نه تنها جا را برای دیگران تنگ نمی‌کند، تزامنی درونی است بلکه سبب سعادت حیات انسانی می‌شود. بنابراین «نخبه‌گرایی» از جمله جاهایی که ممدوح است و اگر به آن اهتمام شود، کل جامعه بشری برخوردار می‌شود و جامعه پیشرفت می‌کند، در عرصه علم و آگاهی است. هر چه جامعه آگاهتر بشود، هر چه در جامعه آگاهان و عالمان قدر بینند و در صدر بنشینند، آن جامعه روی سعادت را بیشتر خواهد دید و من خوش آمد می‌گویم به شما «نخبگان» جامعه پویا و پرتلاشمان و امیدهای آینده و امروز؛ اصلاً شما سرمایه‌های امروز کشورید و تبعاً در آینده هم نقش آفرینان بزرگ جامعه ما خواهید بود خوش آمدید و خوشحالیم که این امکان را فراهم آوردید که من از نزدیک، عرض سلام خدمت دختر خانمها و آقا پسرهای شایسته و برجسته کشورمان بکنم همینطور خانواده‌های محترم ماشان و بستگان‌شان و نیز اعضای محترمی که هیأت امانا و مسؤولان باشگاه و کسانی که تلاش می‌کنند این نخبگان ما روز به روز انشاءالله رشد بیشتری پیدا بکنند و جناب آقای مظفر وزیر محترم آموزش و پرورش که این امکان را فراهم آوردند.

«المیادها»، مظهر یک امریست. حالا خود اینکه یک عده‌ای از دانش‌آموزان عزیز ما، تلاش بکنند و از میان آنها [عده‌ای] انتخاب بشوند بروند در یک کشوری و در یک مسابقاتی شرکت بکنند، یک حادثه گذرایی است که می‌گذرد، خود او اهمیت دارد ولی اهمیتش بیشتر از این

جهت است که مظهر یک امری است و آن اینکه «علم»، «دانش» و تلاش برای ارتقاء سطح دانش آموزان مورد توجه باشد و اینکه المپیادها باید به ما این را بگوید که ما زمینه آگاهی، تحقیق و پیشرفت در عرصه‌های مختلف را برای فرزندان این کشور فراهم بیاوریم. و ما می‌دانیم که ایران ما پر از استعداد است و فقط استعدادهای برجسته کسانی نیستند که احیاناً این توفیق را پیدا کرده‌اند که در المپیادها شرکت بکنند یا در این المپیادها یک مقام و موقعیتی بدست بیاورند. ایران ما پر از استعدادهای شایسته است و اصولاً اگر ملتی استعداد نداشته باشد، فرهنگ ساز و تمدن‌ساز نمی‌شود و ملت ایران «تمدن‌آفرین» است. یعنی در چهار- پنج - شش تا ملت بزرگی که در دنیا هستند و تمدن ایجاد کرده‌اند، یکی از برجسته‌ترین و سرآمدان آنها، ملت ایران است که هم قبل از اسلام تمدن داشته، هم نقش ممتاز در تأسیس و بسط «تمدن اسلامی» داشته است و دانشمندان و عالمان ایرانی، حتی غیرمسلمان‌های ایرانی، در آفرینش و بسط تمدنی که هنوز هم چون ستاره‌ای درخشان بر پیشانی تاریخ و سرنوشت بشریت می‌درخشد، نقش ممتاز داشته‌اند. این نشانه استعداد ظرفیت ذاتی یک ملت هست که شما نمایندگان این ملت و پر از استعداد هستید و گوشه و کنار این مملکت پر از استعداد است و متأسفانه در بخش‌های قابل توجهی از کشور ما هنوز امکانات حداقل برای پرورش و رشد این استعدادهای وجود ندارد. هنوز در کشور ما با همه تحولات عظیمی که پیش آمده است یعنی شما رقم باسواد را قبل از انقلاب سال ۵۷، که حدود ۴۷ درصد بوده و الان متجاوز از ۹۰ درصد است یعنی صد در صد با سوادهای ما بیشتر شده‌اند ولی به هر حال همان ۱۵-۱۶ درصدی هم که بیسواد هستند اینها هم انسانهای برجسته‌ای بوده‌اند و ازدرون اینها می‌توانست انسانهای خیلی خیلی ممتازی در بیاید و هنوز هم متأسفانه شاید البته در صد کمی - از این بیسوادها کسانی باشند که در سنین اولیه آموزش باید باشند و یا مثلاً آیا این امکاناتی که امروز در اصفهان یا در تهران فراهم است، در فلان روستا هم فراهم است؟ نه نیست. این درد ماست و تا امروز که ما این مشکلات را داریم، هیچ نباید خواب راحت و آرامش داشته باشیم و یک مسئول کشور فقط این نیست که یک نوع آرامشی در کشور باشد و چرخهای زندگی به هر قیمتی بچرخد بلکه باید احساس کند تا روزی که یک استعدادی که خداوند به او داده است، و حقوقی که خداوند مقرر کرده است، همه انسانها حق دارند از یک زندگی خوب و آبرومندانه‌ای برخوردار باشند، اینکه عده‌ای برخوردارند، عده‌ای برخوردار

نیستند، این نشانه ستمی است که بر انسانیت رفته است و ما که مسئول هستیم باید بکوشیم زمینه‌های این ستم را از بین ببریم. امروز آیا برای دخترخانم‌های ما مثل آقاپسرهای ما امکانات فراهم است؟ انصاف باید بدهیم که این کمتر هست و خوشبختانه دخترخانم‌ها هم نشان داده‌اند که با وجود کمبود امکاناتی که هست، باتلاش خودشان جبران می‌کنند و به اصطلاح زحمتی که می‌کشند، که الحق هم، هر جایی که این امکانات مساوی بوده هیچ دستکمی از آقا پسرها نداشته‌اند بعضی وقتها هم جلو افتاده‌اند که حالا ما باید فکر بکنیم خیلی جلونروند. برای اینکه به هر حال جامعه متعادل پیش برود و امسال وقتی می‌شنویم که ۵۸ درصد قبول شدگان کنکور ما دخترخانم‌ها هستند، این روال اگر پیش برود آن وقت باید بگوییم که پسرهایمان مظلوم می‌شوند گرچه هنوز فاصله میان تحصیل کردگان مرد ما، با تحصیل کردگان زن ما زیاد هست و ما باید این را پر بکنیم.

به هر حال این استعداد فراوان است و المپیادها یک قلّه است، به اصطلاح جایی است که از آنجا چشم اندازی ایجاد می‌کند به کل جامعه و باید گذر و معبری باشد برای اینکه ما این زمینه را فراهم بیاوریم که استعدادها همه بتوانند به صورت شایسته‌ای رشد پیدا بکنند و «علم» را ما باید بآن توجه بکنیم. اهتمام به کسانی که در مسیر کسب علم هستند، عالم هستند، می‌خواهند عالم بشوند، این نیست که حالا به هر حال یک احترامی به یک فرد یا یک خانواده می‌گذاریم، یا عطش درونی یک فرد - که بالاخره نیاز دارد بدانند و دلش می‌خواهد پیشرفت بکند - فرونشاند بشود، بلکه این یک ضرورت است برای جامعه ما، امروز علم و دانش پایه قدرت و پایه اقتدار در دنیاست. شما شاید برایتان مشکل باشد که در دنیایی که این همه تکنولوژی هست، این همه ثروتها، این همه منابع، این همه معادن، این همه تولیدات وجود دارد وقتی می‌روید توی کشورهای بسیار پیشرفته، شاید مثلاً گاهی یک چهارم یعنی ۲۵ درصد درآمد ناخالص داخلی آنها، از ناحیه علم و تولید اطلاعات است. امروز ارزش افزوده‌ای که اطلاعات و آگاهی دارد با هیچ تولیدی و با هیچ کاری قابل مقایسه نیست و ما اگر به دانش آموزانمان، دانشجویانمان، دانش پژوهانمان احترام می‌گذاریم، برای این است که واقعاً هم در «اسلام»، هم منطق بشری ایجاب می‌کند که علم را توسعه بدهیم و پیش برویم و تبعاً وقتی شماها در این مسابقه به هر حال بروز پیدا می‌کنید - مغرور هم نشوید - شاید کسان دیگری هم باشند خیلی هم کسان دیگری

هستند که مثل شماها، مثل شما عزیزان صاحب استعدادهای فراوان هستند حالا یا در مسابقه با دو سه درصد اختلاف امتیاز از شما عقب مانده‌اند یا اصلاً این امکان را پیدا نکرده‌اند که در چنین مسابقه‌ای شرکت بکنند و شما باید شکر خدا بکنید که این امکان را پیدا کردید و آرزو و تلاش هم بکنید که همتایان شما در این عرصه باز بروز و ظهور داشته باشند - ولی به هر حال شما یک برجستگی دارید، نمود در جامعه دارید، لذا وظیفه‌تان سنگین می‌شود. یعنی بخواهیم و نخواهیم، شما «الگو» می‌شوید یعنی مورد توجه هستید. به همین دلیل هم، «ایمان شما»، «علم شما»، «اخلاق شما» و «رفتار شما» اثر می‌گذارد، فقط این نیست که شما فرمولها را بهتر بلدید، آگاهی‌ها و اطلاعات شما بیشتر است، این یک مزیت است، امامتوجه‌باشید که نگاه، به شماها هست و دیگر خیلی مال خودتان نیستید، یعنی باید احساس بکنید که بیشتر تعلق به جامعه دارید و مسئولیت بیشتری در مقابل جامعه دارید، و باید در خصلت‌های دیگر انسانی، که علم یکی از آنهاست، در آن قسمت‌ها هم سرآمد بشوید؛ تا خدای ناخواسته عالمی که ممکن است صفت خوب دیگری هم نداشته باشد، اینجور تلقی بشود که در همه جهات باید الگو قرار بگیرد و مورد پیروی قرار بگیرد و ای چه بسا که، این الگو شدن‌ها مشکلاتی هم برای جامعه ما ایجاد بکند. بنابراین وظیفه خیلی خیلی سنگینی هم شما دارید که در دین و علم و اخلاق و عمل و رفتار هم نخبگانی باشید که انشاءالله الگو باشید برای دیگران. از جمله کارهای خوبی که انجام گرفته است همین تشکیل «باشگاه» است ما این را به صورت یک حادثه گذرا نگاه نکنیم، احساس بکنیم که امروز جامعه ما جوان است. بخش عظیمی از جوانان ما، یعنی اکثریت قریب به اتفاقشان دانش آموزند، بخش قابل توجهی شان دانشجویند، روز به روز هم زیادتر می‌شوند. البته در بخشهای دیگر کارگری و کار و تولید و اینها هم جوانان ما حضور دارند، همه شان عزیز و محترمند، و نیز بعد از فراغت تحصیل از دانشگاه هم تا چند سال، مثلاً به سن و سال ما که می‌رسید، هنوز جوانید یعنی جوانی خیلی طولانیست. تا ۵۰ - ۶۰ سالگی و اینها هم طول می‌کشد. لیک وقتی، به حضورتان عرض کنم که به ما می‌گفتند فلانی ۴۰ سالشه می‌گفتیم اوه چقدر عمر کرده است. حالا می‌گن فلانی پیره، می‌گیم چند سالشه؟ می‌گن ۷۰ سال؛ ما به خود می‌لرزیم، می‌بینیم نزدیک ۷۰ سالیم می‌گیم ۷۰ سال که پیر نیست. حالا شما جوانید، خیال می‌کنید که ماها پیر شده‌ایم ما هنوز خودمان خیال می‌کنیم جوانیم. به هر حال بعد از دانشگاه هم،

هنوز جوانان توی جامعه ما فراوان هستند، جامعه ما جامعه جوانی است و تشکلهای و به اصطلاح تأسیسات مدنی که ما داریم، یکی از آنها تشکلی است که براساس علم و دانش و پیشرفت و اینها دور همدیگر جمع بشوند، این باشگاه یک نهاد مدنی، به معنی خوب کلمه اش است و یک پاتوق و پایگاهی است که براساس علم و آگاهی و انتقال اطلاعات می توانند دور هم جمع بشوند و نقشی هم در سلامت و ارتقاء و جهت اجتماعی جامعه داشته باشد.

سپاسگزارم از مسئولان عزیز، که حالا چون به هر حال جنبه های مشترک علمی، فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر تودنیا بالاخره المپیاد دارد، برای «ادبیات فارسی» هم و فرهنگ و ادب فارسی هم فکر کردند که مسابقاتی گذاشته بشود چون رمز هویت ماست. به هر حال، ما با زبانمان به هم پیوسته ایم؛ با زبانمان به گذشته تعلق داریم، در درون زبانمان است که به اصطلاح خاطره جمعی ما نهفته است و ما را به عنوان یک ملت در کنار هم دیگر قرار می دهد، البته تنها زبان نیست، «زبان» از مهمترین و از عوامل عمده است و اهتمام به فرهنگ و ادب فارسی هم بسیار بسیار مهم است. اولاً سفارش بکنم شما در هر رشته ای که هستید، در هر رشته علمی، فنی که کار می کنید، حتماً یک وظیفه خودتان بدانید که آگاهی ادبی و علمی خود را بالا ببرید این لطافت می بخشد به علم شما، فیزیک شما وقتی با ادب و هنر و فرهنگ توأم شد، بسیار لطیفانه تر است، و نیز بدانید که در مقام کسب اطلاعات همه می توانند اطلاعات کسب بکنند و ذهنشان انبانی از اطلاعات بشود. اما آفرینندگی و خلاقیت که «هنر» است، علم نیست. و هر چه، جنبه هنری شخصیتان را، جنبه فرهنگی شخصیتان را، جنبه ادبی شخصیتان را بالاتر ببرید، مطمئن باشید که در رشته های علمی هم «خلاقیت» بیشتری خواهید داشت به علاوه اینکه آن به اصطلاح، رشته ای که شما را، جان شما را پیوند می دهد به جامعه تان، همین فرهنگ و ادب است و کسانی هم که به طور خاص در رشته های ادبیات و اینها کار می کنند برگزاری مسابقات برای آنها در خور توجه و اهتمام است. و امیدواریم ما یک روزی - یک روزی می دانید زبان فارسی، بر بخش عظیمی از دنیا حکومت می کرده است، الان هم حالا بعضی کشورها زبان فارسی، زبان رسمی شان هست، ولی مثلاً شما نمی دانم می دانید یا نه؟ قبل از این که ترکان بیایند به آسیای صغیر - که امروز ترکیه نام دارد، زبان رسمی و فاخر آنجا، زبان فارسی بوده است یا لااقل زبان فارسی از رایج ترین زبانهای آنجا بوده است و شما می دانید که ملای روم مولانا جلال الدین بلخی، مولوی، که از بلخ

این طرف، شرق ایران است، رفته است و در «قونیه» و مدفون است، مدت‌ها در ترکیه بوده و زبان فارسی در آنجاها رواج فراوان داشته است. یا در شبه قاره هند، در دوران گورکانیان و حتی قطب شاهیان، زبان رسمی شبه قاره، زبان فارسی بوده است. و بعد از این که استعمار انگلیس آمد زبان رفت. در بخش وسیعی از دنیا، این زبان و ادب هست، دارد زنده می‌شود و شاید در روزگاری نه چندان دور، بتوانیم المپیاد زبان و ادب فارسی را در سطح بین‌المللی داشته باشیم. این باشگاه (دانش پژوهان جوان) باشگاه تازه تأسیسی است که قطعاً امکانات کمی دارد و باید تقویت بشود و من تقاضا می‌کنم یک گزارشی از وضع باشگاه و نیازهای آن و مسائلی که هست به من منتقل بکنند و من علاقه‌مندم، در حدی که می‌توانم، برای تقویت بنیه این پایگاه و جایگاه مهم و ارزنده، اگر می‌توانم کمکی بکنم، کمکی بکنم.

و همه شما را به خدای بزرگ می‌سپارم، برایتان آرزوی موفقیت می‌کنم و از او می‌خواهم که روز به روز موفقیت‌های بیشتری را نصیب شما عزیزان و امیدهای ارزنده این کشور، بفرماید و شما هم با همت خودتان از این موقعیت استفاده بکنید که از این استعداد خداوند، بهتر و بیشتر استفاده بکنید، خدا یار و نگهدار شما باد.



نحوه مقابله با تنیدگی در بین دانش آموزان تیزهوش و عادی*

چکیده:

این پژوهش به بررسی و مقایسه نحوه مقابله با «تنیدگی»، در بین ۱۱۶ دانش آموز تیزهوش و عادی دختر و پسر مدارس شهرستان کرج که در پایه سوم دبیرستان تحصیل می نمودند و دامنه سنی آنها بین ۱۸-۱۶ سال است، پرداخته است. در این تحقیق از «پرسشنامه مقابله نوجوانان» که توسط «فریدنبرگ» و «لویس» تدوین گردیده است و مجموعاً ۱۷ راهبرد مقابله را مورد سنجش قرار می دهد، استفاده شده است. همچنین «هوش» به عنوان متغیر مستقل، نحوه مقابله با تنیدگی، متغیر وابسته، «جنسیت» متغیر تعدیلگر و «پایه تحصیلی» به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شده است. به منظور سنجش قابلیت اعتماد مقیاس مورد استفاده، از روش آزمون مجدد و همچنین روش دونیمه کردن تست و آلفای کرونباخ استفاده گردیده که نتایج حاصله در تمام موارد نشان دهنده قابلیت اعتماد قابل ملاحظه و مطلوب آزمون می باشد. در راستای بررسی میزان ارتباط متغیرهای تحقیق از آزمون آماری تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان می دهد که اثر «هوش» به عنوان یک متغیر در نحوه مقابله با «تنیدگی» معنی دار است و آزمودنی ها در بکارگیری راهبردهای مقابله ای نظیر «نگرانی»، «فعالیت اجتماعی»، «جستجوی حمایت معنوی»، «جستجوی کمکهای تخصصی»، «تمرکز بر جنبه های مثبت» و راهبرد «عدم مقابله»، تفاوت معنی داری را نشان دادند. به عبارت دیگر دانش آموزان تیزهوش در کلیه موارد فوق میزان استفاده بیشتری را گزارش نمودند. همچنین نتایج حاصله، حاکی از این است که اثر «جنسیت» در انتخاب و به کارگیری راهبرد مقابله، معنی دار نبوده و تفاوت زیادی در این زمینه بین دختران و پسران به چشم نمی خورد.

کلید واژه ها: تنیدگی، سن، هوش، تیزهوش، جنسیت، دبیرستان، کرج.

* این مقاله بر اساس رساله کارشناسی ارشد اعظم قهقایی که زیر عنوان: «بررسی نحوه مقابله با فشار روانی در بین دانش آموزان تیزهوش و عادی دبیرستانهای شهرستان کرج» با راهنمایی دکتر محسن شکوهی یکتا در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۱ در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران دفاع گردیده، شکل گرفته است.

مقدمه

صرف نظر از اینکه در کنار آمدن با مشکلات تا چه اندازه توانا باشیم باز هم در زندگی موقعی پیش می‌آید که ناچار احساس «تنیدگی»^۱ می‌کنیم. انگیزه‌های ما همواره به آسانی ارضا نمی‌شوند، باید موانعی را از سر راه برداشت. دست به انتخاب زد و در برابر دیریابی‌ها، صبر و شکیبایی نشان داد. بر اثر برخورد آدمیان با موانعی که راه بر کامیابی‌های آنان می‌بندند، در هر یک از آنان شیوه‌های پاسخدهی ویژه‌ای رشد می‌کند. شیوه پاسخدهی هر فرد به موقعیت‌های ناکام‌کننده، تاحدودی نشان می‌دهد که سازگاری وی با زندگی بسنده است یا خیر؟

در هر انسانی در طول زندگی روش‌های گوناگونی برای کنار آمدن با موقعیت‌های «تنیدگی‌زا»^۲ تکوین می‌یابد. برای مقابله با «تنیدگی» دو خط مشی اصلی وجود دارد. در یکی از آنها خود مشکل و مسأله در مدار توجه قرار می‌گیرد، شخص موقعیت «تنیدگی‌زا» را ارزیابی می‌کند و سپس دست به کار می‌زند تا آن موقعیت را تغییر دهد و یا از آن دوری نماید.

در خط مشی دیگر «هیجان» در مدار توجه قرار می‌گیرد و فرد به جای درگیری مستقیم با مسأله می‌کوشد از راه‌های گوناگون احساس اضطراب و نگرانی خود را بکاهد. هر فردی برای رویارویی با موقعیت‌های «تنیدگی‌زا» راه و روشی خاص خود دارد، که در هر حال آمیزه‌ای است از دو خط مشی «هیجان‌مدار»^۳ و «مسأله‌مدار»^۴. در غالب موارد خط مشی «مسأله‌مدار» گرایش سالمتری است (اتکینسن^۵ و همکاران ۱۳۷۱).

بسیاری از مردم با توجه به جنبه‌های شخصیتی نسبت به فشارهای روانی کاملاً مستعد و ضعیف هستند. بدین معنی که اگر با عوامل تنش‌زا مواجه شوند، قادر نیستند با آنها مقابله نموده و از عهده حل مشکل برآیند. در به وجود آمدن این تفاوت‌ها عوامل بسیاری دخالت دارند که از میان آنها می‌توان به شخصیت، انگیزه، توانمند بودن... اشاره نمود (کوپر^۶، ۱۳۷۳). در پژوهش حاضر جایگاه «هوش»^۷ و «جنسیت»^۸ به عنوان دو ویژگی خاص، در پدید آمدن تفاوت نحوه مقابله با فشار روانی در افراد تیزهوش و عادی مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع انسانی میهن ما به هیچوجه محدودتر از منابع غنی طبیعی آن نیست، در عین حال همانطور که منابع طبیعی اندازه معینی دارد و باید به خوبی و با برنامه‌ریزی‌های دقیق علمی مورد بهره‌برداری قرار گیرند، منابع انسانی نیز، نامحدود نیست و در بهره‌گیری از آنها باید کمال مراقبت به عمل آید. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که برای رسیدن به استقلال و پیشرفت همه

جانبه در زمینه‌های فردی و اجتماعی، اقتصادی و صنعتی، علمی و فرهنگی به شخصیت‌هایی رشد یافته و به دل‌هایی بیدار و مغزهایی اندیشمند و دست‌های ماهر و توانا نیازمند است. چنین شخصیت‌ها و مغزها و دل‌ها و دست‌ها باید تربیت شوند. برای چنین منظوری، ضرورت دارد که متخصصان تعلیم و تربیت و روانشناسان و سایر دست‌اندرکاران آموزش و پرورش آنچه در توان دارند به کار گیرند و لزوم تعلیم و تربیت منابع انسانی کشورمان و به ویژه کودکان تیزهوش و با استعداد را تبیین کنند و اشاعه دهند. یکی از مواردی که در تعیین سلامت یا بیماری انسان مهمترین نقش و جایگاه را به الگوی رفتاری شخص نسبت می‌دهد. «تیدگی» است. ویژگی خاص زندگی پیچیده امروز در جوامع صنعتی، وجود یا فقدان بعضی ارتباطات شخصی در محیط‌های شغلی، تحصیلی، گسترش ارتباطات اجتماعی، تعامل با طیف وسیعی از خویشان، دوستان و همکاران و نقش‌های متعدد و چندگانه اجتماعی زنان و مردان، ترس از آینده و سایر مشکلات همه و همه ما را به نوعی تحت سیطره خود قرار می‌دهد و سطحی از «تیدگی» را بر ما تحمیل می‌نماید. اما آنچه که در این بین می‌تواند مایه خوش‌بینی و امیدواری باشد شناسایی عامل مهم شیوه‌های مقابله با تیدگی‌ها است که به عنوان یک متغیر میانجی می‌تواند پیامدهای آن را تحت تأثیر قرار داده و مهار کند و یا دامن بزند.

«فولکمن» و «لازاروس» (۱۹۸۰) همین‌طور «کامپاز» و دیگران (۱۹۹۱)، «فوربست» و دیگران (۱۹۸۷)، معتقدند که سطحی از تیدگی که هر شخص تجربه می‌کند به مقدار زیاد بستگی به توانایی مقابله شخص و نحوه ادراک و قضاوت وی نسبت به این عوامل دارد.

«کوباسا» (۱۹۸۲)، معتقد است که رویدادهای تیدگی‌زا در ظهور بیماری‌های جسمی و ذهنی مؤثر هستند. فردی که در یک جامعه مدرن زندگی می‌کند با پرهیز از بسیاری از تغییرات زندگی که تیدگی‌زا هستند ممکن است فرصت داشتن یک زندگی بارورتر را از دست بدهد. بنابراین توصیه صرف به اجتناب از «تیدگی» در بسیاری از موقعیت‌ها ممکن است به رکود زندگی فرد منجر شود. افرادی وجود دارند که در عین حال که در شرایط تیدگی قرار دارند، بیمار نمی‌شوند؟ حال سؤال اینجاست که چه متغیرهایی در این ارتباط نقش تعدیل‌کننده دارند؟ آیا افرادی که در شرایط پرتیدگی، سالم می‌مانند ساختار ژنتیکی و جسمانی قوی‌تری دارند؟ آیا از حمایت‌های اجتماعی بیشتری بهره‌مند هستند؟ آیا شخصیت متمایزی دارند که درک، تفسیر و مقابله آنها را با تیدگی تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ تحقیقات نشان داده‌است که ویژگی‌های فردی و

بیش شخص‌های در مقابله با تنش و فشار روانی حائز اهمیت به شمار می‌روند. متغیرهای مربوط به این قبیل ویژگی‌ها عبارتند از، «سن»، «جنسیت»، «عوامل ژنتیکی»، «هوش»، «زمینه خانوادگی» و دیگر مهارت‌های حل مسأله (کامینگز، ۱۹۸۸؛ فریدنبرگ و لويس، ۱۹۹۱؛ فویراشتاين ۱۹۸۷). از آنجا که تحقیقات مختلف نشان داده است که تیزهوشان در مقایسه با افراد عادی به طور معنی‌داری در مؤلفه‌های متفاوت از قبیل «ارزیابی شناختی»، «کنجکاوی»، «حس مبارزه‌جویی»، «حرمت خود»، «مسئولیت‌پذیری»، «واقع‌نگری»، «خلاقیت»، «تفکر انتزاعی»، «توانایی حل مسأله» و... در سطح بالاتری قرار دارند (بروان، ۱۹۹۳؛ گالاگر، ۱۳۶۹؛ هالاها و کافمن، ۱۳۷۱، نمکی ۱۳۷۵). حال باید دید که آیا تأثیر عامل هوش بر نحوه مقابله با تنیدگی نیز مؤثر است و از این جهت تفاوتی بین دو گروه تیزهوش و افراد عادی وجود دارد یا خیر؟

هدف‌های پژوهش، سئوالها، متغیرها

شناخت تفاوت‌های فردی و بررسی روشی که افراد در موقعیت‌های گوناگون به پدیده‌های محیطی پاسخ می‌دهند در اتخاذ هر نوع تصمیم ضروری است. برای مشاوران، مدیران و معلمان مدرسه لازم است تأثیر تفاوت‌های فردی بین دانش‌آموزان را در نظر بگیرند و به نیازهای شخصی و تحصیلی آنان توجه کنند. بررسی دانش‌آموزان به لحاظ اهمیت آن از نظر بنیادی و کاربردی مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان، مشاوران و علمای تعلیم و تربیت و متخصصان بهداشت روانی و سایر افرادی که به نحوی با دانش‌آموزان سر و کار دارند قرار گرفته است. کوشش در دستیابی به یافته‌هایی در این راه می‌تواند راهبردهای مهمی برای مراکز آموزشی، پژوهشی، بهداشتی و درمانی به همراه داشته باشد و اطلاعات مهمی در اختیار همه کسانی که به نوعی با آموزش و پرورش ارتباط دارند، قرار دهد. از طرف دیگر می‌توان در زمینه بهداشت روانی جامعه اطلاعات ذی‌قیمتی فراهم آورد، با توجه به اینکه جمعیت کشور ما یکی از جوانترین کشورهای جهان محسوب می‌شود و درصد قابل توجهی از افراد را کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، اولاً لزوم توجه به این قشر را دو چندان می‌کند، ثانیاً می‌توان براساس یافته‌ها، پیشنهادهای عملی در ارتباط با این گروه ارائه داد تا شرایطی ایجاد شود که امکان تجارب موفقیت‌آمیز برای افراد تیزهوش و عادی فراهم گردد.

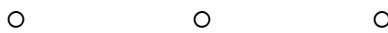
○ پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سئوالات زیر می‌باشد:

- آیا بین نحوه «مقابله» با تنیدگی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد؟

- آیا بین نحوه مقابله با تنیدگی دانش آموزان «دختر» و «پسر» تفاوت وجود دارد؟

متغیر مستقل: در این تحقیق «هوش» به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. متغیر تعدیل‌گر: عامل «جنسیت» (دختر و پسر) نقش متغیر تعدیل‌گر را در پژوهش به عهده دارد. متغیر وابسته: نحوه مقابله با تنیدگی بیانگر متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. متغیر کنترل: مقطع تحصیلی (سوم دبیرستان) به عنوان متغیر کنترل مورد توجه قرار گرفته است. «وکسلر»^{۱۲} (۱۹۸۵)، به نقل از اتکینسن و همکاران، (۱۳۷۱)، معتقد است که «هوش» عبارت است از مجموعه یا کل قابلیت یک فرد برای فعالیت هدفمند، تفکر منطقی و برخورد کارآمد با محیط.

«گالاگر» (۱۳۶۹)، معتقد است که «کودکان تیزهوش» و با استعداد کسانی هستند که به دلیل توانایی‌های برجسته خویش در مقایسه با کودکان عادی قادر به انجام امور پیچیده‌تر و مهمتری هستند و برای تحقق این توانایی‌ها به آموزش و پرورش متفاوت و عالیتری نیاز دارند. «براون» (۱۹۹۳)، معتقد است «تیزهوشی»^{۱۳} به جنبه‌های مختلف دلالت دارد. کودکان تیزهوش دارای ویژگی‌هایی از جمله «سن عقلی» بالاتر نسبت به «سن تقویمی»، دارا بودن توانایی‌ها و استعداد‌های ویژه، پیشرفتهای علمی، یادگیری آسان می‌باشند. ادراک آنان عمیق و کلی است. دارای شخصیتی معنوی، پر جنب و جوش، عاطفی و توأم با ظرفیت‌های شناختی خاص می‌باشد. در پژوهش فوق منظور از «تیزهوشان» دانش آموزانی هستند که در مدارس تیزهوشان وابسته به سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان (سمپاد) تحصیل می‌نمایند.



از «تنیدگی» و شیوه‌های مقابله با آن تعاریف گوناگونی شده است. بعضی «تنیدگی» را به عنوان محرک در نظر گرفته‌اند که منجر به احساسات مربوط به تنش می‌شود. عده‌ای آن را به عنوان پاسخ بدنی یا روان‌شناختی در برابر منابع فشار می‌دانند و گروهی نیز آن را یک فرآیند تعاملی بین فرد و محیط تلقی می‌کنند.

«سلیه» (۱۹۹۳)، «تنیدگی» را واکنش نامشخص بدن نسبت به انتظارات و خواست‌هایی که از یک شخص صادر می‌گردد تعریف نموده است. به عبارت دیگر «تنیدگی» مجموعه تغییرات انطباقی است، که بدن برای کمک به فرد جهت تطبیق خود با انواع موقعیت‌های اجتماعی و محیطی ارائه می‌دهد. افراد در برخورد با منابع «تنیدگی‌زا» از مهارت‌های مقابله‌ای استفاده

می‌کنند و اصولاً مهارت‌های مقابله‌ای طرف منحصر به فرد برخورد با موقعیت‌ها است و فونونی است که برای هر اقدامی در دسترس فرد قرار دارد.

در پژوهش حاضر منظور از «شیوه‌های مقابله» عبارت است از هفده شیوه رویارویی با نگرانی‌ها و دلمشغولی‌های نوجوانان است. «شیوه‌های مقابله» روش‌های اختصاصی افراد در مواجهه با موقعیت‌ها هستند. مقابله‌کنندگان موفق، افزون بر آنکه می‌دانند که چگونه باید کارهای معمول را انجام دهند، روش نزدیک شدن به موقعیت‌های خاص و جدید که پاسخ آماده‌ای جهت مواجهه با آن، در اختیار ندارند را نیز تشخیص می‌دهند. رفتار ایشان در واقع به گونه‌ای است که از عهده مبارزه‌طلبی و هم‌واردجویی‌های محیط برمی‌آیند. شیوه‌های غیر مؤثر مقابله نیز به اشکال مختلفی بروز پیدا می‌کند. «واتز» و «کوپر» (۱۹۹۲)، انواع مختلف مقابله سازش‌نا یافته را به این نحو طبقه‌بندی کرده‌اند:

□ «انکار»: شامل «گریز»^{۱۵} (از واقعیت)، «خیالبافی»^{۱۶} (فرار ذهنی) و «اجتناب»^{۱۷}.
□ «راهکارهای انحرافی»: شامل «هراسها»، «خودبیمارپنداری»^{۱۸}، «فرافکنی»^{۱۹}، «جابجایی»^{۲۰} و «دلیل تراشی»^{۲۱}.

□ «چرخه معیوب»: شامل «رقابت جوئی»، «کمال‌طلبی» و «رفتار وسواسی» - «بی‌اختیاری».
□ «بن‌بست افکار»: شامل «حسرت خوردن»، «واپس روی»، «احساس قربانی شدن»، «سرکوبی»، «رفتار خودتخریب‌گرانه»، «اعتیاد به کار»، استعمال سیگار، مصرف الکل، اختلال‌های خوردن، وابستگی به داروها.

باتوجه به نقش مهم مهارت‌های مقابله با تنیدگی در سلامت بشر و کنش آن به عنوان شرط کافی در تأمین بهداشت روانی، محققان مختلف بر لزوم گسترش مطالعات مربوط به مقابله، تأکید ورزیده‌اند.

در سال‌های اخیر تلاشهایی برای ساخت ابزارهای دقیق جهت سنجش رفتارهای مقابله‌ای نوجوانان صورت گرفته است. (کامپاز، مالکارن، فانداکارو، ۱۹۸۸؛ اسپریتو^{۲۴}، استارک^{۲۵}، ویلیامز^{۲۶}، ۱۹۸۹، به نقل از فریدنبرگ و لويس، ۱۹۹۳).

جامعه آماری، نمونه‌گیری، ابزار تحقیق

در این تحقیق جامعه مورد مطالعه عبارتست از کلیه دانش‌آموزان عادی و تیزهوش که در

مدارس وابسته به آموزش و پرورش و سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان (سمپاد) در شهرستان کرج در سال تحصیلی ۷۸-۱۳۷۷ مشغول به تحصیل بوده‌اند. پژوهشگر به منظور انجام تحقیق با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی نمونه‌ای با حجم ۱۲۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان، مدارس عادی و تیزهوشان شهرستان کرج را به همکاری دعوت نمود. نمونه مورد پژوهش به تفکیک عبارت از ۶۰ دانش‌آموز تیزهوش ۳۰ دختر (فرزانه‌گان) و ۳۰ پسر (شهید سلطانی) و ۶۰ دانش‌آموز عادی ۳۰ دختر (شهید پناهی) و ۳۰ پسر (نیکان) با دامنه سنی ۱۸-۱۶ سال می‌باشند.

در این تحقیق ابزار گردآوری اطلاعات، «مقیاس نحوه مقابله نوجوانان»^{۲۷} که توسط «فریدنبرگ» و «لويس» در سال ۱۹۹۳ تهیه و تدوین گردیده است، می‌باشد.

این ابزار در راستای کارهای بالینی و همچنین طرح‌های پژوهشی کاربرد دارد و در واقع رفتارهای مقابله‌ای نوجوانان را مورد شناسایی قرار می‌دهد. مقیاس مذکور جهت سنجش روش‌های مقابله‌ای نوجوانان ۱۸-۱۲ سال تهیه گردیده. اگر چه تجربه نشان داده است که برای افراد سنین بالاتر نیز قابل استفاده می‌باشد این مقیاس یک پرسشنامه خودسنجی است و فرم اصلی آن متشکل از هشتاد عبارت می‌باشد که هفتاد و نه عبارت «بسته - پاسخ» پنج‌گزینه‌ای داشته و در واقع هر گزینه نشان دهنده میزان استفاده و بسامد رفتار موردنظر می‌باشد و با عبارات «هیچگاه استفاده نمی‌کنم»، «بسیار کم استفاده می‌کنم»، «بعضی اوقات استفاده می‌کنم»، «اغلب اوقات استفاده می‌کنم» و «بسیار زیاد استفاده می‌کنم» مشخص گردیده‌اند، و نمره گذاری گزینه‌ها نیز به ترتیب و براساس انتخاب، بین نمره یک تا پنج متغیر است. یک پرسش «باز - پاسخ» نیز در پرسشنامه لحاظ گردیده است که آزمودنی بنا به میل خود می‌تواند به آن پاسخ گوید و اگر راهبرد خاصی جهت مقابله با مشکلات خود استفاده می‌کند و آن روش در پرسشنامه قید نشده، می‌تواند آن را به طور مختصر توضیح دهد.

لازم به ذکر است که مقیاس مذکور دارای دو فرم بلند و کوتاه می‌باشد و هر یک از این فرم‌ها به دو نوع «فرم خاص»^{۲۸} و «فرم عمومی»^{۲۹} تقسیم می‌شوند. تفاوت فرم بلند و فرم کوتاه مقیاس، در تعداد عبارات تشکیل دهنده آن است. فرم کوتاه شامل هجده عبارت پنج‌گزینه‌ای است که هر عبارت معرف یکی از راهبردهای هجده‌گانه مقیاس می‌باشد.

ولی فرم بلند مشتمل بر هفتادونه عبارت «بسته - پاسخ» و یک عبارت «باز - پاسخ» می‌باشد.

وجه تمایز فرم عمومی در نحوه اجرای دستورالعمل آن می‌باشد. در فرم خاص آزمودنی مشکل مشخص و ویژه‌ای که در حال حاضر موجب نگرانی و دلمشغولی وی گردیده است را در جای خالی که ابتدای پرسشنامه در نظر گرفته شده، می‌نویسد و با در نظر گرفتن آن نگرانی خاص، عبارات پرسشنامه را مطالعه نموده، نحوه برخورد خود را با آن تعیین می‌نماید. ولی در فرم عمومی مشکل خاصی در نظر گرفته نمی‌شود و «نحوه مقابله» به طور کلی در برخورد با هر نوع نگرانی مدنظر بوده و ضرورتی ندارد آزمودنی با توجه به مسأله‌ای خاص که موجب نگرانی گردیده، عبارات را پاسخ گوید.

در پژوهش حاضر از فرم خاص و بلند این مقیاس بهره گرفته شده است. مقیاس مذکور پس از ترجمه از مجموع هفتاد و نه عبارت پرسشنامه دو عبارت به علت مغایرت با فرهنگ جامعه و مدارس ایران حذف گردید و چون هر دو عبارت حذف شده مربوط به یک راهبرد مقابله‌ای به نام «کاهش تنش»^{۳۰} بود و در واقع از مجموع پنج عبارت متعلق به این راهبرد دو مورد آن حذف گردیده بود، لذا به منظور جلوگیری از راه‌یابی هرگونه خطا در امر تحقیق، پس از اجرا و به هنگام تجزیه و تحلیل‌های آماری کل عبارات مربوط به این راهبرد مقابله‌ای از مجموع راهبردهای مطرح شده، حذف گردید و پرسشنامه از هجده مقیاس روش‌های مقابله به هفده مقیاس تقلیل یافت که عبارتند از: «جستجوی حمایت اجتماعی»، «تمرکز بر حل مسأله»^{۳۱}، «تلاش کردن و موفق شدن»^{۳۲}، «نگرانی»^{۳۳}، «سرمایه‌گذاری بر روی دوستان نزدیک و صمیمی»^{۳۴}، «احساس تعلق یا پذیرش»^{۳۵}، «تفکر آرزومندانه»^{۳۶}، «تسلیم یا عدم مقابله»^{۳۷}، «فعالیت اجتماعی»^{۳۸}، «نادیده گرفتن مسأله»^{۳۹}، «سرزنش خود»^{۴۰}، «خوددار بودن»^{۴۱}، «جستجوی حمایت معنوی»^{۴۲}، «تمرکز بر جنبه‌های مثبت»^{۴۳}، «جستجوی کمک‌های تخصصی»^{۴۴}، «جستجوی راه‌های تخلیه هیجانی»^{۴۵}، «تفریحات فیزیکی»^{۴۶}.

در تحقیق حاضر برای تعیین ضریب اعتماد ابزار از روش اجرای آزمون مجدد استفاده گردید. بدین ترتیب به یک نمونه سی نفری از دانش‌آموزان مقطع سوم دبیرستان که به طور تصادفی انتخاب شدند، پرسشنامه مورد نظر جهت پاسخگویی ارائه گردید و به فاصله چهارده روز مجدداً آزمون اجرا شد. ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون برای هفده مقیاس مقابله محاسبه گردید. بالاترین میزان همبستگی با ضریب ۰/۸۵ برای مقیاس «جستجوی حمایت اجتماعی» و پایین‌ترین همبستگی با ضریب ۰/۵۰ برای مقیاس «جستجوی راه‌های کاهش هیجان» به دست آمد.

مقایسه میانگین‌های گروه تیزهوش و عادی

به منظور بررسی و مقایسه نحوه مقابله با «تنیدگی» دانش‌آموزان عادی و تیزهوش دختر و پسر در محدوده سنی ۱۸-۱۶ سال، پایه سوم دبیرستان، در پی انتخاب نمونه و انجام آزمون و جمع‌آوری اطلاعات، یافته‌ها با استفاده از روش آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمرات دانش‌آموزان تیزهوش و عادی دختر و پسر

مقیاس	متغیرها	تیزهوشان		عادی	
		پسران	دختران	پسران	دختران
۱	جستجوی حمایت اجتماعی	۱۳/۷۲ (۴/۷۵)	۱۴/۰۳ (۴/۳۹)	۱۶/۳۸ (۴/۷۵)	۱۶/۳۸ (۴/۷۵)
۲	تمرکز بر حل مسأله	۱۸/۴۵ (۲/۴۶)	۱۹/۱۷ (۲/۷۱)	۲۰/۵۲ (۲/۹۶)	۱۹/۵۲ (۳)
۳	تلاش کردن و موفق شدن	۱۸/۴۱ (۲/۰۶)	۱۹/۳۴ (۲/۷۲)	۱۸/۴۸ (۲/۶۱)	۱۸/۹۷ (۲/۵۰)
۴	نگرانی	۱۸/۵۹ (۳/۹۸)	۲۱/۲۴ (۳/۳۴)	۱۹/۱۰ (۴/۳۴)	۱۷/۷۲ (۳/۹۸)
۵	برقراری روابط صمیمانه	۱۴/۶۹ (۳/۰۸)	۱۴/۶۹ (۳/۵۹)	۱۶/۲۱ (۳/۳۵)	۱۵/۹۰ (۴/۶۶)
۶	احساس تعلق یا پذیرش	۱۶/۳۴ (۲/۸۹)	۱۶/۸۶ (۳/۲۰)	۱۶/۱۴ (۳/۱۰)	۱۵/۷۶ (۳/۴۱)
۷	تفکر آرزومندانه	۱۶/۵۵ (۳/۸۷)	۱۷/۲۸ (۳/۳۳)	۱۶/۰۳ (۴/۰۲)	۱۵/۹۰ (۳/۷۳)
۸	عدم مقابله	۱۰/۵۵ (۲/۲۸)	۱۲/۱۷ (۳/۲۹)	۱۱/۶۵ (۳/۲۹)	۱۰/۴۵ (۲/۸۹)
۹	فعالیت اجتماعی	۹/۳۱ (۲/۵۱)	۹/۰۳ (۳/۲۱)	۱۱/۳۱ (۹/۳۱)	۸/۵۲ (۲/۴۳)
۱۰	نادیده گرفتن	۱۰/۰۷ (۲/۶۰)	۹/۷۹ (۳/۰۶)	۹/۶۵ (۲/۹۸)	۹/۰۳ (۳/۰۴)
۱۱	سرزنش خود	۱۱/۵۲ (۲/۸۱)	۱۱/۹۷ (۳/۳۱)	۱۱/۳۴ (۲/۶۹)	۱۱/۳۸ (۳/۶۵)
۱۲	خوددار بودن	۱۲/۲۸ (۲/۲۲)	۱۲/۹۳ (۳/۲۹)	۱۱/۹۳ (۳/۴۲)	۱۱/۵۹ (۳/۴۴)
۱۳	جستجوی حمایت معنوی	۱۴/۴۸ (۳/۶۰)	۱۵/۶۲ (۳/۴۸)	۱۶/۹۳ (۲/۳۰)	۱۴/۷۶ (۴/۱۶)
۱۴	تمرکز بر جنبه‌های مثبت	۱۱/۳۸ (۲/۰۶)	۱۲/۵۲ (۳/۲۴)	۱۲/۳۸ (۳/۲۴)	۱۰/۸۳ (۳/۰۵)
۱۵	جستجوی کمک‌های تخصصی	۸/۵۵ (۲/۹۷)	۹/۲۸ (۳/۹۹)	۱۱/۴۵ (۳/۹۶)	۸/۶۲ (۳/۷۸)
۱۶	جستجوی راه‌های کاهش هیجان	۹/۹۰ (۲/۶۵)	۹ (۲/۶۵)	۱۰/۴۵ (۲/۷۶)	۱۰/۳۱ (۱/۸۳)
۱۷	تفریحات فیزیکی	۸/۸۶ (۲/۵۰)	۷/۸۶ (۱/۹۲)	۹/۶۶ (۳/۷۱)	۸/۰۳ (۲/۰۴)

اطلاعات مندرج در جدول ۱ نشان‌دهنده میانگین و اعداد داخل پرانتز، انحراف معیار پاسخ‌های دانش‌آموزان تیزهوش و عادی دختر و پسر به هفده راهبرد مقابله با تنیدگی می‌باشد. همانطور که در جدول ۱ مشخص شده است. در گروه دختران عادی از مجموع راهبردهای هفده گانه «مقیاس مقابله نوجوانان» راهبرد «نگرانی» (میانگین ۲۱/۲۴) بیشترین و راهبرد مقابله‌ای «تفریحات فیزیکی» (میانگین ۷/۸) کمترین ارزش میانگین را به خود اختصاص داده است و برای گروه «دختران تیزهوش» راهبرد «تمرکز بر حل مسأله» (میانگین ۱۹/۵۲) در مقایسه با سایر راهبردهای مقابله‌ای دارای بالاترین ارزش میانگین و راهبرد «تفریحات فیزیکی» (میانگین ۸/۰۳) دارای پایین‌ترین ارزش می‌باشد. مقایسه میانگین‌های دو گروه «دختران تیزهوش» و «دختران عادی» نشان می‌دهد که به جز مواردی چون «تمرکز بر حل مسأله»، «برقراری روابط صمیمانه»، «جستجوی حمایت‌های اجتماعی»، «جستجوی راه‌های کاهش هیجان» و «تفریحات فیزیکی»، در سایر موارد میانگین نمرات گروه دختران عادی نسبت به گروه دختران تیزهوش در سطح بالاتری قرار دارد. با توجه به جدول ۱ که میانگین استفاده از راهبردهای مقابله‌ای برای پسران عادی و تیزهوش را نیز نشان می‌دهد، می‌توان چنین گفت که در «پسران عادی»، راهبرد «تمرکز بر حل مسأله» (میانگین ۲۰/۵۲) دارای بیشترین استفاده و راهبرد «تفریحات فیزیکی» (میانگین ۹/۶۶) دارای کمترین استفاده می‌باشد و همچنین در گروه «پسران تیزهوش»، از مجموع راهبردهای هفده گانه «مقابله با فشار روانی»، راهبرد «نگرانی» (میانگین ۱۸/۵۹) و راهبرد «جستجوی کمک‌های تخصصی» (میانگین ۸/۵۵) به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان استفاده می‌باشد. مقایسه میانگین‌های دو گروه پسران «عادی» و «تیزهوش» مبین این است که به استثناء مواردی چون «احساس تعلق»، «تفکر آرزومندانه»، «نادیده گرفتن مسأله»، «سرزنش خود و خوددار بودن»، در سایر موارد میانگین پاسخ‌های گروه پسران عادی بیش از پسران تیزهوش می‌باشد جدول ۲ نیز نشان‌دهنده میانگین نمرات دختران و پسران و همچنین میانگین نمرات گروه عادی و تیزهوش به طور کلی می‌باشد.

در تحقیق حاضر با توجه به سطوح متغیرها و تعداد گروه‌های از طرح آماری «مانوا» استفاده شده است قبل از اجرای طرح آماری مفروضه همگونی ماتریس‌های واریانس، کواریانس درون‌خانه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. برای انجام این منظور از «آزمون ام - باکس» استفاده گردید. با توجه به اینکه «ام - باکس» معنی دار نبود ($p > 0/05$) نتیجه گرفته شد که فرض همگنی

واریانس‌ها برقرار بوده و استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیری بلا مانع است.

جدول ۲- میانگین‌های کل دانش‌آموزان «دختر»، «پسر»، «تیزهوش» و «عادی»

مقیاس	متغیرها	گروهها	میانگین کل دختران	میانگین کل پسران	میانگین کل تیزهوش	میانگین کل عادی
۱	جستجوی حمایت اجتماعی		۱۴/۴۴	۱۵/۰۵	۱۴/۲۹	۱۵/۲۱
۲	تمرکز بر حل مسأله		۱۹/۳۴	۱۹/۴۸	۱۸/۹۹	۱۹/۸۶
۳	تلاش کردن و موفق شدن		۲۸/۶۴	۱۸/۴۴	۱۸/۹۶	۱۸/۹۱
۴	نگرانی		۱۹/۶۸	۱۸/۸۴	۱۸/۱۶	۲۰/۱۷
۵	برقراری روابط صمیمانه		۱۵/۲۹	۱۵/۴۵	۱۵/۲۹	۱۵/۴۵
۶	احساس تعلق یا پذیرش		۱۶/۳۱	۱۶/۲۴	۱۶/۰۱	۱۶/۰۵
۷	تفکر آرزومندانه		۱۶/۵۹	۱۶/۲۹	۱۶/۲۳	۱۶/۶۶
۸	عدم مقابله		۱۱/۳۱	۱۱/۱	۱۰/۰۵	۱۱/۹۱
۹	فعالیت اجتماعی		۸/۷۷	۱۰/۳۱	۸/۹۲	۱۰/۱۷
۱۰	نادیده گرفتن		۹/۴۱	۹/۸۶	۹/۵۵	۹/۷۲
۱۱	سرزنش خود		۱۱/۶۷	۱۱/۴۳	۱۱/۴۵	۱۱/۵۷
۱۲	خوددار بودن		۱۸/۰۵	۱۲/۶	۱۲/۴۴	۱۲/۴۳
۱۳	جستجوی حمایت معنوی		۱۵/۱۹	۱۵/۷	۱۴/۶۲	۱۶/۲۸
۱۴	تمرکز بر جنبه‌های مثبت		۱۱/۶۷	۱۱/۸۸	۱۱/۱۱	۱۲/۴۵
۱۵	جستجوی کمک‌های تخصصی		۸/۹۵	۱۰	۸/۵۹	۱۰/۳۷
۱۶	جستجوی راه‌های کاهش هیجان		۹/۶۵	۱۰/۱۷	۱۰/۱۱	۱۴/۲۳
۱۷	تفریحات فیزیکی		۷/۹۴	۹/۲۶	۸/۴۵	۸/۷۶

● به منظور بررسی اثر متقابل «هوش» و «جنسیت» از آزمون‌های «مانوا» مندرج در جدول ۳ استفاده گردید. نتایج آزمون‌های سه گانه برای اثر متقابل «هوش» و «جنسیت» معنی دار به دست نیامد، لذا بررسی این اثر در همین مرحله خاتمه می‌یابد و پی‌گیری آن با استفاده از آزمون F تک متغیری ضرورتی ندارد.

جدول ۳- نتایج مانوا برای اثر متقابل «جنسیت X هوش»

نام آزمون	ارزش آزمون	مقدار F	df	سطح معنی‌داری
پیلایس	۰/۲۰۹	۱/۴۹	۱۷	۰/۱۱
هاتلینگز	۰/۲۶۵	۱/۴۹	۱۷	۰/۱۱
ویلکس	۰/۷۹۰	۱/۴۹	۱۷	۰/۱۱

● به منظور بررسی اثر اصلی «جنسیت» بر نحوه مقابله با «تنیدگی» در بین گروه‌های مورد پژوهش از آزمون‌های مانوا که در جدول ۴ منعکس است، استفاده گردید. نتایج آزمون‌های انجام شده معنی دار گزارش نگردید. بنابراین نیازی به استفاده از تحلیل واریانس تک متغیری نمی‌باشد. در واقع این امر بیانگر آن است که «جنسیت» تأثیر قابل توجهی بر روی استفاده از راهبردهای مقابله با تنیدگی ندارد و به کارگیری راهبردهای هفده گانه مقابله با تنیدگی از سوی پسران و دختران تقریباً یکسان است.

جدول ۴- نتایج مانوا برای اثر اصلی «جنسیت»

نام آزمون	ارزش آزمون	مقدار F	df	سطح معنی داری
پیلایس	۰/۱۸۶	۱/۲۹	۱۷	۰/۲۱۵
هاتلینگز	۰/۲۲۸	۱/۲۹	۱۷	۰/۲۱۵
ویلکس	۰/۱۸۳	۱/۲۹	۱۷	۰/۲۱۵

● برای بررسی اثر اصلی «هوش» در نحوه مقابله با «تنیدگی» نیز از آزمون‌های «مانوا» استفاده گردید. نتایج آزمون‌ها در جدول ۵ منعکس گردیده است. همانطور که جدول ۵ نشان می‌دهد، اثر اصلی هوش در سطح ($p < ۰/۰۰۵$) معنی دار است با توجه به معنی دار بودن نتایج مانوا به منظور پی بردن به این که منشأ تفاوت‌ها از کدام متغیر است. از آزمون F تک متغیری استفاده گردیده و نتایج در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۵- نتایج مانوا برای اثر اصلی «هوش»

نام آزمون	ارزش آزمون	مقدار F	df	سطح معنی داری
پیلایس	۰/۲۵۶	۱/۹۵	۱۷	* ۰/۲۲
هاتلینگز	۰/۳۴۵	۱/۹۵	۱۷	* ۰/۲۲
ویلکس	۰/۷۴۳	۱/۹۵	۱۷	* ۰/۲۲

* $p < ۰/۰۰۵$

بنابر نتایج حاصله از جدول ۶ مجموع متغیرهای هفده گانه، کاربرد راهبرد «مقابله نگرانی»،

«عدم مقابله»، «فعالیت اجتماعی»، «جستجوی حمایت‌های معنوی»، «تمرکز بر جنبه‌های مثبت» و «جستجوی کمک‌های تخصصی» در بین دو گروه «تیزهوشان» و دانش‌آموزان «عادی» در سطح $(p < 0/005)$ معنی‌دار می‌باشد. بدین ترتیب که راهبردهای ذکر شده در بین تیزهوشان در مقایسه با دانش‌آموزان عادی دارای استفاده کمتری است و این راهبردها از سوی گروه عادی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این جهت بین دو گروه تفاوت اساسی وجود دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون F تک‌متغیری برای گروه‌های دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در متغیرهای هفده‌گانه

ردیف	آماره	میانگین کل دانش‌آموزان تیزهوش	میانگین کل دانش‌آموزان عادی	میانگین مجموع مجذورات MS	خطای میانگین مجذورات	میزان F
۱	جستجوی حمایت اجتماعی	۱۴/۲۹	۱۵/۲۱	۲۴/۲۱	۱۷/۸۱	۱/۳۶
۲	تمرکز بر حل مسأله	۱۸/۹۹	۱۹/۸۶	۲۱/۵۵	۷/۸۰	۲/۷۶
۳	تلاش کردن و موفق شدن	۱۸/۶۹	۱۸/۹۱	۱/۴۶	۶/۱۸	۰/۲۳
۴	نگرانی	۱۸/۱۶	۲۰/۱۷	۱۱۸/۰۱	۱۵/۴۳	* ۷/۶۴
۵	برقراری روابط صمیمانه	۱۵/۲۹	۱۵/۴۵	۰/۶۹	۱۳/۸۴	۰/۰۵
۶	احساس تعلق یا پذیرش	۱۶/۰۱	۱۶/۰۵	۵/۸۳	۹/۹۷	۰/۵۸
۷	تفکر آرزومندانه	۱۶/۲۳	۱۶/۶۶	۵/۳۹	۱۴/۷۴	۰/۳۶
۸	عدم مقابله	۱۰/۰۵	۱۱/۹۱	۵۷/۹۶	۸/۷۹	* ۶/۵۹
۹	فعالیت اجتماعی	۸/۹۲	۱۰/۱۷	۴۵/۹۴	۸/۹۷	* ۵/۱۲
۱۰	نادیده گرفتن	۹/۵۵	۹/۷۲	۰/۸۶	۸/۵۷	۰/۱۰
۱۱	سرزنش خود	۱۱/۴۵	۱۱/۵۷	۱/۲۴	۹/۸۵	۰/۱۲
۱۲	خوددار بودن	۱۲/۴۴	۱۲/۴۳	۰۰۰	۹/۸۳	۰۰۰
۱۳	جستجوی حمایت معنوی	۱۴/۶۲	۱۶/۲۸	۷۹/۴۵	۱۱/۹۰	* ۶/۶۷
۱۴	تمرکز بر جنبه‌های مثبت	۱۱/۱۱	۱۲/۴۵	۵۲/۴۵	۸/۶۳	* ۶/۰۷
۱۵	جستجوی کمک‌های تخصصی	۸/۵۹	۱۰/۳۷	۹۱/۴۶	۱۳/۶۹	* ۶/۶۸
۱۶	جستجوی راه‌های کاهش هیجان	۱۰/۱۱	۱۴/۲۳	۴/۱۷	۶/۲۵	۰/۶۷
۱۷	تفریحات فیزیکی	۸/۴۵	۸/۷۶	۶/۲۸	۶/۹۷	۰/۹۰

* $p < 0/005$

همان‌طور که در بخش معرفی ابزار تحقیق آمده است. پرسشنامه مورد استفاده علاوه بر هفتاد و هشت عبارت «بسته- پاسخ» یک عبارت «باز- پاسخ» نیز دارد، که آزمودنی بنابه میل خود به آن پاسخ می‌گوید. در این عبارت از آزمودنی خواسته شده دیگر راه‌هایی را که برای مقابله با مشکلات خود به کار می‌گیرد و در متن پرسشنامه به آن اشاره نشده است، به اختصار بنویسد. از مجموع یکصد و شانزده آزمودنی، پنجاه نفر از آنها که به تفکیک عبارت بودند از نه دختر

عادی، دوازده پسر عادی، پانزده دختر تیزهوش، چهارده پسر تیزهوش، به این قسمت پاسخ گفتند. از آنجا که کلیه پاسخ‌های داده شده توسط ۴۳٪ آزمودنی‌ها، به نوعی تکرار مطالب مطرح شده در پرسشنامه بود و تنها یک آزمودنی، گفتن «دروغ مصلحتی» و «خودکشی» را نیز به عنوان راهبرد مقابله با مشکلات خود ذکر نموده بود، و این از جمله مواردی بود که در پرسشنامه قید نشده بود لذا در تجزیه و تحلیل داده‌ها این قسمت پرسشنامه، مورد توجه قرار نگرفت و از حوزه بررسی حذف گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی بر روی نحوه مقابله با «تنیدگی» در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی دبیرستانی، مؤید این مطلب است که هوش به عنوان یک ویژگی فردی در انتخاب و به‌کارگیری شیوه‌های مقابله با تنیدگی دارای اثر معنی‌دار می‌باشد همان‌طور که پژوهش‌های مختلف روان‌شناسی و علوم تربیتی حاکی از آن است که افراد تیزهوش در مقایسه با افراد عادی از جهات مختلف تفاوت دارند، در استفاده از مقیاس مقابله نوجوانان نیز این اختلاف مشاهده گردید از مجموع هفده مقیاس آزمون، که هر یک به نوعی از راهبردهای مقابله با فشار روانی دلالت دارد. شش مقوله «نگرانی»، «عدم مقابله»، «فعالیت اجتماعی»، «جستجوی حمایت‌های معنوی»، «تمرکز بر جنبه‌های مثبت» و «جستجوی کمک‌های تخصصی» در امر مقایسه بین دانش‌آموزان «تیزهوش» و دانش‌آموزان «عادی» تفاوت معنی‌دار را نشان می‌دهد. بنابر این سؤال اول پژوهش مبنی بر وجود تفاوت معنی‌دار در نحوه مقابله با تنیدگی، دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تأیید گردید. در این زمینه تحقیقاتی صورت پذیرفته که با نتیجه حاصله همخوان و همسو می‌باشد.

● رابطه راهبرد مقابله «نگرانی» با «هوش»: تحقیقات نشان داده است که تیزهوشان در مقایسه با افراد عادی هنگام مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی زا کمتر دچار اضطراب و نگرانی می‌گردند (کالاگر ۱۳۶۹). «کامپاز» و همکاران (۱۹۹۸ و ۱۹۹۱) معتقد هستند، «نگرانی» که هنگام مواجهه با رویدادهای زندگی بر فرد غالب می‌گردد به چندین عامل بستگی دارد. این عوامل عبارتند از: «قابلیت پیش‌بینی»، «ارزیابی شناختی»، «احساس کارآیی نسبت به کنترل خوب و مؤثر یک موقعیت تنیدگی‌زا» و همچنین «حمایت اجتماعی». بنابراین با توجه به نتایج یافته‌های موجود مبنی بر قابلیت پیش‌بینی رویدادها در تیزهوشان (گالاگر، ۱۹۹۰) و همچنین برتری برخورداری از حرمت خود

خودکارآمدی و احساس کفایت و ادراک شایستگی و لیاقت در دانش آموزان تیزهوش نسبت به افراد عادی (نمکی، ۱۳۷۵، موس و شافر ۱۹۹۳، اسمعیلی ۱۳۷۴، هالاهان و کافمن ۱۳۷۱)، می‌توان چنین استدلال نمود که تیزهوشان به دلیل برتری در خصایص یاد شده نسبت به افراد عادی مهار بیشتری بر امور ادراک می‌نمایند و سبک روی آوری مؤثرتری برای حل مسایل به کار می‌برند و به میزان کمتر دچار نگرانی و اضطراب در مورد رخدادهای موجود در زندگی می‌گردند.

● رابطه راهبرد مقابله «عدم مقابله» با هوش: راهبرد «عدم مقابله» از جمله مواردی است که در بررسی و مقایسه تیزهوشان و افراد عادی در زمینه نحوه مقابله با تنیدگی از سوی افراد عادی بیش از افراد تیزهوش مورد استفاده قرار گرفته و نتایج گویای تفاوت معنی‌داری در میزان استفاده از این راهبرد می‌باشد. «لازاروس» و «لانیر» (۱۹۷۸)، «مقابله» را کوشش‌هایی می‌دانند که به‌طور کلی شامل چیره شدن، تحمل کردن، کاهش دادن و به‌حداقل رساندن نیازهای درونی و بیرونی و تعارض میان آنها است. تحقیقات نشان داده‌است که برخی از افراد با توجه به جنبه‌های شخصیتی نسبت به فشار روانی کاملاً مستعد و ناتوانند، بدین معنی که اگر با عوامل «تنیدگی» مواجه شوند قادر نیستند با آنها مقابله نموده و از عهده مشکل برآیند. عوامل بسیاری در به‌وجود آمدن این تفاوت‌ها دخالت دارد که از آن میان می‌توان به «شخصیت»، «انگیزه»، «توانمند بودن» اشاره نمود (کوپر، ۱۳۷۳؛ موس و شافر، ۱۹۹۳) یافته‌ها نشان داده‌اند. زمانی که افراد باور کنند که منابعشان اعم از پول، وقت و انرژی برای مواجهه با تهدید و آسیب کافی نیست، دچار یأس، ناامیدی و به نوعی تسلیم در مقابل عامل فشار می‌گردند (تیلور ۱۹۹۱). بنابر این نحوه برخورد شخصی با مشکلات بیش از خود مشکلات اهمیت دارد. افراد به لحاظ رویدادهایی که در زندگی تجربه می‌کنند و نیز میزان آسیب‌پذیری در مقابله با آن رویدادها هم متفاوتند.

مطالعات «پارکر»، ۱۹۹۶ «کایز»^{۴۷} و «برندت»^{۴۸}، ۱۹۸۵ (به نقل از بیکر، ۱۹۹۵)، «ترمن»، (۱۹۲۵) «گیر»^{۴۹}، (۱۹۴۴)، «گالاگر» و «کرودر»^{۵۰} (۱۹۷۵) «هیلدرت»^{۵۱} (۱۹۸۳) و «لایت فوت»^{۵۲} (۱۹۵۱) به نقل از گالاگر، ۱۳۶۹، نشان‌دهنده میزان کمتری از آسیب‌پذیری، اختلالات روانی و بیماری‌های عصبی، خودکشی، مسایل شخصیتی در بین تیزهوشان در مقایسه با افراد عادی می‌باشد بنابراین می‌توان استدلال نمود که با توجه به شواهد موجود، در رابطه با پایین بودن سطح بیماری‌های روان‌تنی و اختلالات عصبی در «تیزهوشان»، خود نشان‌دهنده رویارویی مؤثر و

مفید در مقابل تنش‌ها بوده و حاکی از «عدم تسلیم» و «عدم بی‌کفایتی» در مقابل تنیدگی‌های موجود می‌باشد. طبق نظر «ملود»^{۵۳} و «کسلر»^{۵۴} (۱۹۹۰ به نقل از گروئن ۱۹۸۶)، تأثیر تنیدگی روانی در افراد بیشتر به صورت افسردگی و واکنش‌های روانی - فیزیولوژیکی نمود پیدا می‌کند. این محققان ضمن بررسی دقیق وضع ۴۲۴ بیمار افسرده شدید به این نتیجه رسیدند که همبستگی مثبت و معنی‌داری بین رویدادهای منفی زندگی و فشارهای مزمن با نشانه‌های افسردگی وجود دارد.

● رابطه راهبرد مقابله «فعالیت اجتماعی» باهوش: راهبرد مقابله‌ای «فعالیت اجتماعی» بر سازمان دادن و تشکیل گروه‌های مختلف جهت مطرح نمودن مسایل تأکید دارد. استفاده از این راهبرد، قدرت رهبری، سازماندهی، برنامه‌ریزی افراد را می‌طلبد. در تعاریف گوناگونی که از تیزهوش مطرح گردیده است یکی از ویژگیهای خاص تیزهوشان، «توان رهبری»، ذکر گردیده است (مارلند^{۵۵}، ۱۹۷۲ به نقل از بابائی ۱۳۷۵، میلانی فر ۱۳۶۹). البته این ویژگی مانند سایر تفاوت‌های فردی در افراد تیزهوش نیز دارای شدت و ضعف می‌باشد. نتیجه حاصله از تحقیق فوق مبین این امر است که تیزهوشان به میزان کمتری از این راهبرد سود می‌جویند و از این جهت با دانش‌آموزان عادی به طور معنی‌داری متفاوت هستند. می‌توان چنین استدلال نمود که به دلیل رفتار اجتماعی مستقلی که دارند، نه از توده مردم پیروی می‌کنند و نه تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند (گالاگر ۱۳۶۹). شاید بتوان علت تفاوت دانش‌آموزان تیزهوش و عادی در استفاده از راهبرد «فعالیت اجتماعی برای رویارویی با مشکلات» را به عدم شکوفائی توان بالقوه رهبری و قدرت اجرایی، با توجه به شرایط حاکم بر فضای آموزش و جو رقابت‌آمیز مدارس نسبت داد. چرا که متأسفانه هنوز بسیاری از معلمان و مربیان معتقدند که اصلاح و سازگار کردن برنامه برای تیزهوشان صرفاً طولانی‌تر کردن و مفصل‌تر نمودن تکالیف دانش‌آموزان عادی و ارائه نمودن آن به تیزهوشان می‌باشد.

بدین دلیل که آموزش بیشتر مختص دروس آموزشگاهی و حول محور تحصیلی و ارتقاء به مدارج بالاتر و دستیابی به رتبه‌های علمی بهتر می‌چرخد و فقط زمان و اوقاتی که صرف این‌گونه فعالیت‌ها می‌گردد از نظر «خانواده» و مربیان ارزشمند و مفید تلقی شده و سایر فعالیت‌ها، جنبه حاشیه‌ای داشته و از اهمیت کمتری برخوردار هستند و از مظاهر هوشمندی به شمار نمی‌آیند. بنابر این دانش‌آموزان تیزهوش نه تنها به انجام آنها تشویق و ترغیب نمی‌شوند. بلکه

حتی‌الامکان از پرداختن به آنها امتناع می‌گردد همچنین مدارک و شواهد حاکی از آن است که در دانش‌آموزان تیزهوش نیاز برای برقراری روابط دوستانه و صمیمی با یک‌دیگر انگیزه رقابت و پیشرفت توأم می‌گردد و در بسیاری مواقع این دو زمینه با یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرد (کروس،^{۵۶} ۱۹۸۹، به نقل از اسوایتک، ۱۹۹۵)، و بدین شکل امکان ایجاد ارتباط تا حدی مختل می‌شود.

بنابر این در عین حال که تیزهوشان به توانمندی خود اعتقاد دارند، نمی‌خواهند که از سایرین برجسته‌تر و متفاوت‌تر به نظر برسند و نسبت به عدم پذیرش اجتماعی از سوی دیگران آگاهند، بنابر این تمایل دارند توانمندی‌های خود را از سایرین مخفی نگه دارند (براون، اشترنبرگ،^{۵۷} ۱۹۹۰، کولمن، ۱۹۸۵، به نقل از اسوایتک، ۱۹۹۵) بنابر این تلاش می‌کنند چندان متفاوت از سایرین رفتار نکنند.

● رابطه رابرد مقابله «جستجوی حمایت‌های معنوی» با هوش: راهبرد دیگری که مبین تفاوت آشکار و معنی دار دانش‌آموزان عادی و تیزهوش می‌باشد، جستجوی «حمایت‌های معنوی» است، نتیجه به دست آمده نشان دهنده آن است که دانش‌آموزان تیزهوش در این مقیاس نمره پایین‌تری به دست آورده‌اند و این بدین معناست که آنها کمتر در پی جستجوی حمایت‌های معنوی می‌باشند تحقیقات نشان داده که تیزهوشان از یک خود پنداشت مثبت نسبت به توانمندی خود برخوردار هستند (کر^{۵۸}، و دیگران ۱۹۸۸، به نقل از اسوایتک، ۱۹۹۵). بنابراین می‌توان چنین استدلال نمود که تیزهوشان با اعتماد و اتکاء به توانایی‌های خود، کفایت و شایستگی لازم برای حل مشکلات را در خود می‌بینند.

● رابطه رابرد مقابله «تمرکز بر جنبه‌های مثبت» با هوش: راهبرد دیگری که نتایج حاصله، تفاوت معنی داری را در میزان استفاده دوگروه تیزهوش و عادی آشکار ساخت راهبرد مقابله‌ای «تمرکز بر جنبه‌های مثبت مسایل» است. در این زمینه نیز، دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزان تیزهوش بر جنبه‌های مثبت مسایل و رخدادها تمرکز می‌نمایند و یا به عبارت دیگر، خوش‌بینانه‌تر با رویدادها برخورد می‌کنند گرچه تحقیقات چندی نشان داده است که تیزهوشان، افرادی خوش‌بین و مثبت‌گرا هستند (کولمن و دیگران، ۱۹۸۵، به نقل از هالاها و کافمن، ۱۳۷۱؛ شافر ۱۹۸۴، به نقل از موس و شافر، ۱۹۹۳، ولی درکنار آنها یافته‌هایی نیز وجود دارد که لازم است ویژگی طرز تفکر خوش‌بینانه تیزهوشان با در نظر گرفتن آن مورد بحث و

بررسی قرار گیرد به عنوان نمونه «گنزلر»^{۵۹} و «جکسن»^{۶۰} (۱۹۶۲، به نقل از گالاگر، ۱۳۶۹) در تحقیقی که بر روی نگرش‌ها و ارزش‌های تیزهوشان انجام داده‌اند، بدین نتیجه رسیدند که تیزهوشان دارای طرز فکری محافظه کارانه و محتاطانه هستند و این امر در داستان‌پردازی‌های آنها به وضوح قابل مشاهده بود. آنها در داستان‌پردازی‌ها خود روشی محافظه کارانه را در پیش می‌گیرند و با این روش امکان ورود هر نوع خسارت یا انتقاد را نسبت به خود به حداقل می‌رسانند.

● رابطهٔ راهبرد مقابله «جستجوی کمک‌های تخصصی» با «هوش»: راهبرد مقابله‌ای «جستجوی کمک‌های تخصصی» نیز از شیوه‌های مقابله‌ای بود که دانش‌آموزان عادی با به دست آوردن نمرات بالاتر نسبت به دانش‌آموزان تیزهوش، تفاوت آشکاری را در این زمینه نشان دادند. نتیجه به دست آمده با تحقیقی که توسط «ربانی» و «فرید» (۱۳۷۱)، در این زمینه صورت گرفته و به بررسی این که دانش‌آموزان تیزهوش مشکلاتشان را چگونه و با چه کسی مطرح می‌کنند؛ همسو و همخوان است. براساس یافته‌های این محققان درصدهای آماری قابل توجهی به دست آمده است. بالاترین درصد به دوستان و همکلاسی‌های آنان تعلق دارد و اولیاء مدرسه و مشاوران از آن دسته مواردی هستند که درصد بالینی را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که تیزهوشان مشکلاتشان را به ترتیب اولویت بدین اشخاص گفته و مراجع مشورتی خود را اینگونه انتخاب می‌کنند. بالاترین درصد (۴۸/۹) دوستان و همکلاسی‌ها، ۲۶/۱٪ والدین و بستگان (اکثراً ترجیح می‌دهند بستگان جوانتر خانواده باشند) ۹/۱٪ موارد مشکل خود را خودشان تجزیه و تحلیل می‌کنند و آن را ابراز نمی‌نمایند و ۸/۱٪ مشکلات خود را با مربیان و مشاوران مطرح می‌سازند و ...

مشاور باید سعی کند و نشان دهد که می‌تواند به دنیای تیزهوشان وارد شود. بنابر این در اولین برخورد مشاور با دانش‌آموز تیزهوش، کنش‌های متقابل آنها باید به سوی جوی هدایت شود که احساس امنیت، پذیرش، ارزش و آزادی را در وی تقویت نماید.



□ در پاسخ به سؤال دوم تحقیق مبنی بر اینکه «آیا تفاوت معنی‌داری در نحوه مقابله با تنیدگی بین پسران و دختران وجود دارد» نتایج حاصله نشان داد که «تفاوت جنسیت» در استفاده از راهبردهای مقابله تأثیر چندانی نرومندی ندارد و اختلاف پسران و دختران در این زمینه معنی‌دار نیست نتیجه به دست آمده با یافته‌های «کامیاز» و همکاران (۱۹۸۸)، همخوانی دارد. آنها نشان دادند که

نحوه استفاده از راهبردها و تکنیک‌های مقابله در بین دختران و پسران متفاوت است ولی این تفاوت به اندازه‌ای نیست که اثر «جنسیت» را معنی دار گزارش نماید. البته تحقیقات دیگری نیز وجود دارد که به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند از جمله «پیترسن» و همکاران (۱۹۹۱)، نشان داده‌اند که در دوره نوجوانی روش‌های رویارویی پسران با فشارهای روانی با ثبات‌تر و پایدارتر از شیوه‌های مقابله‌ای دختران است و دختران در مقایسه با پسران به تعارض‌ها و مشکلات خود به روش‌های مختلفی پاسخ می‌دهند و عمدتاً هیجان را در مرکز توجه خود قرار داده و افزایش افسردگی و اضطراب در دختران نیز مربوط به همین موضوع است و نیز «تویتز» (۱۹۹۵، به نقل از پهلوانی، ۱۳۷۵) بیان می‌دارد که «مردان» با صبر و بردباری بیشتری با رویدادهای تنیدگی‌زا برخورد می‌کنند و مردان گزارش می‌نمایند که بیشتر بر هیجان‌های خویش مسلط هستند. مشکل را قبول می‌کنند و درباره آن زیاد نگران نمی‌شوند و شیوه‌های مبتنی بر حل مسأله را به کار می‌برند در عوض «زنان» بیشتر در جستجوی حمایت عاطفی و اجتماعی هستند و تمرکز خودشان را از سوی موقعیت تنیدگی‌زا منحرف ساخته و به عبارتی حواس پرتی بیشتری از خود نشان می‌دهند و هیجان‌های خود را بیشتر آشکار می‌سازند.

○ ○ ○

یادداشت‌ها:

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------|
| 1- Stress | 2- Stressor |
| 3- Emotion-focused | 4- Problem-focused |
| 5- Atkinson, R. | 6- Cooper, C. L. |
| 7- Intelligence | 8- Sex |
| 9- Holahan, D. P. | 10- Kauffman, J. |
| 11- Coping | 12- Wechsler |
| 13- Giftedness | 14- Denial |
| 15- Escapism | 16- Fantasy |
| 17- Fantasy | 18- Hypochondria |
| 19- Projection | 20- Displacement |
| 21- Rationalization | 22- Vicious circles |
| 23- Dead-ends of thoughts | 24- Spirito |
| 25- Stark | 26- Williams |
| 27- Adolescent Coping Scale (ACS) | 28- Specific form |
| 29- General form | 30- Tension reduction |
| 31- Focus on solving the problem | 32- Work hard and achieve |
| 33- Worry | 34- Invest in close friends |

- | | |
|-----------------------------------|----------------------------|
| 35- Seek to belong | 36- Wishful thinking |
| 37- Not coping | 38- Social action |
| 39- Ignore the problem | 40- Self-blame |
| 41- Kepp to self | 42- Seek spiritual support |
| 43- Focus on the positive problem | 44- Seek professional help |
| 45- Seek relaxing diversions | 46- Physical recreation |
| 47- Kaise | 48- Brndt |
| 49- Geer | 50- Crowder |
| 51- Hildreth | 52- Light foot |
| 53- Melod | 54- Kessler |
| 55- Marland | 56- Cross |
| 57- Sternberg | 58- Kerr |
| 59- Getzels | 60- Jackson |

○ ○ ○

منابع :

- اسمعیلی، حسین. (۱۳۷۴)، مقایسه ادراک دانش‌آموزان مدارس تیزهوش و عادی در دو مقطع اول راهنمایی و اول دبیرستان در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- اتکینسن، ریتال. اتکینسن، ریچارد س. و هیلگارد، ارنست. (۱۹۸۳)، زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمدتقی برهانی و همکاران، ۱۳۷۱. تهران. رشد.
- بابائی، رحمت‌اله. (۱۳۷۵)، میزان عزیت نفس در کودکان عقب‌مانده ذهنی، عادی و تیزهوش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- پهلوانی، هاجر. (۱۳۷۵)، بررسی عوامل استرس‌زا، راهبردهای مقابله و رابطه آن با سلامت روانی در افراد نابابرو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه روان‌شناسی دانشگاه ایران.
- ربانی، الهه. فریدی، اختر. (۱۳۷۱)، مشاوره و غنی‌سازی، معلم، مجله استعداد‌های درخشان، سال اول، شماره ۳.
- کاظمی حقیقی، ناصرالدین. (۱۳۷۱)، عوامل مؤثر بر بازخورد تیزهوش، مجله استعداد‌های درخشان، سال اول، شماره ۴.
- کوپر، کارل ال. (۱۳۷۳)، فشار روانی: راههای شناسایی و مقابله با آن، ترجمه مهدی قراچه‌داغی و ناهید شریعت‌زاده. تهران، رشد.
- گالاگر، جیمز. (۱۳۶۹)، آموزش کودکان تیزهوش، ترجمه مجید مهدی‌زاده، احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- میلانی‌فر، بهروز. (۱۳۶۹)، روان‌شناسی کودکان و نوجوانان استثنائی، تهران، قومس.
- نمکی، زهرا. (۱۳۷۵)، مقایسه ویژگیهای شخصیتی دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر عادی و تیزهوش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- هالاهان، دانیل پی. و کافمن، جیمز. (۱۳۷۱)، کودکان استثنائی مقدمه‌ای بر آموزشهای ویژه، ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد، آستان قدس رضوی.

Baker, J. A. (1995). Depression and suicidal ideation among academically gifted adolescents. Gifted Child Quarterly, 39,4. 218-223.

- Brown, L. L. (1993).** *Special considerations in counseling gifted students.* School-Counselor, 40,3. 184-190.
- Clark, B. (1983).** *Growing up Gifted (2nd ed).* Columbus, Ohio: Merrill Publishing Company.
- Compas, B. E. , Banez, G. , Malcarne, V. & Worsham, N. (1991).** *Perceived control and coping with stress a developmental perspective,* Journal of Social Issues. 47,4. 23-34.
- Compas, B. E. , Malcarne, V. & Fondacaro, K. (1988).** *Coping with stressful events in older children and young adolescents.* Journal of Consulting and Clinical Psychology. 56,3. 405-411.
- Cummings, E. M. & Cummings, J. L. (1988).** *A process oriented approach to childrens coping with adults, angry behavior.* Development Review. 8,3. 290-321.
- Fuerstein, M. L. E. & Kuezmierzzyk, A. R. (1987).** *Health psychology.* Plenum Press: NewYork.
- Folkman, S. & Lazarus, R. S. (1980).** *An analysis of coping in a middle aged community sample.* Journal of Health and Social Behavior, 21. 219-239.
- Forsythe, C. J. & Compas, B. E. (1987).** *Interaction of cognitive appraisals of stressful events and coping: testing the goodness of fit hypothesis.* Cognitive Therapy and Research. 11. 473-485.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (1981).** *Adolescent coping: the different ways in which boys and girls cope.* Journal of Adolescence. 14. 119-133.
- Frydenberg, E. & Lewis, R. (1993).** *Adolescent coping scale. Administrators' Manual.* Victoria: Allanby Press Printers pty Ltd.
- Gallagher, J. I. (1990).** *The public and professional perception of the emotional status of gifted children.* Journal for the Education of the Gifted. 13,3. 202-211.
- Gruen, R. J. (1986).** *Dynamics of a stressful encounter: cognitive appraisal coping and encounter out comes.* Journal of Personality and Social Psychology. 50. 992-1003.
- Kobasa, S. C. , Maddi, S. R. & Kahn, S. (1982).** *Hardiness and health: A prospective study.* Journal of Personality and Social Psychology. 42,1. 68-77.
- Lazarus, R. S. & Launier, R. (1978).** *Stress-related transactions between person and environment. In A. Pervin and M. Lewis (Eds.).* Perspectives in International Psychology, 287-327. NewYork: Plenum.
- Moos, R. H. & Schafer, J. A. (1993).** *Coping resources and processes: current concept and measures: In L. Goldberger and S. Breznitz (Eds.).* Handbook of Stress (2nd ed.) NewYork: Free Press.
- Rogers, B. T. (1985).** *Cognitive evaluation theory: the effects of external rewards on intrinsic motivation of gifted students.* Roeper Review, 7,4. 257-260.
- Swiatek, M. A. (1995).** *An empirical investigation of the social coping strategies used by gifted adolescents.* Gifted Quarterly 39,3. 154-160.
- Taylor, S. E. (1991).** *Health Psychology (2nd ed.).* McGraw Hill Inc.
- Watts, M. & Cooper, C. L. (1992).** *Relax, Dealing with Stress.* London: BBC Books.

ﺗﻨﻈﯿﻢ ﻛﻨﻨﺪﮔﺎﻥ / ﻓﺎﻃﻤﻪ ﺍﺯﻫﺎﻱ، ﺯﻫﺮﺍ ﺍﺯﻫﺎﻱ

ﺗﻨﻈﯿﻢ ﻛﻨﻨﺪﮔﺎﻥ / ﻓﺎﻃﻤﻪ ﺍﺯﻫﺎﻱ، ﺯﻫﺮﺍ ﺍﺯﻫﺎﻱ

ﺗﻬﺮﺍﻥ - ﺻﻨﺪﻭﻕ ﭘﺴﺘﻰ ۶۱۹ - ۱۳۱۸۵، ﻣﺮﺑﻮﻁ ﺑﻪ ﭘﯿﺰﻭﻫﺸﮕﺮﺍﻥ ﺟﻮﺍﻥ

ﺗﻬﺮﺍﻥ - ﺻﻨﺪﻭﻕ ﭘﺴﺘﻰ ۶۱۹ - ۱۳۱۸۵، ﻣﺮﺑﻮﻁ ﺑﻪ ﭘﯿﺰﻭﻫﺸﮕﺮﺍﻥ ﺟﻮﺍﻥ

ﻣﺠﻠﻪ ﺍﺳﺘﻌﺪﺍﺩﻫﺎﻱ ﺩﺭﺧﺸﺎﻥ

ﺍﺭﺳﺎﻝ ﻛﻨﯿﺪ. ﺩﺭ ﺯﻣﻨ ﻓﺮﺍﻣﻮﺵ ﻧﻜﻨﯿﺪ ﺑﺮ ﺭﻭﻱ ﻣﻘﺎﻟﻪ ﺍﺭﺳﺎﻟﻰ ﻧﺎﻡ «ﻣﺮﻛﺰ»، «ﭘﺎﻳﻪ
ﺗﺤﺼﯿﻠﻰ» ﻭ «ﺳﺎﻝ ﺗﺪﻭﯾﻦ» ﺣﺘﻤﺎً ﻧﻮﺷﺘﻪ ﺷﻮﺩ. ﻭ ﻫﻤﺎﻧﮕﻮﻧﻪ ﻛﻪ ﻣﻄﻠﻌﯿﺪ، ﻣﻘﺎﻻﺗﻰ
ﻛﻪ ﻓﺎﻗﺪ ﺟﻨﺒﻪ ﭘﯿﺰﻭﻫﺸﻰ ﻳﺎ ﺑﺎ ﺗﻜﺮﺍﺭ ﻣﺤﺘﻮﺍ ﻫﻤﺮﺍﻩ ﺑﺎﺷﻨﺪ ﻓﻘﻂ ﺍﺳﺎﻣﻰ ﺍﺭﺳﺎﻝ ﻛﻨﻨﺪﻩ
ﺩﺭ ﺍﻋﻼﻡ ﻭ ﺻﻮﻝ ﻫﺎ ﺧﻮﺍﻫﺪ ﺁﻣﺪ.

<ﺟﺒﺮﺍﻧﻪ> ﻭ ﺯﻭﺭﺍﻡ

ﻣﺤﯿﻂ ﺯﯾﺴﺖ، ﺁﻣﻮﺯﺵ ﻭ ﭘﺮﻭﺭﺵ، ﻣﺴﻜﻦ ﻭ...
ﺩﺭ ﺟﻤﻌﯿﺖ ﺗﻮﺿﯿﺤﺎﺗﻰ ﺩﺍﺩﻩ ﺷﺪﻩ
ﺍﺳﺖ.

ﺗﻬﺮﺍﻥ - ﺻﻨﺪﻭﻕ ﭘﺴﺘﻰ ۶۱۹ - ۱۳۱۸۵، ﻣﺮﺑﻮﻁ ﺑﻪ ﭘﯿﺰﻭﻫﺸﮕﺮﺍﻥ ﺟﻮﺍﻥ

ﺳﻴﺎﻭﺵ ﺭﺍﺳﺘﻜﺎﺭ - ﺩﯾﺮﺳﺘﺎﻥ ﺷﻬﯿﺪ ﺑﻬﺸﺘﻰ
ﺯﻧﺠﺎﻥ.

ﺩﺭ ﺍﯾﻦ ﺗﺤﻘﯿﻖ ﺍﺑﺘﺪﺍ ﺑﻪ ﺑﺮﺭﺳﻰ ﻭﺿﻊ

ﺟﻤﻌﯿﺖ ﺟﻬﺎﻥ ﻭ ﺍﯾﺮﺍﻥ ﭘﺮﺩﺍﺧﺘﻪ ﺷﺪﻩ ﻭ ﺳﭙﺲ

ﻧﺎﺯﯾﻼ ﺑﻬﺸﺘﯿﺎﻥ، ﻓﺎﻃﻤﻪ ﺭﺯﺍﻗﻰ، ﺳﺎﺭﺍ ﺷﻬﯿﺪﻯ -

ﺩﺭﺑﺎﺭﻩ ﻧﻘﺶ ﻋﻮﺍﻣﻠﻰ ﻣﺜﻞ ﺗﻐﺬﯾﻪ، ﺑﻬﺪﺍﺷﺖ،

سال اول دبیرستان فرزندگان قزوین.

بهشتی بیرجند.

در این تحقیق سیر تکاملی تکنولوژی ارتباطات و پیشرفت‌های بشری در زمینه ارتباطات و اطلاع رسانی و میزان تأثیر این پیشرفت‌ها در زندگی انسان مورد بررسی قرار گرفته است.

در این تحقیق دانش آموز با ساختن مدلی برای گاز ایده آل قوانین شارل - گیلوساک، بویل - ماریوت و قانون سوم گازهای ایده‌ال را بررسی کرده است. لازم به ذکر است که این تحقیق به عنوان پژوهش برگزیده جهت شرکت در هشتمین دوره مسابقات اولین گام به سوی جایزه نوبل فیزیک به کشور لهستان ارسال گردیده است.

«!TWA AkBj 9Bzjn - 33 .sQ°zµA -]±A -»

دنا خائف پناه - سال اول دبیرستان فرزندگان قزوین.

«!TWA AkBj 9Bzjn - 33 .sQ°zµA -]±A -»

این پژوهش شامل عناوین زیر است:

غزال محمدیان، آرینا آصف - مرکز فرزندگان سندج.

تکامل سیستم استخوانی و عضلانی، انواع غضروف، روشهای تشکیل استخوان، انواع استخوان، ساختمان میکروسکوپی استخوان، استخوانهای بدن انسان و صدمات و بیماریهای استخوانها.

در این تحقیق ابتدا درباره بیماری سل، عوامل مؤثر بر شیوع این بیماری، نحوه انتقال بیماری در انسان، راههای تشخیص و درمان و کنترل سل توضیحاتی داده شده و سپس دلایل رقم بالای ابتلا به سل در استان با مطالعه بر روی ۳۰ نفر از بیماران یکی از بیمارستانهای سندج مورد بررسی قرار گرفته است.

«!TWA AkBj 9Bzjn - 33 .sQ°zµA -]±A -»

وحید رباطی - سال دوم دبیرستان شهید

بهشتی خرم‌آباد.

این تحقیق به نقش و تأثیر هیپنوتیزم در معالجه بیماریهای روانی - عصبی و جسمی می‌پردازد.

«!TWA AkBj 9Bzjn - 33 .sQ°zµA -]±A -»

الهه عبدالهی، بهاره محقق - سال اول

دبیرستان فرزندگان قزوین.

«!TWA AkBj 9Bzjn - 33 .sQ°zµA -]±A -»

حامد فرهادی - سال سوم دبیرستان شهید

در این مقاله، در باره پرخاشگری و

تعریف تهاجم فرهنگی، تفاوت تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی، تاریخچه تهاجم فرهنگی در ایران، عوامل بوجود آمدن تهاجم فرهنگی، و وظایف مردم و مسئولین در مقابله با تهاجم فرهنگی، از مهمترین عناوین این پژوهش هستند.

»-A±]±- ¶n°j

مژگان فرزنانگان، مریم صدوقی - سال اول دبیرستان فرزنانگان دزفول.
این تحقیق در باره رشد در دوران بلوغ، ویژگیهای روحی این دوره، نیازهای نوجوان، اختلالات شخصیتی دوره بلوغ، واکنشهای دفاعی و عزت نفس در نوجوانان، مطالبی را در برمیگیرد.

&A©vM pAn

زهره غلامیان، فاطمه کرباسی - سال اول دبیرستان فرزنانگان قزوین.
پژوهشگران، با استفاده از منابع گوناگون، به بررسی عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» و معنای قسمتهای مختلف آن پرداخته‌اند. عناوین دیگر این تحقیق عبارتند از:

تفسیر بسم الله، ترجمه الله، فرق رحمان و رحیم و رابطه استعاذه با تسمیه.

اختلالات رفتاری، نظریه‌های پرخاشگری، عوامل پرخاشگری و راههای اصلاح پرخاشگری، مطالبی ارائه شده است.

-B£k-oQ

امیر صرافزاده - سال دوم راهنمایی مرکز شهید مدنی تبریز.

در این مقاله ویژگیهای پرندگان مانند تخمگذاری، لانه‌سازی، شکل بال و پر و نوک و پای پرندگان، چگونگی پرواز آنها، جفت‌یابی، مهاجرت، انواع پرندگان و... بیان شده است.

»UB... k¼e±U

مرضیه درخشش، لیلا دهباشی، سرور مکاری پور، شبنم معروف - مرکز راهنمایی فرزنانگان بوشهر.

نقش اندیشه در کمال‌شناسایی فطری، کمالات تکوینی و اکتسابی موجودات، صفات خدا، توحید صفاتی، کمال مطلق، مواظبت بر توحید صفاتی و شرک صفاتی از عناوین این تحقیق می‌باشند.

»¢®µo,, ©]B'U

منصوره دانشگرنژاد، مریم وهابی، فاطمه فغانخی - سال اول دبیرستان فرزنانگان قزوین.

oz ° NBa °B °n

محمد مهدی پناهی - دبیرستان شهید بهشتی
زنجان.

عناوین مطرح شده در این پژوهش عبارتند از: تاریخچه کتاب، چاپ و چاپخانه، حروفچینی، وسایل حروفچینی، چاپ و انواع ماشینهای چاپ.

RB, C °B °n

آناهیتا شرفی - سال دوم راهنمایی
فرزانگان خرم آباد.

این تحقیق شامل عناوین زیر است:
تاریخچه سموم شیمیایی، انواع حشره کشها، مبارزه غیر شیمیایی با آفات، معرفی سن گندم (نوعی آفت) و روشهای مبارزه با آن.

3•ÀLŞA[~ nj °oLµn

وحیده پیدایش - سال اول دبیرستان
فرزانگان دزفول.

در این مقاله، پژوهشگر با استفاده به مفاهیم نهج البلاغه و گفتارهای امام علی (ع)، صفات و وظایف رهبر جامعه اسلامی را بیان کرده است.

RjB °{

فاطمه جلال پور - سال اول دبیرستان
فرزانگان دزفول.

این مقاله شامل مطالبی در باره شهید و

»½Ä, jk ° »`UB ±L¼,, jAk A ³T{n

رامین رازقندی - سال دوم دبیرستان شهید
بهشتی سبزوار.

در این تحقیق ابتداء رشته اعداد فیوناتچی بررسی و درباره رشته اعداد لوکا و کسرهای مسلسل نیز توضیحاتی داده شده است و بعد از توضیح عدد طلایی، مفهوم هندسی آن و رابطه آن با دنباله فیوناتچی به نسبتهای طلایی موجود در طبیعت و ساخته های دست بشر و از جمله ساختار خط نستعلیق اشاره شده است.

k{n »wB®z -A °n

مرجان علاقه بندها - سال اول دبیرستان
فرزانگان قزوین.

در این تحقیق رشد جسمی و روانی انسان، از پیش از تولد تا ۷ سالگی و رفتارهای او در دوره های مختلف زندگی بررسی شده است.

œj ± ~ »wB®z -A °n

زهره دری، فریبا آذر افروز - سال اول
دبیرستان فرزانگان دزفول.

رشد کودک از تولد تا ۱۲ سالگی، اختلالات دوران کودکی، بهداشت روانی کودک و علل افزایش اختلالات رفتاری در کودک، از مهمترین عناوین بررسی شده این تحقیق می باشند.

فرهنگی جامعه اسلامی، تمدن، فرق میان تمدن و فرهنگ، علت و چگونگی رواج تجدد به نام تمدن، دین و تمدن مطالبی ارائه شده است.

خصلت‌های او، روحیه شهادت‌طلبی، فرهنگ شهادت، شهادت و عاشورا، انقلاب و شهادت و عشق به شهادت، می‌باشد. با آرزوی موفقیت برای این دانش‌آموز عزیز.

±T~A± ½q¼,,

نسیم چینی فروشان، رکسانا شعبانی، فهیمه زارع - سال اول دبیرستان فرزنانگان قزوین.
این تحقیق در بارهٔ پیدایش فیزیک کوانتومی و دانشمندانی که در شکل‌گیری قسمت‌های مختلف آن نقش داشته‌اند، می‌باشد.

±i ° K!%o

هدی محمدخانی - سال اول دبیرستان فرزنانگان قزوین.
مهمترین عناوین بررسی شده در این تحقیق عبارتند از:
فیزیولوژی عضلهٔ قلبی، گردش خون در قلب، تنظیم پمپاژ قلبی، گلبول‌های قرمز و سفید، کم‌خونی، پلاکت‌ها و مکانیسم انعقاد خون.

©UA €z~

سلیمه لشگری - دبیرستان فرزنانگان قزوین.
این پژوهش به بررسی تاریخچهٔ کشف اتم و اجزای بنیادی آن (الکترون، نوترون، پروتون) و ذرات دیگر اتم می‌پردازد و سپس مدل‌های اتمی گوناگون را بیان می‌کند.

Š½°q%o o'{'

مرضیه لطفی، فاطمه شاهرودی - سال اول دبیرستان فرزنانگان قزوین.
با استفاده از تصاویر مختلف به بررسی آثار و ساختمان‌های تاریخی شهر قزوین از جمله مساجد، مدرسه‌ها، زیارتگاه‌ها و آرامگاه بزرگان پرداخته‌اند.

°o±wB«Ao,,

مرضیه درخشش، لیلا دهباشی - مرکز راهنمایی فرزنانگان بوشهر.
در این پژوهش ارزنده، ابتدا تاریخ پیدایش فراماسونری و بخشها و قوانین آن بیان شده و سپس دربارهٔ فراماسونری در جهان و ورود آن به ایران و انواع لژهای فراماسونری در ایران توضیحاتی ارائه شده است.

-k^aU ° j@μo,,

مهری سهرابی‌نیا، زهرا گرجیان - سال اول دبیرستان فرزنانگان آبادان - خرمشهر.
در این تحقیق دربارهٔ فرهنگ، کارکرد و خصوصیات عمدهٔ آن، انتقال و اشاعهٔ فرهنگی، مدل فرهنگی و مشخصات مدل

«S½o½k T~nBz»

شادی رحمت پناهی - سال اول دبیرستان
فرزانگان قزوین.
در این تحقیق، ابتدا به تعریف مدیریت
مشارکتی و مشارکت و دیدگاههای متفاوت
نسبت به مشارکت پرداخته شده و سپس
نظامهای مشارکتی و طرح نظام پیشنهادها
بررسی شده است. با آرزوی موفقیت برای
این پژوهشگر عزیز.

«µB®T «B- jo»

سارا ملکی بخش، صباچه باریک بین،
زینب حاج فتحعلیها - سال اول دبیرستان
فرزانگان قزوین.
پژوهشگران، با استفاده از منابع متنوع،
در باره زندگی و شخصیت امام علی (ع) از
ولادت تا شهادت و نهج البلاغه و ویژگیهای
آن، تحقیقی ارزنده ارائه داده اند.

«T... o¼• RAnjB RÀ z«

فاطمه مظفری - سال اول دبیرستان
فرزانگان قزوین.
در این تحقیق، ابتدا تاریخچه ای از
صادرات غیر نفتی بیان شده و سپس به بررسی
موانع و مشکلات توسعه و صادرات غیر نفتی
و علل مختلف این موانع، پرداخته شده است.

R±L-

مینو عارفی کیا - سال اول راهنمایی مرکز

²B¼£ ° ¥£

شادیه محمدی، ثریا مرادی، بیان خسروی،
فرناز بزرگی - سال سوم راهنمایی مرکز
فرزانگان سنندج.
پژوهشگران در این تحقیق با استفاده از
نمونه های جالبی از گیاهان به معرفی تعدادی
از انواع بی شمار گلها، برگها و دانه های
گونگون پرداخته اند.

¥Ç-A -BµB¼£

سوما دهلوی، سوگل قائمی - مرکز
فرزانگان سنندج.
در این تحقیق ابتدا درباره گیاهان انگل
مختلف، میزبانهای آنها و مشکلات ایجاد
شده توسط گیاهان انگل گلدان توضیحاتی
داده شده و سپس تحت دو عنوان گیاهان انگل
حمله برنده به ریشه میزبان و گیاهان انگل
حمله برنده به درختان میوه در ایران، چند نوع
از گیاهان انگل گلدان معرفی شده اند.

-BTwjo~ «±M -BµB¼£

بهار یونسی، بیان اسدی، آیدا لاهورپور -
مرکز فرزانگان سنندج.
این تحقیق، ابتدا به بررسی پوشش گیاهی
منطقه و عوامل مؤثر بر دگرگونی آن
می پردازد و سپس در مورد جغرافیای
کردستان و علل تخریب جنگلهای آن
توضیحاتی داده شده است.

فرزانگان تبریز. عزیزاده، سودابه درودی - سال سوم دبیرستان
اصول تکامل در مکتب انبیا، منبع
فرزانگان مشهد. شناخت انبیا، فلسفه عقیده به پیامبران پیشین
پژوهشگران ابتدا به نقش عدد «هفت» و تاریخ انبیا اولوالعزم، از عناوین این مقاله
در اقوام و مذاهب گوناگون و تاریخ هستند.
فرهنگ و ادبیات فارسی و عرب و ریاضیات پرداخته و سپس عدد «چهل» را
در احادیث و آیات قرآن و امثال و اشعار بررسی کرده‌اند.
فرزانه فاطمی‌پور، زهرا رضوانی، سارا

µ...S° a'¥



مقالات، نوشته‌ها و گردآوری‌های این عزیزان به دست ما رسیده است:

- مرکز شهید بهشتی آمل : سید احمد هاشمی، معین نبی.
- مرکز شهید بهشتی اردبیل : عزتعلی فیض، محمد هژبری، پویان سیگاری، محمدحسن ساسر، حامد فرنام، هادی دیارمند، فرزاد مسعودکبیر .
- مرکز شهید بهشتی ارومیه : علی بزازی، ساسان کارگرنژاد، سیدعلی رضوی روحانی، سینا اخوان سلامت، یاشار پیرمی، حسن عبدالهی، فرزین حسن وظیفه‌شناس، مجید غنی‌پور، فاروق رحیم‌پور، شروین قاسملو، امیر عزیزی، سهند فرج‌نژاد، فراز مرامی، حسین گل‌صنملو، پویا حاتمی، محمدامیر محتشمی، فرشاد میرزازاد، سامان بهرام‌پور، میثم نجاتی، نعیم احمدی، مهیار قائمی، روزبه حسینی، مهران خلیلی.
- مرکز شهیدآژه‌ای اصفهان : عادل دلاور.
- مرکز فرزنانگان بوشهر : سیده فاطمه مجاهدالموسوی، مرضیه درخشش، الهام ملاحزاده، شیوا نجفی‌زاده، رضوان موسایی، معصومه صلاحی، افروز ساریخانی، نیلوفر حمیدی، آذین اشگر، یلدا رفیعی، نازنین روان‌بند، شیرین حیدری، شایسته بوشهری، مینا اویسی، سارا رستمی، فاطمه رحیمی، سمیه افتخار الحسینی، سارا امیرانی، پریسا بهرامی، آریا رخت جهانبخشان، مرضیه چاهی بخش، شیرین حسن‌زاده، زهره حیدری، عاطفه حمیدی، لیلا رازه، سارا راستی، زهرا سالک نژاد، زهرا حسینی، مریم دهقانی، مهرنوش فرهادی، نسترن گلچین، ترانه یابنده، مینا فقیه، سعیده عمادی، خاطره سبحانیان، زهرا فیروزه، مانده نوذری، سروش شریف‌زاده، کاملیا شاتلی، پگاه شیرین‌کلام، مرسله جهان سیر، اسماء کشاورز، منا فروهی، شیرین مجیدی، مریم کمالی، هدی انصاری.
- مرکز شهید مدنی تبریز : مرتضی امینی، آرمین نهضتی، بهرام سقای اسلامی.
- مرکز فرزنانگان تبریز : سلوی کی‌نژاد، طاهره حدیدی، الهه مدبر، مریم کاظمی، مسنا صادقی، فاطمه

عدیلی، مینا اکبرزاده، نرگس فلاحتی، فرناز دبیری، لاله افلاکی .

□ **مرکز شهید بهشتی خرم آباد** : حامد بهرامیان، نوید خودحال، احسان جزایری، علی مدبری، نعمت دولتشاه، سپهر کرمی، سجاد سپهوند، مهدی رسولی نیا، میثم جدیدی، علی عباسی، فرید ترکشوند، سهراب روزبھانی، علیرضا نیک‌روان، محسن معصومی .

□ **مرکز فرزندگان خرم‌آباد**: صبا اکبری، متین کردستانی .

□ **مرکز فرزندگان دزفول** : سرور شعبان‌زاده، الهه نعمتی زاده، راضیه رحیمی، مریم دانش‌فر، میترا نساج نژاد، مهشید مربوطی، صدیقه نظری، نسیم نوری، ملیحه بیگدلی، عصمت پهلوانی زاده، صدیقه احمدزاده، آتنا خسرویک، آزاده مهردوست، فاطمه علوی، فروغ خوش‌خو، نسیم حجری سبزوآباد، بهاره هورانی، ساناز مرزبان، نسیم چلبیانلو، زهرا کاظمی، ندا ناصری، افروز تمنا، محبوبه منصور، مریم غلام‌حسینی، فاطمه کرم‌زاده، عفت ضیعی‌پور، فاطمه سعیدفر، فرشته روحانی زاده، سپیده چاوش، معصومه کیخواه، مرجان صوری، مهسا شرف‌الدین، مریم دلآوری، مانده خلیلی، مژده تدین خطیبی، مرضیه بااوش دار، ساناز ظاهر دباغ، مینا ذبیحی، زهرا شفی‌زاده، زینب شفی‌زاده، الهام جواد نوری، بهاره توکلی، هدیه مجدی، موژان وفایی، نینا خوش‌خبر، صدیقه احمدزاده، مژده برزن، زینت طهماسبی بیرگانی، آذین بهمنش، لیلا اعتصامی نیا، بهنوش طحان‌زاده، مریم محمدزاده، سیمین عطارزاده، مینا علوی، پگاه جمالی، فاطمه قنبری، فاطمه شهریسوند، راضیه خوشنویسان، گلسا دهقان، عصمت علوی، زهره گچکوب، سمیه دهقانی.

□ **مرکز شهید بهشتی زنجان** : سیدرسول موسوی، وحید قدیمی، محسن گیلک، فرزاد بدلخانی، مهدی نجفی، حسن خیرپناهی، هادی دینی، میثم حاتمی .

□ **مرکز فرزندگان سنندج** : ستاره امیری، سهیلا ساعدپناه، مونا احمدی .

□ **مرکز فرزندگان قزوین** : فرزانه امینی، مرضیه حاج بابائی، زینت السادات حسینیان، ندا حبیبی، مهکامه تهرانی، فاطمه غریبی، مرضیه غلامی، سمیرا مافی‌مقدم، آرزو اشجعی خامنه، زهرا عزیز سلطانی، نیلوفر عرب، مهین صلواتیها، فاطمه‌السادات مدائنی، ریحانه خوئینی‌ها، فاطمه حاجی آقا محمدی، ویدا برجسته، مهرانگیز بیاتی صالح، حمیرا سراجان، سمیرا لشگری، فاطمه امیری، سمر کلانتری، آسیه سامه، زینب خلیلی، زهرا فرج‌زاده‌ها، شکوفه لشگری، آرزو ملکی، زهرا خسروی فرد، سودابه یوسفی، سمانه قربانعلی، مهشید وحیدی، پریسا عصار، گلناز مقبلی، مونا شیرخورشیدی، رقیه غیاثوند، زهرا ملاحسنی، هاجر صفری، سمیرا آقایی، نگین کشاورز نجفی، فائزه میرمیران.

□ **مرکز فرزندگان همدان** : زهرا مرادی، ناهید مؤمنی ثابت.

□ **مرکز فرزندگان ؟** : نسیمه آفنداک، مریم برناک.



44. -A±] -Aozμ°sQ . 33 -Bzñj °BμjAk TwA :!«

گفتگو با هادی جرئی فارغ التحصیل سمپاد دانشجوی دانشگاه پرینستون

محمدناصرزاده

«سمپاد قاعده خاصی ندارد. در اینجا تو هر کاری را بخواهی انجام دهی یا در آن کار بهترینی یا بهترینش دوست توست.»

«هادی جرئی» فارغ التحصیل مرکز استعدادهای درخشان علامه حلی تهران که هم اینک مشغول تحصیل در دوره دکتری ریاضیات دانشگاه پرینستون می‌باشد به سؤالات ما در زمینه‌های مختلف پاسخ داده است.

او سرنشین اتوبوسی بود که عزیزان ارزشمندی را به باد قهر جاده‌ها سپرد و کلام او یادآور آن لحظه‌های تیره نیز می‌باشد.

خواندن این مصاحبه و تجربه‌های ارزشمند او را به کلیه دانش‌آموزان خوب سمپاد توصیه می‌کنیم. توصیه‌های یک سمپادی موفق غیر المپیادی!

سمپاد

○ دوست داریم با نام تو، سال تولد و وضعیت فعلی‌ات آشنا شویم

● به نام خدا و باسلام خدمت خوانندگان خوب مجله سمپاد. من هادی جرئی، متولد ۱۳۵۶ در تهران هستم. خوب مثل همه یا اغلب خواننده‌های مجله از اول راهنمایی وارد مرکز استعدادهای درخشان علامه حلی تهران شدم. پس از فارغ التحصیلی هم ریاضیات را در دانشگاه صنعتی شریف پی گرفتم و پس از لیسانس هم که جریان ادامه تحصیل برای دکترای پیش آمد.

○ آیا زمینه‌های علاقمندی تو به مسائل علمی از بچگی بروز داشت؟

● از بچگی در محاسبه کمی سریع بودم و با توجه به حساسیت پدرم به تحصیل و آموزش من و اینکه کمی گوشت تلخ! بودم و با بچه‌های دیگر کمتر می‌جو شیدم، همیشه یکجوری پدرم با دادن چند تا مسئله جالب مرا سرگرم می‌کرد. شوق علمی را مدیون حُسن سلوک پدرم هستم. ایشان فوق لیسانس ریاضیات و تز خود را با مرحوم دکتر هشترودی گذرانده بودند و حال و هوای خوبی را برای من در خانه فراهم می‌کردند.

○ یک کمی جوشی نبودی؟! نظر به خاطرات دانش آموزی می‌گویم

● دعوائی نبودم، شاید یک کمی، ولی حال به کلی اصلاح شدم، آرام شدم دیگر!!

○ ریاضیات چه اثری را بر روحیه و روان دانش آموز می‌گذارد و یک دانش آموز دنبال چه زیباییها در روان خویش پس از برخورد با ریاضیات بگردد؟

● اینکه دقیقاً تأثیر ریاضیات را روی خودم یا بچه‌های دیگر تشریح کنم بسیار سخت است ولی خواصی دارد که بسیار جالب توجه است. مثلاً شما باید حتماً حرف دقیق بزنید، حرف شما باید واجد دلیل باشد. احساس کشفی که بعد از حل مسئله‌ای تازه بدست می‌دهد بسیار لذت بخش است. لذت «پیدا کردن» و احساس کشف در ریاضیات یک جنبه بی نظیر این علم است. روال منطقی و دقیق و این اصل مهم که هر حرفی را بزنید باید اثبات کنید از وجوه دیگر جذابیت‌های ریاضی است. خلاصه مطلب یکی از احساس پیدا کردن و دیگری نظم منطقی.

○ بسیاری از خوانندگان ما بچه‌های دوره راهنمایی هستند. از آن دوره برایمان بگو و شیرینی‌های آن زمان دست نیافتنی را یادآور کن.

● دوره راهنمایی یکی از بهترین دوره‌های زندگی ام بود. دنبال چیزی بودم، شاید یادگرفتن بود. کتابخانه مرکز طبقه هم کف بود- کتابخانه را حتی المقدور در طبقه هم کف تشکیل دهید یک به خاطر نداشتن پله برای رفت و آمد و دیگر اینکه در زمستان که شوفاژ کار می‌کند طبقه پائین همیشه گرم است ولی بالاها درست شوفاژها کار نمی‌کنند در نتیجه کتابخانه همیشه گرم است- و این دو خاصیت مهم را هم داشت! کتابها را تنگ تنگ چیده بودند و خیلی جای هوس‌انگیزی بود، هر وقت که آزادی پیدا می‌کردم می‌رفتم به آن جای گرم! با تعداد زیادی کتاب و البته تعداد زیادی دوستان سال بالائی- آن موقع مدارس ما مجتمع بود حال احتمالاً زحمت سال بالائی‌ها را فارغ التحصیلان باید بکشند - هر چیزی به فکرتان برسد می‌خواندم از

نشستن در کتابخانه واقعاً لذت می‌بردم.

○ آیا قائل هستی روش کار را در مرکز سمپاد متفاوت با دیگر مدارس است؟

آیا در روش مرکز علامه حلی نکته خاصی دیده‌ای؟

● روش آموزش علامه حلی واقعاً خاص بود. از جهات مختلف می‌گویم. هم جنبه آموزشی هم استادان بسیار خوبی که داشتیم هم فارغ التحصیلان و هم دوستان خوبی که سالهای زیادی با هم می‌ماندیم و کارهای مشترکی را انجام می‌دادیم. محیطی بود که علاقه‌ها در آن شکل می‌گرفت. برخوردها جالب بود.

○ روشهای دبیران برای آموزش واجد چه ویژگیهایی بود؟

● یکی از دبیران جلسه اول که رفته بود سرکلاس عربی صحبت کرده بود و گفته بودند من معلم عربی شما هستم و خلاصه صحنه سازی کردند بعد معلوم شد معلم زیست‌شناسی هستند! و بعد یک برگ گیاهی را آورده بودند- از این گیاهانی که سیلیس دارد- و همینطور یکی یکی به صورت ما می‌کشیدند خوب سیلیس داشت و باعث سوزش و خارش می‌شد همه گفتند آقا می‌سوزد گفت خوب بروید بشورید! بعد هم رفتیم و شستیم، خلاصه افتضاح شد اشک هم اضافه شد! بعد گفتند درس امروز ما این است اینجور چیزها را نباید به پوست بمالید اگر یک موقع مالیدید مبادا آب بزنید!! چقدر این کلاسها را لذت بخش برگزار می‌کردند. و یا آزمایشگاهها و... مدیر خوبی داشتیم آقای میردامادی .

○ و دوره دبیرستان؟

● دبیرستان نکته عجیبی دارد که شاید به درد بچه‌ها بخورد. یک فرق مهم این است که از درس خواندن به اندازه دوره راهنمایی لذت نمی‌بریم. باید حرفه‌ای تر برخورد کرد ولی برای من اتفاق خیلی بدی در دبیرستان افتاد ناگهان نمره‌های من خیلی بهتر شد! معدل ۱۸ زورکی راهنمایی شد ۱۹/۵ و اصلاً خودم هم نمی‌دانستم چرا!!!

○ آیا مطالعات اصلی را از دبیرستان آغاز نمودی؟

● بله بطور حرفه‌ای ریاضیات می‌خواندم و در عین حال به شیمی هم بخاطر کلاسهای بسیار لذت بخش آقای آراسته علاقمند شدم. همه می‌دانند ایشان چه کلاسهایی دارد مرا بسیار مورد تشویق قرار می‌دادند. لذت‌بخش ترین لحظات کلاس جایی بود که می‌گفتند خوب ببینیم هادی عزیز چه می‌گه؟

○ می توانی در یک جمله و یا با یک قاعده سمپاد را برایمان تعریف کنی؟

● می خواهم یک قاعده مهم را بگویم. نه در مورد علامه حلی تهران فقط بلکه برای برخی از مراکز استعدادهای درخشان تا آنجا که دیده ام و شاید روزی همه مراکز سمپاد. مرکز ما و برخی از مراکز سمپاد اینجوری است که تو هر کاری را بخواهی بکنی یا در آن کار بهترینی یا بهترینش دوست توست.

بطور مثال یک مسئله شیمی برایم پیش می آمد فوری می رفتم پیش فلان دوستم که مطمئن بودم از خیلی از دانش آموزان و معلمهای شیمی بهتر می داند این حس در من هم بوجود می آمد که من هم باید چیزی بلد باشم و کاری بکنم. باید مثل بقیه هنری داشته باشم وگرنه برای چی اینجا هستم. این نکته خیلی مهم است. حالا یکی زبان می دانست، یکی الکترونیک یکی در عالیترین درجه بدنسازی بوده و چوب به گردنش و تنش می شکاندند هر کسی در واقعه یک کاری را انجام می داد و این خیلی مهم بود.

○ من باید از تعریف بسیار ارزشمند و خوب شما در مورد سمپاد تشکر کنم، یکی از بهترین تعاریفی بود که تا کنون شنیده ام، سرپرست محترم سازمان همیشه تأکید کرده اند یکی از مهمترین دستاوردهای مراکز سمپاد گردهم آوردن همین بچه ها می باشد، وضع دانشگاه و محیط آن را چگونه دیدید؟

● دانشگاه اینطور نیست و این تجربه تنها من نیست. محیط مرکز علامه حلی واقعاً با محیط دانشگاه تفاوت داشت محیط مدرسه خیلی فعالتر و خیلی زبلتر و علمی بود. محیط علامه حلی دانشگاهی تر بود!

دانشگاهی که من دیدم یک دبیرستان بزرگ بود. در دبیرستانم واقعاً چیزهای بیشتری یاد گرفتم در دانشگاه خیلی کارها کردم ولی کارهایش ربطی به دانشگاه نداشت. فکر می کنم محیط دبیرستان علامه حلی برای یادگیری و علم آموزی بسیار مناسبتر بود.

○ آیا همه اینها را مدیون سازمان خوب خودمان، سمپاد هستیم؟

● در واقع سازمان کار بزرگی را انجام داده است. نه فقط من، خیلی از دوستانم، خیلی از استعدادهایی که در سازمان است اگر جای دیگر می رفتند واقعاً حیف می شدند. یکی از دوستان نزدیک من واقعاً استاد حل مسأله است. مسائلی را حل می کند که دهان آدمی از تعجب باز می ماند! چقدر این بچه در درسهای عادی اش مشکل داشت و من مطمئن هستم اگر در یک

مدرسه عادی بود چقدر مورد اذیت قرار می‌گرفت و اصلاً دیلم هم نمی‌گرفت! ولی او کسی بود که بعداً جواب این اعتماد و همراهی را داد. شایستگی‌اش را نشان داد و در المپیاد پذیرفته شدکارهای بسیاری کرد و اینک هم فرد خیلی برجسته‌ای در رشته‌اش می‌باشد.

○ ماجرای المپیادهای تو شیرین و پندآموز است؟! از آنها برایمان بگو.

● خوب در دوم دبیرستان در اوج بودم ولی نگذاشتند شرکت کنیم! بعد هم سال بعد در المپیاد فیزیک اول قبول شدم! و در عین حال که ریاضی می‌خواندم مسائل فیزیک هم حل می‌کردم آخرش سه نقره از فیزیک، کامپیوتر و ریاضیات آوردم و حسابی نقره داغ شدم! لطف خدا بود که مرحله آخر ریاضیات در مشهد بود و وقتی فهمیدم قبول نشدم رفتم زیارت و حالم سرجایش آمد، فکر می‌کنم کمی خیال بافی می‌کردم و درست موقعیتم را حدس نزددم در موفقیت برای المپیاد خبری نیست کار بیشتر می‌کردم و درس بهتر می‌خواندم قبول می‌شدم. شروع کردم برای کنکور خواندن با اینکه برای رشته ریاضیات نمره خیلی بالایی هم نمی‌خواهد ولی خوب ما تلاشمان را کردیم و نفر یازدهم کنکور شدیم. راههای موفقیت بسیار است!

○ نادرستی این مطلب که المپیادها جمع بسته‌ای هستند و کسی را درون خود راه نمی‌دهند مورد تأیید توست؟

● با اینکه نمی‌شود مرا خیلی غیرالمپیادی حساب کرد! ولی جمع المپیاد جمع بسته‌ای نیست شاید به دلیل دوستیهای در اردو نتوانند دوستان جدیدی در دانشکده بیابند ولی جنبه خاصی ندارد یک ماجرای خیلی طبیعی و راحت است. مشکل از نگاه دیگران است نه خود بچه‌ها. این نگاه در امتیازاتی که بچه‌های المپیادی دارند نمی‌باشد این امتیازات کاملاً به حق و ارزشمند است کم جنبگی برخی و عدم درک صحیح از المپیاد باعث تفاوت رفتاری آنها می‌شود. این رفتارها خیلی وقتها بچه‌های المپیادی را بیش از غیر المپیادی‌ها ناراحت می‌کند.

○ برای ادامه تحصیل به چه دانشگاهی راه پیدا کرده‌ای؟

● خوب دانشگاه پرینستون است و علی رجائی رفته آنجا! و این اسم برای ما باری خاص دارد. مطمئن هستم پذیرش هم که به من دادند بخاطر کاری بود که علی رجائی و آرش رستگار کردند.

البته بی‌علاقه نبودم در انستیتو ما کس پلانک آلمان ادامه تحصیل دهم ولی برای آنجا

دانشجو نمی‌گرفتند. و ما عازم پرینستون شدیم.

○ در موفقیت‌های اشاره به شاگرد اولیت در دوره خودت نکردی.

● جوابی ارزشمند دارد. درست است که در ایندوره من شاگرد اول شدم ولی حتماً نمی‌خواستم بشوم یا نشوم. یعنی به آن چیزیکه مهمتر است و به من احساس رضایت قلبی می‌داد رسیدم. دیگر مهم نبود به جای اول، چهارم بشوم.
○ در هیئت از خاطره عجیبی در دوره ابتدائی برابمان گفتی؟ برای اینکه بچه‌ها بهتر آن روزها را حس کنند یاد آوریش شاید خوب باشد.

● خاطره بسیار عجیبی است. حدود سال ۶۳ بود در دبستان دوم ابتدائی بودیم منافقین وارد مدرسه ما شدند و رفتند داخل دفتر- البته اینها را بعداً فهمیدیم. و ناظم شجاع مدرسه ما آقای مهمان‌دوست رفته بود جلو و مقابله کرده بود البته مقابله چه عرض کنم سعی کرده بود جلوییشان را بگیرد و البته اسلحه هم نداشت. این مرد خوب را با چهار گلوله شهید کردند و بعضی از همکاران مدرسه هم مجروح شدند گهگاه به آن مدرسه سری هم می‌زنم. هیئت هم تجربه خاصی است هر ساله شب بیست و یکم و عاشورایم ترک نمی‌شود.
○ می‌خواهم سؤالی را نپرسم ولی تو به آن جواب دهی.

● نمی‌خواهم به این سؤال جواب دهم

○ باشد. ولی لااقل درباره یکی دو تایشان کمی بگو. یکی از بزرگترها، یکی از هم سن و سالها.

● آقای مجتبی مهرآبادی. من شاگردش بودم درس جبر II. از اعضای خیلی فعال جمع گرم دانشکده بودند. ایشان دانشجوی دکترا بودند هم فوتبال بازی می‌کردند هم مسئله با بچه‌ها حل می‌کردند رفتارهایی داشتند که یاد می‌گرفتیم نظرش این بود که بماند و کار کند و دست از تلاش برندارد حتی برخی از استادان هم نصیحتش می‌کردند که برو برای ادامه تحصیل ولی با شور و عشق زائد الوصفی مانده بود و تلاش می‌کرد. خوب در سانحه تصادف آقای مهرآبادی درگذشت... بهترین دوستم - آرمان بهرامیان - که در اتوبوس بغل هم نشسته بودیم درگذشت برنده جایزه روزبه بود- به چند زبان تسلط داشت هم زبانهای باستانی هم زبانهای زنده. اگر کسی نمی‌دانست فکر می‌کرد دانشجوی زبان‌شناسی است این قدر به این علم مسلط بود و کار می‌کرد. آدم فوق العاده برجسته‌ای بود. شاید عنوانهای المپیادی نداشت ولی روحیه علمی فوق العاده‌ای داشت که بین همه بچه‌ها مطرح بود. موجود فوق العاده‌ای بود بقول معروف یک چیز من

می‌گویم یک چیزی شما می‌شنوید.

به نجوم علاقمند بود و با مجله نجوم همکاری می‌کرد یک جایزه رصد زهره برده بود یک جایزه جغرافیائی هم برده بود! با برجسته‌ترین زبانشناسان و منجمین بحث می‌کرد... لطفاً ادامه ندهیم، بگذریم، حادثه خیلی تلخی بود؛ ...

○ در آینده بیشتر به تدریس مایلی یا تحقیق؟ و آیا در اینمورد برای خودت وظیفه‌ای قائل هستی؟
● فکر می‌کنم در تحقیق موفق‌تر از تدریس هستم به نظرم ارتباط برقرار کردن در تدریس خیلی مهم است. حال چه راهنمایی چه دبیرستان چه دانشگاه باید نسل به نسل این ارتباطات در آموزش بهتر شود. من خودم حالا نگویم برای کوچکترم ولی خوب احساس شرمندگی دارم که بزرگترها این آموزشها و ارتباطات را برقرار کردند آیا می‌توانم اینکار را برای کوچکترها نکنم؟
○ و آخرین پیام و صحبت و سفارش

● قدر مدرسه خود را بدانید. قبلاً هم گفتم قاعده سمپاد این است، هرکاری را بخواهی انجام دهی یا در آن کار بهترینی یا بهترینش دوست دوست. دیگر اینکه خیلی خوش نگذرد! من در دبیرستان علامه حلی تهران معدل بیست هم داشتم و شاید فکر می‌کردم خبری هم هست ولی اینها ربطی به آدم بودن ندارد! هر چه تلاش کنی باز هم کم است.

از تو متشکرم و ما بلم بدانی همیشه باعث افتخار فارغ التحصیلان سمپاد بودی. بی ادعا و بدون مدال به بالاترین موفقیتها رسیدی. راهی که همه بچه‌ها می‌توانند بروند همانطور که گفتی راههای موفقیت بسیار است!



رسانه‌ها و استعدادهای درخشان

مهاجرت نخبگان تأثیرات، علل و راهکارها*

مقدمه

بلاشک نیروی انسانی نخبه از عمده عوامل مهم رشد و توسعه هر کشوری می‌باشد بطوریکه با قاطعیت می‌توان گفت این عامل در صدر سایر عوامل قرار گرفته و کشورهایی به رشد و توسعه واقعی دست یافته‌اند که در کنار منابع خدادادی، دانش، فن و تکنولوژی اولاً از نیروی انسانی با دانش بالا برخوردار بوده و در ثانی از این نیروی نخبه به نحو مطلوب استفاده بعمل آورده‌اند. مسئله تأثیر مستقیم نیروی انسانی نخبه بر توسعه کشورها سالهاست مورد توجه جدی قرار گرفته و به موازات آن حساسیت کشورها بر مهاجرت این قشر فزونی یافته است.

هر چند که این مسئله از سالها قبل تقریباً در اکثر کشورها وجود داشته و هم اکنون نیز در حال وقوع می‌باشد و مسئله جذب شدن استعدادهای درخشان و چهره‌های شاخص علم و فن کشورمان در سایر کشورها موضوع جدیدی نمی‌باشد ولیکن جلوه امروزی آن بی تردید پررنگ‌تر گشته و از طرفی با توجه به نیاز مبرم کشور در وضعیت کنونی به نیروی متخصص توجه

* دکتر علی غفوری، دکتر حمید اکبری، طب و تزکیه، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۷۸

جدی‌تر به این موضوع اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

متأسفانه آمار و ارقام دقیقی از میزان مهاجرت افراد تحصیل‌کرده ایرانی به سایر کشورها در دست نمی‌باشد. براساس اطلاعات منتشره از صندوق بین‌المللی پول، از کشورهای هندوستان، چین و ایران به ترتیب ۲۳۸، ۱۶۵، ۱۰۵ هزار نفر با تحصیلات عالی به کشور آمریکا مهاجرت کرده‌اند. تعداد ذکر شده در مورد مهاجران ایرانی، جدا از ۳۰۰ هزار مهاجر با تحصیلات ابتدایی و ۴۱ هزار مهاجر با تحصیلات متوسطه است که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. نتایج این مطالعه که در مورد ۶۱ کشور در حال توسعه صورت گرفته است نشان می‌دهد که بیشترین نرخ مهاجرت مربوط به افراد دارای تحصیلات عالی بوده است. اهمیت موضوع مهاجرت نخبگان از کشورمان به سایر کشورها را می‌توان از نکات زیر دریافت:

۱- براساس اعلام اداره کل امور دانش‌آموختگان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در طی ۶ ماه اول سال ۱۳۷۸ تعداد ۱۶۶۴ نفر از افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های علوم پزشکی در کشور جهت اخذ مدارک خود، ترجمه و تسجیل آنها به منظور خروج از کشور اقدام نموده‌اند. حدود ۳۴٪ این افراد را پزشکان عمومی، ۹ درصد را پزشکان متخصص، ۱/۱ درصد را پزشکان دارای فوق تخصص، ۸/۷ درصد را دندانپزشکان و ۷/۳ درصد را داروسازان تشکیل می‌دهند.

براساس همین گزارش تعداد افراد دارای مدارک دانشگاهی در رشته‌های علوم پزشکی از دانشگاه‌های خارج از کشور که طی ۶ ماه اول سال ۱۳۷۸ جهت ارزشیابی مدارک خود مراجعه نموده‌اند (به کشور بازگشته‌اند) ۲۶۹ نفر بوده است. به عبارت دیگر در مقابل هر ۷ نفر که متقاضی خروج از کشور بوده تنها یک نفر به کشور بازگشته است.

۲- بنابر اعلام وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، حدود ۱۰٪ از کل دانشجویان بورسیه‌ای که جهت ادامه تحصیل در مقاطع تخصصی به خارج از کشور اعزام می‌شوند پس از پایان تحصیلات خود به کشور باز نمی‌گردند.

۳- از ۱۳۵ نفر* دانش‌آموزانی که در سه سال گذشته در المپیادهای مختلف علمی، صاحب

* هر سال حداکثر ۱۹ نفر جزء تیمهای المپیادها قرار می‌گیرند که از سال ۱۳۷۸ با اضافه شدن المپیاد زیست‌شناسی اعضای تیمها به ۲۳ نفر رسیده است که جمع سه سال ۵۷ نفر می‌شود. حتی اگر برندگان طلای کشوری را هم حساب کنیم این رقم در هر سال ۲۷ نفر و جمعاً ۸۱ نفر می‌شود. (م. ا. د.)

مقام شده‌اند، ۸۶ نفر آنها در یکی از بهترین دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند که امید بازگشت آنها به کشور حداکثر حدود ۳٪ می‌باشد.

۴- براساس اعلام سفارت کانادا در ایران حدود ۱۸۰/۰۰۰ پرونده از متقاضیان مهاجرت به کانادا در آن سفارت تشکیل شده است.

۵- بر اساس اعلام وزارت فرهنگ و آموزش عالی کلیه دانشجویانی که رتبه کنکور آنها دو رقمی بوده است (۱ تا ۹۹) تا سال دوم تحصیل خود در دانشگاه‌های کشور از یکی از دانشگاه‌های معتبر دنیا نامه‌ای مبنی بر امکان ادامه تحصیل در آن دانشگاه با ارائه امکانات مناسب پس از دوره لیسانس را دریافت داشته‌اند.

موارد فوق تنها گوشه‌ای از واقعیات موجود در این خصوص می‌باشد. و بایستی اذعان نمود که فرار مغزها یک پدیده اجتماعی نیست که در چند سال اخیر اتفاق افتاده باشد، بلکه مسئله‌ای است که دنیا و خصوصاً جهان سوم از حدود ۴۰ سال قبل با آن روبروست و لیکن در این میان کشورهای در حال توسعه (جهان سومی) بیشترین ضرر را متحمل می‌شوند چرا که اولاً حاصل سرمایه‌گذاری چندین ساله خود را که تقریباً غیر قابل جبران هم می‌باشد از دست می‌دهند و دوم بواسطه اینکه از حیث نیروی انسانی بشدت از کمبود متخصص رنج می‌برند بالاچار بایستی برای پیشبرد برنامه‌های خویش از متخصصان خارجی استفاده نمایند و در عین حال با گسترش آموزش و اعزام دانشجو به خارج از کشور متحمل هزینه بسیار بالایی می‌شوند.

در اینجا ضمن نگاهی اجمالی به ارتباط نیروی انسانی نخبه با توسعه و رشد کشورها، به بررسی آمار و ارقام مهاجرت نخبگان در دنیا پرداخته و با بیان دلایل عمده مهاجرت این افراد سعی می‌شود راهکارهایی که منجر به کاهش خسارات ناشی از این مسئله می‌شود را طرح نماید.

نیروی انسانی نخبه و توسعه کشورها

«ادوارد دانشن» یکی از کارشناسان اقتصادی آمریکا در تحقیقی که درباره عوامل مؤثر در پیشرفت صنعتی کشورها نموده است اعلام کرده از میان ۳۱ عامل مؤثر در این امر، مهمترین

عامل، پرورش نیروی انسانی متخصص می‌باشد. وی نظریه‌ای در باره توسعه اقتصادی ارائه داده است که مطابق آن پیشرفت آموزش نیروی انسانی مهمترین عامل رشد اقتصادی و پیشرفت تحقیقات و علوم عامل دوم در رشد اقتصادی می‌باشد.

نگاهی گذرا به پرورش نیروی انسانی در طی چهار دهه گذشته در کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که در سال ۱۹۶۶ در آمریکا در حدود ۵/۵۲۶/۰۰۰ نفر دانشجو در دانشگاه‌های آن کشور به تحصیل اشتغال داشته‌اند که این تعداد حدود ۴۳٪ از کل جوانان آمریکایی در فاصله سنی ۲۰ تا ۲۴ سال را در بر می‌گرفته است در همین سال پس از آمریکا شوروی با چهار میلیون دانشجو (۲۴٪ از کل جوانان ۲۰ تا ۲۴ ساله)، فرانسه با پانصد هزار دانشجو (۱۶ درصد)، ژاپن و ۱/۳۷۰/۰۰۰ دانشجو (۱۳/۵ درصد)، آلمان غربی با ۲۸۰/۰۰۰ دانشجو (۷/۴ درصد) و انگلستان با ۱۶۵/۰۰۰ دانشجو (۱۴/۸ درصد) در رده‌های بعدی قرار داشتند.

یک رقم دیگر این اختلاف در تربیت نیروی انسانی در آمریکا و سایر کشورها را در سال ۱۹۶۶ که در واقع زمینه ساز پیشرفت سریع این کشور بوده است نشان می‌دهد. در این سال کشورهای بازار مشترک اروپا که حدود ۱۸۰ میلیون نفر جمعیت داشته‌اند دارای حدود یکصد هزار فارغ‌التحصیل دانشگاهی بوده در حالیکه آمریکا در همین سال با جمعیت تقریباً نزدیک به ۱۹۰ میلیون نفر ۴۵۰/۰۰۰ نفر فارغ‌التحصیل دانشگاهی داشته است و بهمین دلیل «هارولد ویلسون» نخست‌وزیر وقت انگلستان اعلام می‌کند: «بردگی صنعتی جدیدی ما اروپائیان را تهدید می‌کند. در آینده ما روز به روز وابستگی بیشتری به صنعت آمریکایی پیدا خواهیم کرد».

«مک نامارا» در آن زمان در مورد فاصله‌ای که از لحاظ فنی و صنعتی میان آمریکا و اروپا وجود دارد و هم‌چنین در مورد مهاجرت متخصصان از اروپا به آمریکا اعلام می‌کند: «فاصله‌ای که بین اروپا و آمریکا وجود آمده در اثر عقب‌ماندگی علمی و فنی اروپا نمی‌باشد، بلکه نتیجه اختلافی است که در مدیریت و نوع تشکیلات وجود دارد. اگر تعداد زیادی از دانشجویان اروپایی به آمریکا مهاجرت می‌کنند علت آن پیشرفت تکنولوژی آمریکا نمی‌باشد، بلکه روش‌های جدیدی است که آمریکا در کار دسته‌جمعی و شیوه مدیریت خود در پرورش و استفاده صحیح از نیروی انسانی متخصص بکار می‌رود.» موارد فوق بدین لحاظ ذکر گردید که بیانگر علت پیشرفت سریعتر آمریکا در علم و تکنولوژی نسبت به کشورهای اروپایی بوده و نشانگر این مسئله است که اگر هم اکنون آمریکا

وضعیت بهتری از لحاظ علوم و تکنولوژی نسبت به سایر کشورها دارد، ریشه اصلی آن در توجه جدی آمریکا به نیروی انسانی و مدیریت صحیح در کاربرد نیروی انسانی و انجام سرمایه‌گذاری لازم در چندین دهه گذشته بوده است بلاشک تناسب پیشرفت کشورها متناسب با توجه آنان به موضوع نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری لازم در این خصوص می‌باشد.

بنابر این توسعه و رشد کشورها در ابعاد کیفی آن مستلزم توجه جدی به سرمایه‌های فکری داخلی و تبدیل آنها به جریان‌ات انباشت سرمایه مولد می‌باشد و در بین عوامل مختلف رشد و توسعه، مدیریت بهره‌گیری از مهارت و تخصص انسانی محور اصلی و تعیین‌کننده و منبع نهایی توسعه فن آوری می‌باشد. کارآمدی نظام اقتصادی، اجتماعی و هدایت صحیح سرمایه‌ها منوط به واگذاری نقش‌های مناسب به نیروهای متخصص و ماهر است. از این رو متخصصین هر کشور اهمیت و ارزشی برتر در کنار سایر منابع ثروت می‌یابند و بدون توجه به این مهم روند رشد و توسعه کشورها متوقف و یا با مشکل مواجه خواهد شد.

مفاهیم مرتبط با فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان:

از آنجائیکه مسئله از دست رفتن سرمایه انسانی در کشورهای تربیت‌کننده این نیروها با مفاهیم مختلفی بیان می‌شود. لازم می‌داند با مفاهیم مطرح در این خصوص آشنائی لازم صورت پذیرد.

«مهاجرت» (Immigration) عمدتاً در چارچوب جمعیت‌شناسی و گاه جامعه‌شناسی و اقتصاد قرار گرفته و بطور عام معادل از دست دادن نیروی انسانی کارآمد و متخصص قلمداد نمی‌گردد. چرا که بسیاری از مهاجرین به سایر کشورها دارای تحصیلات دانشگاهی نبوده‌اند و اصولاً در رده نیروهای متخصص و ماهر کشور مبدأ قرار نداشته‌اند. مهاجرت این نوع افراد چندان از لحاظ علمی، تحقیقاتی و سیاسی با اهمیت تلقی نشده و بطور طبیعی در کشورها اتفاق می‌افتد و کشور مبدأ را دچار خسارات قابل توجهی نمی‌نماید.

«فرار مغزها» (Brain Drain) که عمدتاً دربرگیرنده خروج نیروهای متخصص و نخبه یک کشور می‌باشد، خسارات جبران‌ناپذیری را به کشور مبدأ وارد نموده و معمولاً موجب محروم ساختن کشور مبدأ از پیشرفت و دستیابی به علم و تکنولوژی می‌گردد. بطور کلی فرار مغزها زمانی

اطلاق می‌شود که ارتباط فرد با کشور خود بطور کامل قطع شود و کشور مبدأ به هیچ عنوان نتواند از دانش و علم فرد استفاده نماید.

Brain Circulation زمانی این مفهوم کار برد پیدا می‌کند که نیروهای نخبه یک کشور که به کشور دیگری عزیمت نموده و در آن کشور رحل اقامت افکنده‌اند، با ایجاد ارتباط علمی منظم و مستمر با کشور خود و هم چنین تشکیل سازمانهایی با شبکه منسجم علمی در حد امکان به پیشرفت علمی کشور خود در زمینه‌های مختلف از طریق انتقال علوم و فنون کمک می‌نمایند. به عبارت دیگر همیشه فرار مغزها به منزله خروج فرد صاحب‌نظر و صاحب فکر به خارج از کشور نمی‌باشد.

بعضی از مواقع نیروی متخصصی که در خارج از کشور است با ایجاد ارتباط علمی با کشور خود مایه پیشرفت کشور شده و بالعکس نیروی متخصصی که در داخل کشور است پیش از آنکه به حال کشورش مفید باشد در جهت خدمت به غرب چه از طریق انتقال تکنولوژی و چه از طریق انجام تحقیقات و پژوهشهایی که هیچ فایده‌ای برای کشور نداشته و نتیجه‌اش عاید کشورهای پیشرفته شده و فقط و فقط باعث هدر رفتن مواد و امکانات کشور خویش شده است. این هم نوعی هدر رفتن مغزها و سرمایه‌هاست. زمانی که در سالها قبل موضوع فرار مغزها مطرح شد و در سراسر جهان سر و صدای زیادی در این خصوص به راه افتاد کشورهای پیشرفته برای حفظ ظاهر سعی کردند تا دانشمندان کشورهای در حال توسعه در کشورهای خود باقی بمانند ولیکن در عوض برنامه ریزی جهت استفاده از نیروهای متخصص و امکانات علمی و تحقیقاتی کشورهای در حال توسعه را در دستور کار خود قرار دادند. بطوریکه برای نمونه دانشجویان فیزیک دانشگاه «آسترال» در آرژانتین با «ناسا» (مرکز پژوهشهای فضائی آمریکا) جهت انجام پژوهش قرار داد منعقد کردند ولیکن اینگونه مطالعات فیزیکی - هیچ رابطه‌ای با کشور آرژانتین نداشت و متضمن هیچ گونه فایده‌ای علمی برای آن کشور نبوده و در واقع نه تنها مشکلی از مشکلات آن کشور را حل نمی‌کرد بلکه وابستگی کشورهای از این نوع را شدیدتر می‌نمود و از لحاظ مالی نیز زیان‌های فراوانی از قبیل خرید تجهیزات تحقیقاتی، پرداخت حق پژوهش، بکار گرفته شدن نیروی متخصص... بر این کشورها تحمیل می‌گردید. در این رهگذر بایستی به پدیده انتقال تکنولوژی که معمولاً از کشورهای پیشرفته به

کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد نیز با دقت نظر بیشتری نگریست و بر دانشمندان است تا تلاش نمایند به جای اینکه جهان سوم در خدمت علم و صنعت کشورهای پیشرفته باشد، علم و صنعت کشورهای پیشرفته در خدمت کشورهای در حال توسعه باشد.

سؤال این است که آیا هر آنچه طی ۱۵۰ سال اخیر در معرفت زمین اتفاق افتاده تکرارش برای کشورهای در حال توسعه لازم است و آیا کشورهای جهان سوم بایستی در زمینه علوم و تکنولوژی به همان گونه عمل نمایند که کشورهای پیشرفته در حال انجام آن بوده و آیا اصولاً هر علم و تکنیکی بی چون و چرا برای کشورهای در حال توسعه مفید است؟

به نظر می‌رسد تفکر عمیق و عالمانه دانشمندان کشورهای در حال توسعه در این موضوع موجب کاهش شیفتگی بسیاری از دانشمندانی که بواسطه بهت زدگی در مقابل پیشرفتهای علمی کشورهای توسعه یافته حاصل شده، خواهد شد و عشق و علاقه آنان بر ماندن در کشور خویش و تلاش در جهت رفع مشکلات با استفاده از تخصص خود را چند برابر خواهد نمود.

مهاجرت نخبگان در آینه آمار و ارقام

مسئله مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها منحصر به کشور خاص و یا زمان خاصی نبوده و پدیده جدیدی نیز محسوب نمی‌گردد. چرا که از چندین دهه قبل این بحث مطرح بوده و کشورهای مختلف آنرا مد نظر قرار داده‌اند. ولیکن برآیند مهاجرت نخبگان ورود خسارت عدیده و جبران‌ناپذیر به کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

علیرغم اینکه کشورهایی از قبیل کانادا، آلمان، انگلستان و سوئیس از کشورهای پیشرفته دنیا محسوب می‌شوند ولیکن در سال ۱۹۶۶ در صدر کشورهایی قرار داشتند که نیروی متخصص از آنها خارج و به آمریکا مهاجرت نموده است.

در سال ۱۹۶۵ از ۲۳ هزار پزشک خارجی شاغل در آمریکا ۵۸۵۸ نفر از کشور کانادا (۲۵ درصد) و ۴۲۶۳ نفر از آلمان (۱۸ درصد) بوده که در رده‌های اول و دوم قرار می‌گیرند و از ایران ۹۰۴ نفر پزشک (۳/۹ درصد) در کشور آمریکا شاغل بوده‌اند که در رده نهم قرار می‌گیرد. آمار نشان می‌دهد که بیش از ۱۰ درصد از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های اروپا به آمریکا مهاجرت نموده‌اند. در سال ۱۹۹۶ تنها ۵۱۳ نفر از پزشکان کانادایی (که چیزی در حدود

فارغ‌التحصیلان ۵ دانشکده پزشکی کانادا می‌باشد) کانادا را ترک کرده‌اند. طی سالهای ۱۹۹۱ الی ۱۹۹۶ میزان مهاجرت پزشکان از کانادا ۱۳٪ افزایش یافته و اغلب این افراد به منظور پیدا نمودن شغل مناسب به آمریکا عزیمت نموده‌اند.

در سال ۱۹۹۵ حدود ۴۵۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کانادا به آمریکا مهاجرت نموده‌اند که این افراد در مقاطع دکترای حرفه‌ای، دکترای تخصصی (Ph. D)، کارشناسی ارشد و کارشناسی بوده و اغلب جزو نفرات اول کلاس خود در دوران تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. عدم وجود امکانات کافی خصوصاً کمبود بیمارستان، تخت‌های بیمارستانی، امکانات تشخیصی و درمانی در کانادا موجب تمایل پزشکان کانادایی به ترک این کشور گردیده‌است و از این رهگذر کشور کانادا نه تنها بهترین و با استعدادترین نیروهای خود بلکه متعهدترین پزشکان را از دست می‌دهد. بطوریکه یکی از پزشکان مهاجر کانادایی در آمریکا می‌گوید: «من در کشورم بودم مسئولین مرا بعنوان یک مشکل به حساب می‌آوردند در حالیکه در آمریکا بعنوان یک حلال مشکلات به حساب می‌آیم». البته با اندکی دقت در سرمایه‌گذاری آمریکا در بخش تحقیق و توسعه در کل کشور و خصوصاً در بخش بهداشت، جذب سریع نخبگان به این کشور امری کاملاً قابل پیش‌بینی می‌نماید چرا که بطور مثال بودجه تخصیص یافته برای تحقیقات بهداشت در مجتمع پزشکی «هوستون» آمریکا در سال ۱۹۹۸ به تنهایی بیشتر از کل بودجه شورای تحقیقات پزشکی کشور کانادا می‌باشد.

در سال ۱۹۹۳ حدود ۱۳ هزار نفر از افراد دارای تحصیلات عالی از «روسیه» به کشورهای اروپایی و آمریکایی مهاجرت نموده‌اند.

تا سال ۱۹۹۰ حدود ۴۱۰ هزار نفر از متخصصان کشور هندوستان در خارج از این کشور اقامت داشته‌اند و میزان مهاجرت نخبگان از این کشور در سال حدود ۵۵۰۰ الی ۶۵۰۰ نفر بر آورده شده است. در سال ۱۹۹۵ از مجموع ۷۶۱ هزار نفر تحصیلکرده مصری حدود ۴۵۰ هزار نفر در آمریکا، ۱۵۵ هزار نفر در اروپا، ۱۵۰ هزار نفر در استرالیا و ۶ هزار نفر در کانادا بسر می‌برده‌اند.

آمارهای موجود نشان می‌دهد طی سالهای ۱۹۵۰ الی ۱۹۷۰ در بین مهاجرین کشورهای خاورمیانه به آمریکا، ایران جزو کشورهای رده اول می‌باشد ولیکن در حال حاضر هیچگونه آمار دقیقی از میزان مهاجرت نخبگان کشورمان به سایر کشورها در دست نمی‌باشد: بهرحال

همانگونه که هر کشوری برای رشد و توسعه در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص سرمایه گذاری می‌نماید، بسیاری از کشورها هم برای بدست آوردن نیروهای متخصص و تربیت یافته در سایر کشورها برنامه ریزی و به نوعی سرمایه گذاری می‌نمایند. بطور مثال آمریکا با فراهم آوردن زمینه لازم جهت جذب نخبگان رتبه اول را در این زمینه دارد. بطوریکه بیش از ۳۰٪ نیروهای درگیر امر توسعه و تحقیق در آمریکا را افراد مهاجر از سایر کشورها تشکیل می‌دهد. و بطور کلی می‌توان گفت حیات توسعه و تحقیق در آمریکا بستگی به قدرت جذب، حمایت و نگهداری سیستم آموزش عالی این کشور از دانشجویان و دانش آموختگان سایر کشورها دارد. در سال ۱۹۹۵ از ۴۲۰ هزار نفری که در تحقیقات علوم و مهندسی در آمریکا فعالیت داشته‌اند تقریباً یکصد هزار نفر آنها خارجی و عمدتاً از ۱۲ کشور دنیا بوده‌اند. علت اصلی علاقه دانشجویان مقطع دکتری به تحصیل در آمریکا حمایت‌های مالی این کشور از انجام تحقیقات آکادمیک می‌باشد. منبع اصلی درآمد ۷۵٪ از ده هزار دانشجوی دکتری خارجی شاغل به تحصیل در آمریکا، دانشگاه محل تحصیلاتشان بوده‌است، این در آمد از طریق همکاری آنها در انجام طرح‌های تحقیقاتی بوده و منبع تأمین هزینه طرح‌های تحقیقاتی دانشگاهها هم دولت صنایع و سایر منابع غیر دولتی می‌باشند.

از طرف دیگر هزینه تحقیقاتی دانشگاه‌های آمریکا طی سالهای ۱۹۸۵ لغایت ۱۹۹۶ از ۱۳ میلیون دلار به ۲۱ میلیون دلار* افزایش پیدا کرده است. در همین دوران تعداد دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در دوره دکتری که بعنوان محقق از حمایت‌های دانشگاه‌های آمریکا بهره‌مند بوده‌اند از ۲۰۰۰ نفر به ۷۶۰۰ نفر (نزدیک به ۴ برابر) رسیده است.

از ۵۵ هزار دانشجوی خارجی که طی سالهای ۱۹۸۵ لغایت ۱۹۹۶ از آمریکا مدرک دکتری خود را اخذ نموده‌اند حدود ۲۲٪ از آنها بخاطر ادامه تحصیل در مقطع بالاتر و ۱۷٪ از آنها بخاطر اشتغال و شرایط استخدامی در آمریکا مانده‌اند.

آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۵ حدود ۷۹٪ از دانشجویان هندی، ۸۸٪ از دانشجویان چینی و تنها ۱۱٪ از دانشجویان کره جنوبی که در طی سالهای ۹۰ و ۹۱ مدرک دکتری خود را از دانشگاه‌های آمریکا اخذ نمودند در این کشور مانده و بکار اشتغال داشته‌اند.

* یک اشکالی در مبلغ دیده می‌شود!! به نظر می‌آید بیلون صحیح باشد. (م. ا. د.)

در سال ۱۹۹۵ حدود ۴۷٪ از دانشجویان خارجی که در سالهای ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۲ مدرک خود را از دانشگاه‌های آمریکا اخذ نموده‌اند. در این کشور اقامت داشته و ضریب اقامت دانشجویان خارجی در آمریکا طی ۲۵ سال گذشته حدود ۵۰٪ بوده است. در سال ۱۹۹۳ بیش از ۳۷٪ از اساتید مهندسی و بیش از ۲۵٪ از اساتید ریاضی و علوم کامپیوتر در آمریکا خارجی بوده‌اند:

بهر حال این مطالب نشانگر توجه و برنامه ریزی کشورهای پیشرفته در امر پرورش و جذب نیروی انسانی می‌باشد و همانگونه که از آمار و ارقام پیداست سرمایه‌گذاری بسیار پر سود و منفعت نیز می‌باشد هر چند که کشورهای پرورش دهنده و صاحب اصلی نیروی انسانی متحمل خسارات زیادی می‌شوند.

عوامل مؤثر در مهاجرت نخبگان

مسئله مهاجرت نخبگان مسئله‌ای چند بعدی بوده و بایستی از زوایای مختلف و ابعاد گوناگون علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و... مورد بررسی قرار گیرد. در این بخش سعی می‌شود تا حد امکان علل و عوامل مؤثر در وقوع این پدیده نامیمون مطرح و مورد بررسی قرار گیرد:

۱- عوامل علمی - تخصصی

تحقیقات نشان می‌دهد در بین عوامل متعدد مؤثر در از دست رفتن و یا حفظ نخبگان یک کشور عامل فراهم بودن زمینه و امکانات علمی و تحقیقاتی نقش و اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل دارد. چرا که فرد متخصص و محقق تشنه ارائه تخصص خود می‌باشد و در جستجوی زمینه بروز آنچه که در توان وارد می‌باشد. در این بین چنانچه کشور مبدأ پرورش دهنده این نیروها نتواند زمینه لازم را برای این افراد فراهم آورد مسلماً به نحوی زمینه خروج آنها را هر چند ناخواسته فراهم آورده و بالعکس کشوری که امکانات و شرایط مناسب برای استفاده از تخصص این افراد را دارا باشد به راحتی باعث جذب متخصصان و نخبگان می‌شود. بنابراین توجه این نکته حائز اهمیت است که سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات و فراهم آوردن بستر لازم جهت استفاده هر چه بیشتر از نیروهای علمی و متخصص نه تنها باعث حفظ نیروی انسانی هر کشور و رشد علمی اقتصادی آن می‌شود بلکه باعث افزایش تمایل متخصصان و نخبگان سایر کشورها به

مهاجرت به آن کشور نیز می‌شود که این امر موجب افزایش نیروی انسانی متخصص آن کشور شده و با توجه به آنچه در بخش‌های پیشین گفته شد حضور نیروی متخصص رشد و توسعه فرآینده کشور را در پی خواهد داشت.

حال بایستی دید علت یا علل عدم استفاده کشوری از نخبگان خود چه می‌باشد و چه دلایلی باعث می‌شود تا کشوری نتواند از این نیرو و سرمایه مهم خود به نحو مطلوب استفاده کنند آنچه که در وهله اول به ذهن هر فردی در مقابل این سؤال خطور می‌نماید عدم سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش و تحقیقات آن کشور است. هر چند که این نکته‌ای صحیح و شاید عاملی بسیار مهم باشد اما مسلماً همه موضوع نمی‌باشد. چه بسا کشورهایی که جهت امر آموزش و تحقیقات خود سرمایه‌گذاری زیادی هم نموده باشند ولیکن باز هم با مشکل از دست دادن نخبگان و تحصیل‌کردگان خود مواجه‌اند. سایر عواملی که در این امر دخیلند عبارتند از:

الف) عدم تعادل و تناسب در تربیت نیروی متخصص و محقق مورد نیاز کشور، که این امر نه تنها سبب هدر رفتن سرمایه صرف شده جهت تربیت نیروهای تحصیل کرده می‌شود بلکه تربیت نیروی انسانی به میزان بیش از مورد نیاز کشور موجب کاهش فرصت‌های شغلی، کاهش درآمد و رضایت شغلی، تحقیر نخبگان و در نتیجه نارضایتی و تمایل به خروج از کشور را در این قشر بوجود می‌آورد. از طرفی فراوانی تعداد دانشجوی و نیز طرز پرورش آنان محیطی را بوجود می‌آورد که موجب افت روحیه آموزشی و تحقیقاتی در سیستم می‌شود.

ب) فراهم نبودن امکانات علمی و تحقیقاتی جهت اساتید و محققان دانشگاه‌ها و مراکز علمی، دسترسی مشکل به امکانات وسایل آزمایشگاه، مواد، منابع، کتاب، ژورنال و... موجب کندی روند آموزشی و تحقیقاتی شده و به طبع موجب احساس بطالت و یا عدم استفاده کامل از توان موجود در محقق می‌شود که این امر خود فراهم آورنده زمینه خروج نیروی انسانی از کشور خواهد بود.

از سوی دیگر عدم استقلال و آزادی عمل محقق که شرط لازم حیات علمی است موجب کندی روند تحقیقات و نارضایتی این قشر می‌شود. زیرا اغلب حکومت‌های کشورهای در حال توسعه هنوز نتوانسته‌اند الگوی مناسبی برای رفتار با محققان پیدا کنند. محققان یا کاملاً زیر سلطه روح اداری قرار دارند، و این در مواردی که حکومت نخواهد از تحقیقات استفاده کند به ثمر بخشی و باروری تحقیق زیان می‌رساند، یا آنکه مورد بی‌اعتنایی هستند، یعنی اگر هم کاملاً

فراموش نشوند در محیط در بسته به حال خود رها می‌شوند.

ج) عدم توان به اجرا در آوردن یا علمی کردن کشفیات و تجارب آزمایشگاهی توسط محققین کشورهای در حال توسعه که عمدتاً یا بواسطه عدم وجود ارتباط مؤثر بین مراکز تحقیقاتی علمی با مراکز صنعتی بوده و یا بواسطه عدم توان محققین و مدیران در سازماندهی تحقیقات و فعالیتهای علمی کشور می‌باشد.

د) عدم رعایت شأن علم و عالمان عامل دیگری که زمینه ساز خروج نیروهای تحصیلکرده از یک کشور می‌باشد عدم برخورد مناسب و متناسب با جایگاه متخصصین، دانشمندان و دانشگاهیان است. هر مسئله‌ای که موجب شود محققین و پژوهشگران شاغل در محیطهای علمی احساس کنند مورد بی توجهی و کم لطفی مسئولان می‌باشند، خواه مادی و خواه معنوی، موجب افزایش خطر از دست رفتن نیروی انسانی مفید کشور می‌شود. معمولاً متخصصان تمایل دارند بطور تمام وقت و فارغ البال از سایر مسائل به امر پژوهش و تحقیق بپردازند در حالیکه غالباً در کشورهای در حال توسعه مشکلات مادی و اجتماعی مانعی در این راه می‌باشد. معمولاً در کشورهای در حال توسعه ارزش اجتماعی مشاغل دانشگاهی و کارهای تحقیقاتی از لحاظ مادی و معنوی پائین تر از سایر حرفه‌ها و مشاغل قرار گرفته و در چنین شرایطی افرادی که ذوق و شوق کار علمی دارند خود را در زوایای آزمایشگاهها و مراکز تحقیقاتی افرادی فراموش شده می‌بینند و از آنجا که اعتقاد به کار علمی کم است قدر و منزلت آنها شناخته نمی‌شود و آنان ناچار به کارهای جنبی جهت کسب درآمد لازم جهت زندگی بهتر یا پرداختن به امور سیاسی و مشاغل اداری جهت کسب اعتبار اجتماعی بیشتر در جامعه می‌شوند و یا اینکه راه خارج را در پیش می‌گیرند.

ه) عدم توجه به سطح علمی دانشگاهها و عدم توازن در رشد کمی و رشد کیفی دانشگاهها: عدم توجه به کیفیت مسائل آموزشی و پژوهشی در دانشگاه بواسطه پرداختن به کمیت موجبات نارضایتی اساتید و دانشجویان را فراهم آورده و تداوم آن موجب تیره شدن چشم انداز آینده کشورهای در حال توسعه برای بسیاری از نخبگان شده و در نتیجه تمایل آنان را برای خروج از کشور افزایش می‌دهد.

۲- عوامل فرهنگی - اجتماعی

برخلاف عامل علمی - تخصصی که بیشترین اهمیت را در فرار نخبگان دارد عامل

«فرهنگی - اجتماعی» بیشترین نقش را در مهاجرت افراد عهده‌دار می‌باشد، به عبارت دیگر عامه مردم بواسطه مسائل فرهنگی - اجتماعی اقتصادی تمایل به مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر دارند ولیکن این عامل خواه نا خواه بر فرار مغزها نیز اثر مستقیم خواهد داشت. این عامل از دو بعد قابل توجه و تعیین کننده می‌باشد: بعد اول از لحاظ مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور مبدأ و دوم از بعد کشور مقصد.

شرایط فرهنگی اجتماعی کشور مبدأ از حیث وجود امنیت اجتماعی، محفوظ بودن جایگاه دانشمندان و عالمان، عدم وجود برخوردهای اجتماعی ناپه‌نجان، عدم وجود فساد، تبعیض، تمایزات قومی و نژادی، پذیرش اجتماعی نظرات و دیدگاهها، احترام به باورها و اعتقادات، خدمات اجتماعی، وجود امکانات آموزش برای فرزندان و تأمین بودن آتیه فرزندان... از جمله عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری افراد به ماندن در یک کشور و یا ترک آن کشور می‌باشد. از طرف دیگر وجود جاذبه‌های متعدد در سایر کشورها، تأمین اجتماعی، پیشرفت شغلی، استقلال در کار، تطابق فرهنگی و... از جمله عوامل جذب افراد به سایر کشورها می‌باشد. عوامل عاطفی، وابستگی‌های اجتماعی و خانوادگی و پیوندهای دوستی، احساسات میهن پرستی و کشور دوستی، نگرشهای فرهنگی، دیدگاههای مذهبی، نیز از عوامل مؤثر در مهاجرت و فرار مغزها می‌باشند.

۳- عوامل اقتصادی

مسائل اقتصادی از چندین طریق موضوع فرار مغزها را تحت تأثیر قرار می‌دهد: الف) نقش اقتصاد در تحقیقات: همانگونه که در قسمتهای قبلی ذکر گردید کشورهایی که از توان اقتصادی بالاتری برخوردارند اعتبارات بالاتری را نیز به تحقیقات اختصاص می‌دهند و همین امر موجب رونق گرفتن پیشرفت علوم گردیده و نتیجتاً محققین و دانشمندان که شیفته علم و تحقیق می‌باشند به سکونت در چنین کشوری تمایل بیشتری نشان خواهند داد. ب) نقش اقتصاد در سلامت جامعه و بهبود شرایط زندگی: مسلماً کشورهایی که از وضعیت کلان اقتصادی بهتری برخوردارند از لحاظ شرایط زندگی، وضعیت بهتری را دارا بوده و بنابراین از جاذبه بالاتری نیز برای زندگی برخوردار می‌باشند. به عبارت دیگر ارتباط خیره کننده‌ای بین کامیابی اقتصادی کشورها و برخورداری از بهداشت مناسب وجود دارد، بدین صورت که میزان ابتلای مردم کشورهای مرفه‌تر به بیماریهای گوناگون بطور بارزی کمتر و طول عمر آنها بیشتر

از دیگران می‌باشد و بطور کلی رفاه اقتصادی باعث بالارفتن کیفیت زندگی به مدت طولانی‌تری می‌گردد. در تحلیل آماری مهمی که توسط «سودیر آناند» (Sudhir Anand) و «مارتین راولیون» (Martin Ravallion) پیرامون یک مقایسه بین کشوری میان کشورهای کم توسعه یافته به عمل آمده مشخص گردیده است که امید به زندگی با تولید سرانه ناخالص ملی ارتباط مستقیم دارد، هر چند که نحوه مصرف و بکارگیری این درآمد در سطح بهداشت جامعه نیز جای بحث دارد، چرا که بعضی از تحقیقات اخیر نشان می‌دهد بالاترین امید به زندگی در کشورهای وجود دارد که الزاماً ثروتمندترین کشورها نمی‌باشد، اما اینها کشورهایی هستند که کمترین میزان نابرابری را در درآمدها دارند. به عبارت دیگر عدالت اجتماعی عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در سلامت و بهداشت جامعه می‌باشد.*

د)** نقش اقتصاد در زندگی فردی: هر چند که انسانها غالباً در تلاش جهت بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خویش می‌باشند اما تحقیقات نشان می‌دهد سطح درآمد فرد علت تعیین‌کننده و نهائی در تصمیم‌گیری جهت مهاجرت نمی‌باشد، ولیکن بهر حال از عواملی است که در این امر نقش بازی می‌کند. میزان درآمد، فواصل درآمدی، هزینه‌های زندگی، مالیاتها، سوبسیدها و... مسائلی است که به سطح زندگی افراد تأثیر گذاشته و بر تصمیم آنان به ماندن در یک کشور و یا ترک آن کشور مؤثر می‌باشد.

۴- عوامل سیاسی

عوامل سیاسی نیز از جمله عواملی است که در مسئله فرار نخبگان دخالت دارد ولیکن میزان تأثیر آن بایستی دقیقاً مشخص و درباره‌اش واقع بینانه قضاوت نمود. بعضی مواقع تصور می‌شود صرف کمبود آزادیهای سیاسی عامل اصلی مهاجرت متخصصان است در حالیکه آمار نشان می‌دهد در بعضی از کشورها از قبیل هندوستان (که میزان دموکراسی در آن از بعضی از کشورهای توسعه یافته هم بیشتر است) فرار مغزها در سالهای اخیر رو به افزایش بوده است و بالعکس در کشوری مانند تونس که آزادی سیاسی در آن به اندازه هند هم نمی‌باشد، اکثریت قریب به اتفاق تحصیلکردگان در خارج از کشور به کشور خود باز می‌گردند و معمولاً در صدد

* «الْعَدْلُ قَوَامُ الْمَلِكِ»، «النَّاسُ سِوَاءُ كَأَشْتَانِ الْمَشْطِ»: عدل است و دین دو گانه زیك مادر آمده.

** در متن اصلی بند «ج» رؤیت نشد!!

مهاجرت بر نمی‌آیند.

البته عامل سیاسی در بعضی از موارد تأثیر زیادی در خروج نخبگان از کشورها دارد. مثلاً در کشورهای آمریکای جنوبی تزلزل و تغییرات سیاسی سبب خیلی از مهاجرت‌هاست، بطوریکه پس از کودتای ژوئن ۱۹۶۶ در آرژانتین فقط از دانشگاه «بونس آیرس» صدها نفر از استادان دانشگاه به خارج از کشور عزیمت می‌نمایند و یا در ایران پس از وقوع انقلاب و شروع جنگ تحمیلی روند عزیمت استادان و محققین به خارج از کشور سیر صعودی به خودی می‌گیرد. اگر از چنین مواردی که تاحدی بایستی آنرا استثنایی دانست بگذریم، می‌توان گفت که عامل سیاسی به معنای خاص کلمه یک عامل قطعی در فرار مغزها نمی‌باشد. آنچه بدون شک در این امر مؤثر است شیوه‌اداری و یا به عبارتی مدیریت است و این نکته است که در امر استفاده صحیح از استعدادها سهم اساسی داشته و در تعیین سرنوشت کشورهای در حال رشد در آینده نقش عمده‌ای خواهد داشت.

راهکارهای کاهش مهاجرت نخبگان و خسارات ناشی از آن:

مسئله فرار مغزها مسئولیت تازه و سنگینی را برای مسئولین و زمامداران کشورهای در حال رشد به میان آورده است، زیرا آنها در مبارزه سهمگینی که با عقب ماندگی، یعنی فقر، جهل، بیماری و نظامهای اجتماعی کهنه، در پیش دارند باید با جاذبه نیرومند کشورهای توسعه یافته، که دانسته و یا ندانسته جذب کننده مغزها هستند، در شرایط نامساوی مقابله کنند و نگذارند که سرمایه‌های مادی و معنوی‌شان از دست برود.

نکته قابل توجه این است که در کشورهای در حال توسعه، ضعف ثبات سیاسی و تغییر سریع قوانین و دستورالعملها و تأثیر این تغییرات بر جامعه بخصوص برای اندیشمندانی که با برنامه‌های دقیق، آینده را می‌نگرند، غیرقابل انکار است. در این میان عدم امنیت شغلی و فکری شاید از همه مهمتر باشد. متأسفانه در برخی از موارد برخوردهایی که با اهل فکر و اندیشه صورت می‌گیرد بسیار ناشایست می‌باشد.

هر چند که موضوع مهاجرت نخبگان و متخصصان و یا به عبارتی فرار مغزها مسئله‌ای جدید و تازه نمی‌باشد ولیکن موضوعی جدی، ریشه‌ای و قابل اهمیت و توجه و از طرف دیگر یک ضایعه ملی بخصوص برای کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

مسلماً با این معضل نمی‌توان با یکسری اقدامات سطحی و روبنایی برخورد نمود و درصدد مبارزه با آن و رفع مشکل برآمد بلکه لازمه آن اتخاذ یک استراتژی ملی و همه‌جانبه بوده و اقدام در این خصوص بایستی به عنوان یک سیاست تدریجی مورد توجه قرار گرفته و بازبینی اصولی در نگرش به نیروی انسانی، سیستم آموزشی، تخصیص اعتبارات تحقیقاتی و... بوجود آید. از مهمترین مسائلی که می‌توان بطور اجمالی به عنوان راهکارهای مبارزه با مهاجرت نخبگان برشمرد عبارتند از:

- ۱- اتخاذ استراتژی ملی و همه‌جانبه در سطح کشور
- ۲- تبیین موضوع فرار مغزها و عواقب ناشی از آن برای مسئولین و همچنین آحاد جامعه
- ۳- تلاش همگان به ایجاد ثبات و آرامش لازم جهت اجرای دقیق قوانین و پرداختن جدی به مسائل علمی و تحقیقاتی
- ۴- ارتقاء سطح کیفی دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی و تحقیقاتی
- ۵- تجهیز مراکز علمی به امکانات، وسایل، مواد، منابع اطلاعاتی، کتب مراجع و...
- ۶- تقویت ارتباط با نخبگان و متخصصان ایرانی مقیم در سایر کشورها و استفاده از این سرمایه بزرگ
- ۷- ایجاد تعادل بین تربیت متخصصان و نیازهای کشور و ایجاد فرصتهای شغلی مناسب
- ۸- تقویت جدی تحقیقات در بخش خصوصی
- ۹- تقویت روحیه وطن‌دوستی، فرهنگ ملی و وابستگی فرهنگی در بین افراد مقیم خارج از کشور
- ۱۰- ترویج روحیه احترام‌گذاری به علم و عالمان در جامعه
- ۱۱- تدوین راهکارهای اجرایی ارتباط بین مراکز علمی و مراکز صنعتی جهت استفاده کاربردی از نتایج تحقیقات علمی در مراکز صنعتی و تولیدی
- ۱۲- بهبود وضعیت معیشتی متخصصان و محققین با رعایت استلال و شئونات این قشر
- ۱۳- ایجاد همکاری علمی و وحدت تحقیقاتی در کشور

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مهاجرت نخبگان و فرار مغزها مسئله‌ای است که به لحاظ تأثیر مستقیمی که بر رشد و توسعه

کشور از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد، مورد توجه جدی کشورها قرار گرفته است. در واقع می‌توان گفت جنگی غیرمستقیم بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته بر سر نگهداری و یا جذب نیروهای متفکر و نخبه دنیا در جریان می‌باشد. کشورهای در حال توسعه در تلاش جهت تربیت و پرورش نیروهای نخبه خود بوده و با صرف سرمایه‌ای هنگفت به این امر می‌پردازند. در این رهگذر خسارات وارده به کشورهای در حال توسعه امری است غیرقابل انکار و جبران‌ناپذیر.

مهاجرت نخبگان مسئله‌ای است که با مشکلات علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر کشوری ارتباط داشته و نمی‌تواند از آن جدا باشد. در نتیجه، مسئله مهاجرت مغزها پیچیدگی گوناگونی داشته و با رفتار تمامی سازمانها و مراکز یک کشور و همچنین عادات و مسائل فرهنگی - اجتماعی آن کشور مرتبط می‌باشد. این وضع نوعی علامت بیماری است که منشاء آن گذشته فرهنگی دستگاه تربیتی، مشکلات مدیریتی حاکم، عدم رشد علمی مراکز تحقیقاتی، عدم تعادل میان تربیت نیروی متخصص و فرصتهای شغلی، عقب ماندگی در توسعه فکری و... می‌باشد.

هر کوششی برای نگهداری و یا جذب متخصصان تربیت شده اگر متکی به ضرورت تغییر شرایط مربوطه نباشد تنها به نتایجی موقتی منجر خواهد شد و خطر کاهش ظرفیت آفرینندگی متخصصان مذکور را به بار خواهد آورد و تنها کشوری بر این مشکل فائق خواهد آمد که با بسیج علمی و برنامه‌ریزی همه جانبه در این امر تلاش نماید.

ابعاد و علل مهاجرت از نوع فرار مغزها در ایران*

مهاجرت از نوع «فرار مغزها» پدیده‌ای است که نوعاً از قرن بیستم و به دنبال شکوفایی علم و تکنولوژی در غرب ایجاد شد و حالتی است که در آن افراد متخصص در علوم و فنون، نوابغ، نخبگان و فرهیختگان و افراد باهوش یک کشور به کشور دیگری - عمدتاً از کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه یافته به سمت کشورهای توسعه یافته - مهاجرت و به یک معنی فرار می‌کنند.

در این نوع مهاجرت عوامل کشش بیشتر از عوامل فشار در امر مهاجرت دخالت دارند. این نوع مهاجرت از زیانبارترین نوع مهاجرت است. زیرا علاوه بر به هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های مادی و انسانی در تعلیم و تربیت مراحل استعمار در کشور مقصد را هم محکمتر می‌کند. مسئله «فرار مغزها» از نظر علوم اجتماعی «ضعف روابط اجتماعی و اصول حاکم بر آن» از نظر علوم اقتصادی «کمبود نیروی انسانی» و از نظر سیاسی «ضعف نظام و تشکیلات سیاسی» و از نظر علوم طبیعی «نقصان بار فرهنگی آموزش» می‌دانند. بنابر این راه مقابله با آن نیز باید همه جانبه و هماهنگ باشد.

الف- اهمیت نیروی انسانی متخصص و ماهر

جامعه ایران اکنون نشانه‌هایی از نگرانی در باره مغزهای اندیشمند و متخصص که جذب جوامع غرب شده‌اند از خود بروز می‌دهد. حتی قشر شکاک و بدبین به «تخصص» نیز پذیرفته است که توسعه جامعه بدون وجود متخصصان مردمی و ملی امری محال است. واقعیت این است که نیروی انسانی بویژه نیروی متخصص و ماهر در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند. وجود نیروی انسانی متخصص و ماهر است که سرمایه مادی را بکار می‌گیرد. اهمیت نیروی انسانی تا بدان حد است، که نظریه پردازان آن را به منزله ثروت اصلی یک جامعه دانسته‌اند که توانمندی آن آهنگ و قابلیت توسعه جامعه را تعیین می‌کند. چرا که کمبود یا فقدان آن موجب «عقب ماندگی» جامعه می‌شود. حال که جامعه ایران در جهت مرمت، بازسازی و برتر از همه، توسعه گام برمی‌دارد، شدیداً نیاز به نیروی متخصص دارد. به عبارت دیگر تا زمانیکه سرمایه‌های انسانی متخصص و ماهر با مایه‌های «توسعه‌یافتگی» بوجود نیایند و تا «انسانهای توسعه یافته» امور روند توسعه را در دست نگیرند، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌تواند به سادگی و با موفقیت مسیر عادی خود را در پیش گیرد.

ب) شیوه‌های جبران کمبود نیروهای انسانی

- ۱) آموزش و تربیت متخصصین مورد نیاز در داخل کشور و در دانشگاه‌های داخل
- ۲) اعزام دانشجویان به خارج از کشور و تحصیل در زمینه‌های مورد نیاز جامعه
- ۳) استخدام متخصصین خارجی
- ۴) جذب و حفظ متخصصین ایرانی (چه در داخل و چه در خارج کشور)

آنچه به نظر معقول می‌رسد، ترکیب طریق اول با طریق چهارم است. یعنی آموزش تخصص‌های مورد نیاز در داخل کشور و با کمک متخصصان ایرانی بنابر این آنچه در این مرحله ضرورت می‌یابد، طرح «برنامه جذب» منطقی برای دعوت از متخصصان ایرانی داخل و خارج کشور است.

ج) پدیده مهاجرت متخصصان

جامعه‌شناسان و نیز اقتصاددانان معمولاً در تبیین پدیده مهاجرت از عوامل «دافعه داخلی»، «جاذبه خارجی» استفاده می‌کنند و معتقدند که افراد غالباً تحت تأثیر عوامل جذب‌کننده نقاط مهاجرپذیر (مقصد) و عوامل دفع‌کننده نقاط مهاجر فرست (مبدأ) اقدام به مهاجرت می‌کند طبق این نظریه میان مقصد و مبدأ تفاوت‌های فاحشی در سطوح و بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی وجود دارد که عامل عمده در مهاجرت افراد به آن نقاط است باید توجه داشت که کنترل نیروی انسانی متخصص سطح بالا که در داخل کشور تحصیل کرده‌اند، موضوعی بسیار حساس است کنترل مهاجرت، بالقوه، نقص حقوق بشر و آزادی انتخاب محل کار فرد است و لذا به سادگی قابل اجرا نیست.

د) مهاجرت متخصصان ایرانی پس از انقلاب اسلامی

تغییر و تحولاتی که پس از انقلاب اسلامی در جامعه رخ داد سبب شتاب گرفتن مهاجرت متخصصان به خارج از ایران شد. علاوه بر «عوامل دافعه و جاذبه» عوامل دیگری که خاص جامعه ایران انقلابی بود و در دوره‌های معینی بروز کرد، فرار مغزها را تسریع کرد. شتاب مهاجرت متخصصان از اواخر دهه ۱۳۵۰ تا ربع سوم دهه ۱۳۶۰ در چهار مرحله انجام گرفته است.

مرحله اول: در آستانه انقلاب، یعنی ماه‌های پیش از بهمن ۱۳۵۷ قشر وسیعی از متخصصین مسن شاغل در نهادهای دولتی که تجربه مطالعاتی انقلاب‌های دنیا به ویژه انقلاب شوروی را داشتند با برنامه ریزی قبلی راهی دیار فرنگ شدند و به جهت دارا بودن تجربه، مهارت و اشتها به آسانی جذب جامعه میزبان شدند.

مرحله دوم: در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خاطر نا آرامی‌های خیابانی گروهی از ترس و وحشت با عجله و بدون برنامه ریزی قبلی ایران را ترک کردند. اینان نیز به سادگی گروه اول، اما در مدت کوتاهی جذب جامعه میزبان شدند.

مرحله سوم: در این مرحله دو عامل پشت سرهم موجب شدت گرفتن مهاجرت متخصصان به خارج از کشور شد. عامل اول بسته شدن دانشگاه‌ها و عامل دوم آغاز جنگ تحمیلی است. عامل اول سبب شد تا متخصصان جوانی که در اوایل انقلاب با اشتیاق فراوان به ایران برگشته بودند به کشور محل تحصیل خود بازگردند و عامل دوم موجب مهاجرت اقشار مختلف از جمله متخصصان به ویژه پزشکان و نیز متخصصان بالقوه یعنی جوانانی که به سن خدمت نظام رسیده بودند، این عده برای گریز از خدمت نظام به طرق مختلف از کشور خارج و در کشورهای اروپایی به تحصیل پرداختند.

نکته مهم آن است که اگر برنامه ریزی صحیح و براساس اصول علمی و دور از تعصب صورت گیرد به احتمال زیاد موفق به جذب بخش وسیعی از افراد و نیز دو گروه مذکور خواهیم شد. چراکه آنان نه به میل خود بلکه تحت فشار سیاسی، جو حاکم بر کشور (جنگ، بمباران شهرها، سربازگیری و عواملی نظیر آن) مجبور به مهاجرت گردیدند. اکنون این عوامل از بین رفته و با برنامه ریزی صحیح می‌توان آنان را به مملکت بازگرداند. برخی از آمارها، کل مهاجران ایرانی در سالهای ۶۰-۱۳۵۷ را دو میلیون نفر تخمین می‌زنند مقصد مهاجرت این افراد (که ۹۰ درصد آنها راهی اروپا و آمریکا شدند) سطح در آمد، طبقه و تحصیلات آنان را کم و بیش روشن می‌سازد. این در حالی است که در همین زمان ایران میزبان ۲/۵ میلیون پناهنده از افغانستان (و بعدها عراق و آسیای میانه) شد که ۹۵ درصد آنان تخصص نداشته و به کار غیر مولد اشتغال داشتند. نشریه مهاجرین که در اسکان‌دیناوی منتشر می‌شود در تحقیقی پیرامون ایرانیان مهاجر آنها را به پنج گروه تقسیم می‌کند که عبارتند از: مغزهای علمی (پزشکان، استادان دانشگاه‌ها، روشنفکران و...)، بازرگانان، صاحبان مشاغل مهم در رژیم سابق، سیاسیون و افراد عادی (شامل خانواده‌های هر کدام از چهار گروه مذکور).

طبق تحقیقی که بوسیله یکی از کارشناسان مؤسسه کارآموزی و تحقیق سازمان ملل متحد به عمل آمده، شمار مهندسين ایرانی، چینی و کره‌ای که در رشته‌های جدید فارغ التحصیل شده و در آمریکا به سر می‌برند از عمده همکارانشان در کشورهای اصلی بیشتر است.

ه) عوامل اقتصادی در مهاجرت متخصصان

۱- عوامل اقتصادی: نابرابری دستمزدها، درآمدها و امکانات نسبی تحصیل در آمد بیشتر، سبب گریز نیروی انسانی ماهر از کشورهای توسعه نیافته و جذب آنان به کشورهای پیشرفته

صنعتی می‌گردد.

۲- عوامل اجتماعی: همانطور که بین دستمزدها و درآمدهای مبدأ و مقصد تفاوت‌های فاحشی وجود دارد، به همان نسبت نیز نابرابری‌های زیادی در امکانات اجتماعی، از جمله امکانات رفاهی، بهداشتی و تفریحی وجود دارد که سبب جذب نیروهای متخصص می‌گردد.

۳- عوامل فرهنگی و علمی: تفاوت‌های نظام آموزشی، امکانات پژوهشی و تحقیقی و مطالعات علمی و نیز تسهیلات فراوان در دسترسی به ابزار، تکنیک و کتب علمی، خود می‌توانند موجب جذب متخصصانی که اشتیاق بسیار به پژوهش‌های علمی دارند، گردند.

نتیجه‌گیری

در این برهه از زمان آنچه بیش از هر چیز اهمیت پیدا می‌کند، وجود متخصصان در زمینه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

چراکه اکنون ایران در مراحل اجرای برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود متوجه کمبودهای «نیروهای متخصص» شده و مسأله «فرار مغزها» را به طور جدی دنبال می‌کند. اگر چه «دفتر جذب» تسهیلات و امکاناتی را برای بازگرداندن افراد متخصص به میهن طرح ریزی کرده، اما اولاً اعطای امتیازهای ویژه به متخصصان خارج از کشور موجب نارضایتی متخصصین داخلی می‌شود که ضررش کمتر از فرار مغزها نیست. ثانیاً چنین برنامه‌ای در بطن خود دارای نشانه‌های تبعیض کارایی داشت، تا به حال باید بخش وسیعی از آنان به ایران باز می‌گشتند، در حالی که واقعیت غیر از این است. واقعیت آن است که عوامل و انگیزه‌های مادی یا شغلی نبوده، بلکه عوامل دیگری نظیر عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز بوده، که در «برنامه جذب» نسبت به این عوامل توجه لازم مبذول نشده است.

لذا ابتدا بایستی اطلاعات و آمار قابل اطمینانی در باره تخصص‌های مورد نیاز در بخشها و زمینه‌های مختلف و نیز متخصصان موجود و مشغول به کار، با تفکیک تخصص‌ها و مهارت‌ها جمع‌آوری و طبقه‌بندی می‌شود. آنگاه با دیدی روشن و با توجه به رابطه متعادل عرضه و تقاضای نیروی انسانی جزئیات «برنامه جذب» را طراحی کرد. تا زمانی که دولت موفق به جذب و حفظ متخصصان داخلی نشود و تا زمانی که هر یک از متخصصان در زمینه تخصصی خود مشغول بکار نشوند جذب متخصصان خارج از کشور کار چندان آسانی نخواهد بود.

روزنامه امریکایی کریستین ساینس مانی‌تور:

روند مهاجرت معکوس ایرانیان مقیم خارج آغاز شد*

ایرانیان مقیم امریکا در جستجوی هویت خویش به سرزمین اجدادی باز می‌گردند

انسان در زندگی نیاز به آرامش روحی دارد، این آرامش در ایران دست یافتنی است، اما در امریکا خیلی‌ها بدان نمی‌رسند، چون همه چیز حول و حوش مادیات دور می‌زند. «محمد بهره‌ور»، یکی از ایرانی‌هایی که اخیراً از امریکا به ایران بازگشته است، در گفت و گو با روزنامه «کریستین ساینس مانی‌تور» علت بازگشت خود به ایران را این گونه عنوان کرد: چندی است روند بازگشت ایرانیان مقیم خارج به ویژه از امریکا به کشور آغاز شده است و چشم پوشی بسیاری از ایرانی‌های مقیم امریکا از امکانات مادی و موقعیت‌های مطلوب شغلی موضوع گزارشی است که اخیراً در روزنامه «کریستین ساینس مانی‌تور» به چاپ رسیده است. تحلیلگر این روزنامه «اسکات پیترسن» در این گزارش نوشته است: ایرانیان مقیم خارج گروه گروه برای جستجوی هویت خویش به سرزمین اجدادیشان باز می‌گردند. «پیترسن» در گزارش خود که با عنوان «ریشه‌یابی به طریق پارسی» به چاپ رسیده با تنی چند از ایرانیان دارای موقعیت‌های مناسب و مطلوب در امریکا گفت و گو کرده است. یکی از آنها «کامبیز میرآبادی»، متخصص نرم‌افزار در امریکا است که پس از ۲۰ سال زندگی در «لس‌آنجلس» از شغل و موقعیت دلخواه خود صرف نظر کرده و به ایران بازگشته است. وی به همراه دو ایرانی دیگر که آنان نیز اخیراً به کشور بازگشته‌اند، پنجمین شرکت بزرگ «اینترنت» را در ایران دایر کرده‌اند. میرآبادی به خبرنگار «کریستین ساینس مانی‌تور» گفت: بسیاری از ایرانیان مقیم امریکا، تصورات غلطی از ایران کنونی دارند، آنها فکر می‌کنند اگر به ایران بازگردند در همان فرودگاه مورد آزار قرار می‌گیرند. در حالی که این درست نیست و ما داریم سعی می‌کنیم ذهن آنها را از این گونه افکار، پاک سازیم. میرآبادی می‌افزاید، در امریکا، ما برای زندگی در حال دوندگی بودیم، اما این جا مسائل دیگری مطرحند. ما باید به بزرگترها، به مسائل دینی و خانوادگی و... توجه کنیم. در ایران وقت بیشتری در اختیار داریم. ما دارای ریشه عمیق و فرهنگی غنی هستیم. در منزل ما به روی همه باز

است. در ایران مسایل ظریف فرهنگی دیگری نیز وجود دارد که اگر کسی مفهوم آن را باز یابد، مسلماً به ایران بازخواهد گشت.

این متخصص ایرانی با اشاره به ابعاد فرهنگ ایرانی می‌گوید، در امریکا خیلی زود می‌توان به یک شهروند متوسط تبدیل شد، اما در ایران می‌شود با فرهنگ ملی خود ارتباط برقرار کرد؛ فرهنگی که ارزش آن از هر مدرک دکترایی بیشتر است.

«پیترسن» در ادامه گزارش خود به مورد دیگری به نام «شهرام جودیری» فرزند یک تاجر ایرانی اشاره می‌کند که پنج سال قبل زندگی لوکس و دلخواه خود را در «سن دیه‌گو» رها کرد و به ایران بازگشت. وی به خاطر تسلط به زبانهای خارجی شغلی مناسب در یکی از شرکتهای پدرش انتخاب کرده است. شهرام از زندگی در ایران ابراز رضایت و خوشحالی می‌کند. او تأکید می‌کند که برای همیشه در ایران خواهد ماند؛ زیرا از زندگی ماشینی در امریکا بیزار است. تحلیلگر آمریکایی «کریستین ساینس مانیور» سپس به گفت‌وگو با «مجید امامی» فارغ‌التحصیل از دانشگاه «یو. سی. ال. ای» امریکا می‌نشیند.

«امامی» تا چندی قبل در شمار ثروتمندان «بورلی هلیز» به شمار می‌رفت و به گفته وی زندگی در خواب و خیال می‌گذشت، تاروی پدرش به او گفت: تو در ایران فرصتهای طلایی در اختیار داری، چرا از آنها استفاده نمی‌کنی؟

مجید، در بدو ورود به ایران با شوک فرهنگی روبرو شد. او که فارغ‌التحصیل رشته تاریخ است و مطالعات زیادی در زمینه اسلام و امپراتوری عثمانی دارد، اما به سختی قادر به صحبت به زبان فارسی است، می‌افزاید: تبلیغات ضد ایرانی در امریکا به حدی گسترده و عمیق بود که وقتی امریکا را ترک کردم و به ایران آمدم، از دیدن نام ایران روی بدنه هواپیما حالت خوشایندی احساس کردم و این احساسات به ماندن من در ایران کمک کرد. وی اینک یکی از شرکای شرکت بزرگ خدمات اینترنتی است.

«داریوش انوری» نیز که بعد از ۱۷ سال زندگی در امریکا، ۹ سال است به کشور بازگشته است، از مصاحبه‌شوندگان این روزنامه آمریکایی است. داریوش در خصوص علت بازگشتش به ایران گفت: سه سال به عنوان یک کارشناس ایمنی در سیستمهای «سفینه‌های فضایی» کار می‌کردم. داریوش افزود: طرحهای پوشالی تجدد طلبی و ناسیونالیسم شاه، فرهنگ تاریخی ما را نفی می‌کرد. اکنون من در سایه فرهنگی زندگی می‌کنم که اصالت دارد. تمدن را از چه راه دیگری می‌توان به این خوبی احساس کرد؟!

تفاسیرالابیات

هرگز دل من ز علم محروم نشد کم مانند زاسرار که مفهوم نشد
واکنون که به چشم عقل در می‌نگرم معلوم شد که هیچ معلوم نشد
«خیام»

بیت اول:

دل من: کسی که در مدارس غیرانتفاعی درس خوانده است.
ز علم محروم نشد: از تمام امکانات علمی مثل «نمره بیست» و «مهر صد آفرین» و «لوح زرین»!
استفاده کردم.
اسرار: رموز، اینجا در مقام استعاره و به معنی پاسخ به سؤال‌های چهارگزینه‌ای و کنکوری است.

مفهوم کلی بیت اول: چون بابا و مامان بنده خیلی دل‌شان می‌خواست دکتر شوم، مرا در دبستان و راهنمایی و دبیرستان غیر انتفاعی ثبت نام کردند که آنجا خیلی چیزها یاد گرفتم.
بیت دوم:

اکنون: زمانی که کارنامه را دادند
به چشم عقل در می‌نگرم: دقت می‌کنم و به گذشته می‌نگرم. (این که بعضی از مفسران گفته‌اند: از زور بیکاری به در (و دیوار) می‌نگرم، صحیح نیست. اگر چه با چشم عقل جور درمی‌آید! مصرع چهارم: فهمیدم که هیچ چیز نفهمیده‌ام (و این دانش بزرگی است).
مفهوم کلی بیت دوم: پس از دیپلم گرفتن و شرکت در کنکور (که قبلاً رتبه‌چهل هزار و اندی را دیدم... فهمیدم که «نمره‌های بیست» و «مهر صد آفرین» و دیگر امکانات و جزوات و رموزات، هیچ ثمری نداشت و من، ول معطل بوده‌ام. اگر بابا و مامان آن پول‌هایی را که خرج کردند به خودم می‌دادند تا سرمایه بکنم، حالا چند تا ساختمان خودم را به همین مدارس غیرانتفاعی اجاره داده و از مال‌الاجاره آن خرج کلاس‌های کنکور و تقویتی بچه‌هایم را می‌دادم!

پنتاگون

بررسی نتایج مراحل اول و دوم و کشوری پنج المپیاد فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر و زیست برگزار شده در سال ۷۸-۷۷
برای المپیادهای جهانی در سال ۱۳۷۹
جواد اژه‌ای

اشاره:

وضعیت داوطلبان چهار المپیاد «ریاضی»، «فیزیک»، «کامپیوتر» و «شیمی» در مراحل اول و دوم و کشوری و ادامه این بررسی به صورت یک مطالعه تطبیقی در چند سال، می‌تواند عوامل مختلفی را شناسایی و مورد توجه قرار دهد.
هر چند در سال ۱۳۷۸ پنج تیم از ایران در سطح جهانی با هم به رقابت پرداختند ولی «المپیاد زیست» بخاطر حضور شتابزده‌اش مرحله دوم نداشت و برای سال ۱۳۷۹ نیز مستقیماً جهت مرحله کشوری، افراد گزینش شدند. با توجه به بررسی آماری تحلیلی، نتایج سال قبل، این بار نیز از زاویه‌ای دیگر، نتایج بررسی می‌شود.



○ در چهار المپیاد ریاضی، کامپیوتر، فیزیک و شیمی از کل ۱۴۳۲ داوطلبان در مرحله اول ۳۵۷۱ نفر قبول شدند. در حالیکه کل داوطلبان سمپاد ۷۶۴۶ نفر (حدود ۷/۵۴ درصد) را تشکیل می‌دادند، از سمپاد ۱۶۰۵ نفر که ۵۰۶ نفر آنها دختر بودند یعنی معادل ۴۴/۹ درصد پذیرفته شدند، در این مرحله وضعیت داوطلبان دختر سمپاد به کل داوطلبان (۵۹۵۸۲ نفر) از نظر تعداد ۳۵۶۴ نفر یعنی معادل ۵/۹۸ درصد داوطلبان دختر بود. در مرحله اول پذیرفته شدگان دختران سمپاد ۴۶/۶ درصد را دربرگرفت و بطور کلی ۷۴ مرکز سمپاد قبولی داشتند که بیشترین قبولی‌ها را

علامه حلی تهران (۱۹۲ نفر)، شهید اژه‌ای اصفهان (۱۰۷ نفر)، فرزنانگان تهران (۸۰ نفر)، و شهید سلطانی کرج (۷۴ نفر) داشتند. (جدول ۱)

○ در مرحله دوم از بین ۳۵۷۱ نفر ۲۰۴ نفر گزینش شدند که با اعلام نتایج نهایی پنج المپیاد از بین ۲۰۴ دانش آموز راه یافته به مرحله کشوری و در مجموع از ۳۶ طلایی این آوردگاه ملی، ۲۷ نفر (۷۵ درصد) از ۱۳ مرکز: «شهید بهشتی بابل»، «شهید اژه‌ای اصفهان»، «میرزا کوچک خان رشت»، «علامه حلی و فرزنانگان کرمان»، «شهید دستغیب شیراز»، «علامه حلی و فرزنانگان تهران»، «شهید بهشتی زاهدان»، «شهید مدنی تبریز»، «شهید بهشتی اهواز»، «شهید بهشتی ساری» و «فرزنانگان مشهد» بودند. (جدول ۲)

جدول ۱- راه یافتگان مرحله اول کشوری از مراکز سمپاد به چهار المپیاد فیزیک، شیمی، ریاضی، کامپیوتر برای سال ۱۳۷۹ (تفاوت اعداد مقابل مراکز براساس اشتباه در شمارش می‌تواند باشد ولی جمع کلی مبنای محاسبه است)

مراکز دخترانه				مراکز پسرانه			
شهر	تعداد	شهر	تعداد	شهر	تعداد	شهر	تعداد
فرزنانگان همدان	۱۹	فرزنانگان تهران	۸۰	علامه حلی همدان	۱۸	فرزنانگان تهران	۱۹۲
فرزنانگان مشهد	۳۴	فرزنانگان کرمان	۱۵	شهید هاشمی نژاد مشهد	۵۷	فرزنانگان کرمان	۲۶
فرزنانگان یزد	۲۷	فرزنانگان امین اصفهان	۴۷	شهید صدوقی یزد	۲۷	شهید اژه‌ای اصفهان	۱۰۷
فرزنانگان تبریز	۱۰	فرزنانگان اراک	۱۷	شهید مدنی تبریز	۴۷	علامه حلی اراک	۱۷
فرزنانگان رشت	۱۲	زینب (س) شهری	۸	میرزا کوچک خان رشت	۲۵	شهید بهشتی شهری	۳۳
فرزنانگان زنجان	۷	فرزنانگان اهواز	۷	شهید بهشتی زنجان	۲۱	شهید بهشتی اهواز	۲۳
فرزنانگان شیراز	۲۲	فرزنانگان قزوین	۱۴	شهید دستغیب شیراز	۳۴	شهید بابایی قزوین	۱۹
فرزنانگان کرج	۳۴	فرزنانگان ارومیه	۲۲	شهید سلطانی کرج	۷۴	شهید بهشتی ارومیه	۳۶
فرزنانگان بندرعباس	۲	فرزنانگان قم	۱۵	شهید حقانی بندرعباس	۱۴	شهید قدوسی قم	۳۶
فرزنانگان دزفول	۶	فرزنانگان کرمانشاه	۱۱	شیخ انصاری دزفول	۱۱	شهید بهشتی کرمانشاه	۱۸
فرزنانگان ساری	۱۷	فرزنانگان شهرکرد	۳	شهید بهشتی ساری	۴۶	شهید بهشتی شهرکرد	۱۹
فرزنانگان بابل	۱۷	فرزنانگان قائمشهر	۱۰	شهید بهشتی بابل	۳۵	شهید بهشتی قائمشهر	۱۹
فرزنانگان خرم آباد	۱	فرزنانگان بیرجند	۰	شهید بهشتی خرم آباد	۴	شهید بهشتی بیرجند	۱۰
فرزنانگان شاهرود	۹	فرزنانگان سمنان	۵	شهید بهشتی شاهرود	۱۶	شهید بهشتی سمنان	۱۲
فرزنانگان اسلامشهر	۱۲	فرزنانگان آبادان	۲	شهید رجایی اسلامشهر	۳	شهید بهشتی آبادان	۳
فرزنانگان لار	۱	فرزنانگان زاهدان	۱	شهید بهشتی لار	۷	شهید بهشتی زاهدان	۱۶
فرزنانگان سنندج	۲	فرزنانگان بجنورد	۴	شهید بهشتی سنندج	۱۴	شهید بهشتی بجنورد	۱۱
فرزنانگان سبزوار	۶	فرزنانگان بروجرد	۱۰	شهید بهشتی سبزوار	۱۳	شهید بهشتی بروجرد	۱۴
		فرزنانگان نیشابور	۲			شهید بهشتی نیشابور	۸
قبولشدگان سمپاد (دختر)			۵۰۶	قبولشدگان سمپاد (پسر)			۱۱۰۰
کل قبولشدگان ایران (دختر)			۱۰۸۶	کل قبولشدگان ایران (پسر)			۲۴۸۵

○ در دو المپیاد ریاضی و کامپیوتر که دانش آموزان پایه دوم دبیرستان با سال سوم‌ها به رقابت می‌پردازند ۷ نفر در ریاضی و ۸ نفر در کامپیوتر به مرحله کشوری راه یافتند. از این عده ۱۳ نفر از مراکز سمپاد بودند که «محمد هادی فروغمنند اعرابی» و «محمد محمودی» از علامه حلی تهران موفق به کسب طلای کشوری کامپیوتر گردیدند. علامه حلی تهران در سال قبل هم دو نفر از سال دوم دبیرستانی‌هایش (سید امید اعتصامی) در کامپیوتر و (علی شوریده) در ریاضی به همراه «سید بهداد اسفهد» از شهید بهشتی ساری جزء تیمهای ملی بودند.

جدول ۲- کلیه شرکت‌کنندگان در پنج المپیاد به تفکیک جنس همراه با پذیرفته شدگان سمپاد در هر مرحله

المپیاد	جنس	کل داوطلبان	داوطلب سمپاد	درصد سمپاد	پذیرفته شده مرحله اول سمپاد	پذیرفته شده سمپاد	درصد سمپاد	پذیرفته شده مرحله دوم سمپاد	پذیرفته شده سمپاد	درصد سمپاد
شیمی	پسر	۳۷۸۰	۴۵۶	٪۴/۰۷	۳۸۷	۱۵۵	٪۴۰/۰۵	۲۹	۱۵	٪۵۱/۷۲
	دختر	۷۴۲۴	۴۹۸	٪۴/۴۴	۲۶۵	۱۴۲	٪۵۳/۵۸	۱۳	۱۳	٪۱۰۰
	کل	۱۱۲۰۴	۹۵۴	٪۸/۵۱	۶۵۲	۲۹۷	٪۴۵/۵۵	۴۲	۲۸	٪۶۶/۶۶
فیزیک	پسر	۶۳۲۱	۶۷۷	٪۱۰/۷۱	۷۰۵	۲۷۹	٪۳۹/۴۷	۳۸	۲۴	٪۶۳/۱۶
	دختر	۷۳۱۵	۳۸۳	٪۵/۲۳	۱۹۰	۸۴	٪۴۴/۲۱	۸	۷	٪۸۷/۵۰
	کل	۱۳۶۳۶	۱۰۶۰	٪۷/۷۷	۸۹۵	۳۶۳	٪۴۰/۵۶	۴۶	۳۱	٪۶۷/۳۹
ریاضی	پسر	۲۱۷۷۴	۱۶۱۱	٪۷/۴۰	۶۷۶	۲۷۲	٪۴۰/۲۴	۴۱	۲۶	٪۶۳/۴۱
	دختر	۲۸۱۱۵	۱۳۱۹	٪۴/۶۹	۳۵۶	۱۱۲	٪۳۱/۴۶	۵	۵	٪۱۰۰
	کل	۴۹۸۸۹	۲۹۳۰	٪۵/۱۷	۱۰۳۲	۳۸۴	٪۳۷/۲۱	۴۶	۳۱	٪۶۷/۳۹
کامپیوتر	پسر	۶۸۹۹	۱۲۲۶	٪۱۷/۷۷	۷۱۷	۳۹۴	٪۵۴/۹۵	۲۴	۲۰	٪۸۳/۳۳
	دختر	۷۷۶۸	۹۱۸	٪۱۱/۸۲	۲۷۵	۱۶۸	٪۶۱/۰۹	۷	۷	٪۱۰۰
	کل	۱۴۶۶۷	۲۱۴۴	٪۱۴/۶۲	۹۹۲	۵۶۲	٪۵۶/۶۵	۳۱	۲۷	٪۸۷/۱۰
زیست‌شناسی	پسر	۱۴۹۵	۱۲۷	٪۸/۴۹	—	—	—	—	۱۰	٪۵۲/۶۳
	دختر	۸۹۵۰	۴۱۶	٪۴/۶۵	—	—	—	—	۹	٪۵۶/۲۵
	کل	۱۰۴۴۵	۵۴۳	٪۵/۲۰	—	—	—	—	۱۹	٪۵۲/۸۸
جمع پنج المپیاد	پسر	۴۰۲۶۹	۴۰۹۷	٪۱۰/۱۷	۲۴۸۵	۱۱۰۰	٪۴۴/۲۶	۱۵۱	۹۵	٪۶۲/۹۱
	دختر	۵۹۵۷۲	۳۵۳۴	٪۵/۹۳	۱۰۸۶	۵۰۶	٪۴۶/۵۹	۴۹	۴۱	٪۸۳/۶۷
	کل	۹۹۸۴۱	۷۶۳۱	٪۷/۶۴	۳۵۷۱	۱۶۰۶	٪۴۴/۹۷	۲۰۴	۱۳۹	٪۶۸

○ در حالیکه در سال قبل تنها یک دختر از فرزندانگاران امین موفق به کسب مدال طلای کشوری شده بود. امسال در ریاضی «هدی بیدخوری» و «مریم سعیدی» از فرزندانگان مشهد و «زکیه واحدیان» در شیمی از فرزندانگان کرمان، «مهديه باقرشمیرانی» و «سر مه شادبخت» در فیزیک هر دو از فرزندانگان تهران و «نگار فرامرزی» در المپیاد زیست از ابوریحان تهران ۶ نفر طلایی در بین ۳۶ نفر طلایی پنج المپیاد هستند.

جدول ۳- نتایج کشوری مراکز سمپاد در پنج المپیاد برای سال ۱۳۷۹

شهر	مرکز آموزشی	ریاضی			فیزیک			کامپیوتر			شیمی			زیست شناسی			جمع کشوری
		طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	طلا	نقره	برنز	
تهران	علامه حلی	۳	۲	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۴						۲۶
	فرزانگان		۱														۱۴
همدان	فرزانگان		۲							۱						۳	
کرمان	علامه حلی															۲	
	فرزانگان		۱													۱	
اصفهان	شهید اژه‌ای	۱	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱	
	فرزانگان امین													۲	۱	۵	
تبریز	شهید مدنی													۱	۱	۳	
	فرزانگان													۱		۱	
مشهد	شهید هاشمی نژاد									۱				۲		۵	
	فرزانگان		۲	۱												۶	
یزد	شهید صدوقی									۱	۱	۱				۴	
شهرری	شهید بهشتی		۲	۱						۱						۵	
	زینب (س)													۱		۱	
قم	شهید قدوسی															۱	
	فرزانگان															۱	
رشت	میرزا کوچک‌خان													۱		۲	
	فرزانگان														۱	۱	
ارومیه	شهید بهشتی									۱						۳	
کرج	شهید سلطانی		۱	۱						۳	۱			۱		۸	
	فرزانگان													۱		۳	
قزوین	شهید بابائی													۱		۴	
اهواز	شهید بهشتی															۱	
	فرزانگان													۱		۱	
زنجان	شهید بهشتی													۱		۱	
شیراز	شهید دستغیب														۲	۶	
شهرکرد	شهید بهشتی															۲	
دزفول	فرزانگان													۱		۲	
ساری	شهید بهشتی									۱	۱	۱	۱	۱		۶	
	فرزانگان													۱		۲	
قائم‌شهر	شهید بهشتی															۱	
بابل	شهید بهشتی															۲	
	فرزانگان														۱	۱	
شاهرود	شهید بهشتی															۱	
	فرزانگان															۱	
زاهدان	شهید بهشتی															۱	
سبزوار	شهید بهشتی															۱	
نیشابور	شهید بهشتی															۱	
جمع مدالهای سمپاد		۸	۱۳	۱۱	۷	۱۰	۱۴	۶	۱۴	۹	۱۴	۴	۱۱	۱۳	۷	۱۳۹	
جمع مدالهای مدارس دیگر		۱	۹	۶	—	۷	۸	۲	—	۲	۸	۲	۳	۹	۱	۶۵	
جمع کل مدالها		۹	۲۲	۱۷	۷	۱۷	۸	۲۲	۱۷	۱۶	۲۲	۶	۱۴	۲۲	۱۸	۲۰۴	

○ جدول ۳ این گزارش راه یافتگان مرحله اول کشوری از مراکز سمپاد را در پنج المپیاد برای سال ۱۳۷۹ نشان می دهد، همانطور که این جدول بیانگر است از ۲۰۴ نفر که در پنج المپیاد موفق به کسب مدال شده اند ۱۳۹ مدال به ۳۶ مرکز سمپاد تعلق گرفته است که از این تعداد ۱۵ مرکز دخترانه هستند، در ضمن ۶۵ مدال کشوری دیگر کل مدارس ایران اعم از غیر انتفاعی، نمونه دولتی، شاهد و دولتی کسب کرده اند.

○ جدول ۴ وضعیت کلیه داوطلبان به تفکیک جنس، سمپادی بودن و غیر سمپادی را در مرحله اول، دوم، مرحله کشوری و برگزیدگان تیم ملی نشان می دهد.

○ همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می شود از ۱۰۱۴۳۲ نفر داوطلب فقط ۷۶۴۶ نفر (حدود ۷/۵ درصد) را داوطلبان سمپاد تشکیل می دهند. همینطور بیش از ۵۸ درصد داوطلبان در کل پنج المپیاد دختران هستند (۵۹۵۸۲) که داوطلبان دختر سمپاد (۳۵۶۳) نسبت به کل دختران درصد بسیار کمتری را نشان می دهند. داوطلبان دختر سمپاد نسبت به کل داوطلبان سمپاد ۴۶/۶ درصد هستند.

جدول ۴- وضعیت کلیه داوطلبان به تفکیک المپیاد در مراحل اول، دوم، کشوری و تیم ملی

در مقایسه با «سمپاد» برای سال ۱۳۷۹

مرحله	المپیاد		ریاضی		کامپیوتر		شیمی		فیزیک		زیست شناسی		جمع	
	کل	سمپاد	کل	سمپاد	کل	سمپاد	کل	سمپاد	کل	سمپاد	کل	سمپاد	کل	دختر
داوطلب	۵۱۳۳۰	۲۸۱۱۵	۱۴۹۱۷	۷۷۶۸	۱۱۲۰۴	۷۴۳۴	۱۳۶۳۶	۷۳۱۵	۱۰۴۴۵	۸۹۵۰	۱۰۱۴۳۲	۵۹۵۸۲	۳۵۶۳	۱۰۱۴۳۲
	۲۹۴۵	۱۳۱۹	۲۱۴۹	۹۱۸	۹۵۴	۴۹۸	۱۰۶۰	۴۱۳	۵۴۳	۴۱۶	۷۶۴۶	۳۵۶۴	۲۹۴۵	۱۰۱۴۳۲
مرحله اول	۱۰۳۴	۳۵۶	۹۹۲	۲۷۵	۶۵۲	۲۶۵	۸۹۵	۱۹۰	—	—	۳۵۷۳	۱۰۸۶	۳۵۷۳	۱۰۸۶
	۳۸۴	۱۱۲	۵۶۲	۱۶۸	۲۹۶	۱۴۲	۳۶۳	۸۴	—	—	۱۶۰۵	۵۰۶	۳۸۴	۱۶۰۵
مرحله دوم	۴۶	—	۳۱	۷	۴۲	۱۳	۴۶	۹	۳۵	۱۶	۲۰۰	۴۵	۴۶	۲۰۰
	۳۰	۵	۲۷	۷	۲۸	۱۳	۳۴	۷	۲۰	۹	۱۳۹	۴۱	۳۰	۱۳۹
مرحله کشوری	۹	۲	۷	—	۶	۱	۷	۲	۶	۱	۳۵	۶	۹	۳۵
	۸	۲	۵	—	۴	۱	۷	۲	۲	—	۲۶	۵	۸	۲۶
تیم ملی	۶	—	۴	—	۴	۱	۵	—	۴	۱	۲۳	۳	۶	۲۳
	۵	—	۴	—	۳	۱	۵	—	۲	—	۱۹	۲	۵	۱۹

○ در المپیاد شیمی ۸/۶۵ درصد داوطلبان در بین ۱۱۲۰۴ نفر، سمپادی هستند (۹۵۴) که از این تعداد ۴۵۶ نفر پسر و ۴۹۸ نفر دختر می‌باشند در مرحله دوم از ۴۲ نفر برگزیده ۱۳ دختر (همگی از سمپاد) و بقیه پسر بوده‌اند. سهم سمپاد در جمع در این مرحله ۲۸ نفر می‌باشد. در مرحله کشوری از ۶ نفر یک دانش‌آموز دختر «زکيه واحديان اردکاني» از «فرزانگان کرمان» حضور دارد که جزء چهار نفر تیم ملی نیز انتخاب شده است. کل اعضا تیم شیمی ایران سمپادی هستند. (جدول ۵ و نمودار ۱)

نمودار ۱- درصد داوطلبان المپیاد شیمی تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

○ در «المپیاد فیزیک» ۷/۷۷ درصد کل داوطلبان را سمپادها تشکیل می‌دادند (۱۰۶۰ نفر از ۱۳۶۳۶ داوطلب) که در مرحله اول ۳۶۳ نفر (۴۰/۵۶ درصد پذیرفته شدگان) از سمپاد بود و در مرحله دوم ۶۷/۳۹ درصد (۳۱ نفر از ۴۶ نفر) (جدول ۲ و نمودار ۲) در مرحله کشوری صددرصد طلای کشوری نصیب علامه حلی و فرزنانگان تهران، شهید بهشتی زاهدان، شهید اژه‌ای اصفهان و شهید مدنی تبریز گردید. در این المپیاد از دو فرزنانگان تهرانی مهدیه باقر شمیرانی جز تیم ملی گردید. (جدول ۵)

جدول ۵- اسامی پرندگان مدال طلای کشوری در پنج المپیاد و همینطور اعضاء تیمهای ملی برای سال ۱۳۷۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	شهر	مرکز	پایه	المپیاد
۱	سلیمان ابوالفتح بیگی	اهواز	شهید بهشتی	سوم	○
۲	امین امین‌زاده گوهری	کرمان	علامه حلی	سوم	○
۳	آرش امینی	تهران	علامه حلی	سوم	○
۴	علی بابایی	ساری	شهید بهشتی	سوم	○
۵	هدی بیدخوری	مشهد	فرزانیگان	سوم	
۶	مریم سعیدی	مشهد	فرزانیگان	سوم	
۷	علی شوریده	تهران	علامه حلی	سوم	○
۸	سیدعلی مدنی‌زاده	تهران	نیکان	سوم	○
۹	داود وکیلی علویحه	تهران	علامه حلی	سوم	
۱۰	سیدبهداد اسفندی	ساری	شهید بهشتی	سوم	○
۱۱	سیدامید اعتصامی	تهران	علامه حلی	سوم	○
۱۲	سیامک تزی	تهران	علامه امینی	سوم	
۱۳	علی شریفی زارچی	یزد	شهید صدوقی	سوم	○
۱۴	امید علمدار میلانی	تهران	امام صادق (ع)	سوم	
۱۵	محمدهادی فروغمند اعرایی	تهران	علامه حلی	دوم	
۱۶	محمد محمودی	تهران	علامه حلی	دوم	
۱۷	حمید مهنی	کرج	شهید سلطانی	سوم	○
۱۸	سروش البرزی	شیراز	شهید دستغیب	-	○
۱۹	رضا بهروزی	شیراز	شهید دستغیب	-	○
۲۰	امین جهانبخشی	تهران	کوثر	-	
۲۱	نگار فرامرزی	تهران	ابوریحان	-	○
۲۲	طاها قلی‌پور	تهران	رشد جوان	-	
۲۳	علی مجتهد	تهران	شهید دانش	-	○
۲۴	احسان اردستانی‌زاده	تهران	علامه حلی	-	○
۲۵	مهدیه باقر شمیرانی	تهران	فرزانیگان	-	○
۲۶	مهدی جعفری سیاوشانی	تهران	علامه حلی	-	
۲۷	کامیار رهنمازاد	زاهدان	شهید بهشتی	-	○
۲۸	پیام سیفی	تبریز	شهید مدنی	-	○
۲۹	سرمه شادبخت	تهران	فرزانیگان	-	
۳۰	پویان قائمی محمدی	اصفهان	شهید اژه‌ای	-	○
۳۱	محمد اسداللهی بابلی	بابل	شهید بهشتی	-	○
۳۲	محمد بهرامی	تهران	رشد	-	○
۳۳	حمیدرضا سلیمی	تهران	رشد	-	
۳۴	محمد شاه‌ولی	اصفهان	شهید اژه‌ای	-	
۳۵	امیر ضابط خصوصی	رشت	میرزا کوچک خان	-	○
۳۶	زکیه واحدیان اردکانی	کرمان	فرزانیگان	-	○

دانش‌آموز از مراکز سمپاد ○ راه یافته به تیمهای ملی

نمودار ۲- نسبت داوطلبان المپیاد فیزیک تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

- در «المپیاد ریاضی» در حالیکه فقط ۵/۱۷ درصد داوطلبان را (۲۹۳۰ نفر از ۴۹۸۸۹) سمپادها تشکیل می‌دادند در مرحله اول ۳۷/۲۱ درصد راه‌یافتگان سمپادی بودند که این عده در مرحله دوم به ۶۷/۳۹ درصد رسید، ۳۱ نفر از ۴۶ نفر. (جدول ۲ و نمودار ۳)
- در مرحله کشوری از ۹ نفر یک نفر از نیکان تهران حضور داشت که جزء تیم ملی شد و بقیه اعضا تیم ملی را «شهید بهشتی اهواز»، «علامه حلی کرمان»، «علامه حلی تهران» (۲ نفر) و «شهید بهشتی ساری» تشکیل می‌دهند. (جدول ۵)
- در «المپیاد کامپیوتر» بیشترین داوطلب را با ۱۴/۶۲ درصد نسبت به کل المپیادها سمپاد دارد. - ۲۱۴۴ نفر از ۱۴۶۶۷ نفر کل داوطلبان - در این المپیاد در مرحله اول ۵۶/۶۵ درصد پذیرفته‌شدگان از سمپاد بودند که در مرحله دوم به ۸۷/۱ درصد رسید. از ۳۱ نفر راه یافته به این

نمودار ۳- نسبت داوطلبان المپیاد ریاضی تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

مرحله ۲۷ نفر از سمپاد بودند (جدول ۲، نمودار ۴) که در مرحله کشوری از هشت نفر ۲ نفر غیر سمپادی بودند و در نهایت کل تیم سمپادی هستند. دو سال دوم دبیرستانی علامه حلی تهران که به کسب طلای کشوری موفق شدند نیز انشاءالله در تیم ملی سال آینده حضور خواهند داشت. (جدول ۵)

○ در «المپیاد زیست‌شناسی» داوطلبان سمپاد ۵/۲ درصد را تشکیل می‌دادند از این عده چون مرحله اول نداشت در مرحله دوم ۳۵ نفر پذیرفته شدند که ۵۲/۷۸ درصد آنها سمپادی بودند (جدول ۲، نمودار ۵). در مرحله کشوری از شش نفر که طلای کشوری را کسب نمودند ۴ نفر غیر سمپادی بودند (۶۶٪) که در نهایت از بین ۶ برگزیده دو سمپادی از شهید دستغیب شیراز و دو نفر دیگر از ابوریحان تهران - نگار فرامرزی - و علی مجتهد از شهید دانش جزء تیم ملی زیست شدند. نگار فرامرزی اولین دختر دانش‌آموز است که خارج از سمپاد عضو تیم ملی یکی از المپیادها می‌گردد. در سایر المپیادها ایران از ابتدا تا کنون کلیه دختران عضو تیم از سمپاد بوده‌اند. (جدول ۵)

نمودار ۴- نسبت داوطلبان المپیاد کامپیوتر تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

- وضعیت داوطلبان دختر سمپاد در مقایسه با دیگر داوطلبان دختر در پنج المپیاد برای سال ۷۹ به شکل زیر است:
- «شیمی»: با ۶/۷۱ درصد داوطلبان در مرحله اول ۴۶/۴۲ درصد و در مرحله دوم صددرصد راه یافتگان سمپادی هستند و یک عضو تیم ملی از فرزندان کرمان است.
- در «کامپیوتر» ۱۱/۸۲ درصد دختران داوطلب سمپادی هستند که در مرحله اول ۶۱ درصد راه یافتگان را تشکیل می دهند و در مرحله دوم صد در صد سمپادی هستند ولی موفق به کسب مدال طلای کشوری نشده اند.
- در «ریاضی» ۴/۶۹ درصد دختران از سمپاد هستند که با ۳۱/۲۶ درصد در مرحله اول، صددرصد راه یافتگان مرحله دوم را بخود اختصاص داده اند. ولی با وجود دو طلای ریاضی از فرزندان مشهد متأسفانه نتوانستند در تیم ملی عضویت داشته باشند.

نمودار ۵- نسبت داوطلبان المپیاد زیست‌شناسی تا مرحله کشوری به تفکیک جنس از سمپاد و غیر سمپاد

□ در «فیزیک» ۵/۲۴ درصد کل داوطلبان دختر از سمپاد هستند که در مرحله اول ۳۱/۲۶ درصد راه‌یافتگان را بخود اختصاص داداند و در مرحله کشوری ۸۷/۵ درصد از آنها طلای کشوری را دو فرزانه‌گانی از تهران کسب کردند که «مهدیه باقر شمیرانی» عضو تیم ملی شده است.

□ در «زیست‌شناسی» کمترین درصد داوطلبان دختر را داریم (۴/۶۵ درصد) که چون مرحله اول نداشته‌ایم در مرحله دوم با ۴۳/۷۵ درصد دختران سمپاد در مرحله کشوری حضور یافته‌اند. در مرحله کشوری تنها «نگار فرامرزی» از ابوریحان مدال طلا و عضویت در تیم ملی، سویمن عضو دختر تیم ملی در سال ۱۳۷۹ گردیده است.

نمودار ۶ وضعیت دختران داوطلب در پنج المپیاد را تا مرحله کشوری نشان می‌دهد.

در جمع یاران نور

گزارش نهمین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم، سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان
گرامیداشت یکصدمین سالگرد میلاد امام خمینی (ره)
تهران (۱۳-۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۹)
محمدناصرزاده

این گزارش را یاری آن نیست که شور و اشتیاق بی مانندی را که در طی روزهای
مسابقات دیده وصف کند، ولی لاف سعی می‌کند شمه‌ای از آنچه گذشته است را برای
اطلاع همگان منعکس سازد.

سمپاد



پس از اعلام سال ۱۳۷۸ به عنوان سال «امام خمینی (ره)»، به جهت تقارن مسعود آن با
یکصدمین سالگرد میلاد آن عزیز همیشه حاضر از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، تمام
تلاش «حوزه تربیتی سمپاد» متوجه برگزاری هر چه بهتر و مناسب‌تر این دوره از مسابقات
گردید.

با عنایت و لطف خاص سرپرست محترم سازمان این حوزه به همراه مسئولین محترم حوزه
ستادی و با همکاری بی دریغ مراکز آموزشی تهران عهده دار برگزاری این دوره گردیدند.
مراحل مقدماتی مسابقات طبق جدول‌های ارائه شده برگزار شد و در نهایت حدود سیصد و ده
تن از بهترین گل‌های سمپاد، عطفافشان بوستان مرحله نهایی نهمین دوره مسابقات قرآن کریم
گردیدند.

با بسیج کلیه امکانات و در جهت برگزاری هر چه بهتر مسابقات، سرپرست محترم سازمان علیرغم کمبود شدید وقت شخصاً هدایت کلیه فعالیتها را بر عهده گرفته و مرحله مرحله در آماده سازی و فراهم ساختن امکانات لازم، تلاش و سعی خود را مبذول نمودند. این تلاش فوق العاده مخصوصاً در جهت تأمین برنامه‌های جنبی بی نظیر و فوق العاده‌ای که در طی گزارش به آن اشاره خواهد شد متجلی گردید.

در هر حال از روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه با ورود اولین کاروانهای اعزامی مراکز، حرکت مسابقات آغاز گردید. سه شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ساعت ۸/۳۰ بامداد سالن «شهید آوینی» پژوهشگاه شهیدبهشتی سمپاد شاهد حضور تمامی کاروانهای اعزامی، مدیران مراکز آموزشی و مدیران کل محترم حوزه ستادی سمپاد بود که همگی بی صبرانه آغاز مراسم افتتاحیه را انتظار می‌کشیدند.

مراسم با خواندن دسته جمعی سرود جمهوری اسلامی ایران و بدنبال آن مراسم ورود قرآن کریم توسط دانش آموزان «راهنمایی فرزنانگان تهران» آغاز گردید. بدنبال آن تواشیح جالبی توسط «پسران دبیرستان علامه حلی تهران» که متن آن با تذکر به موقع سرپرست محترم سازمان در میان بچه‌ها توزیع شده بود اجرا شد که مورد توجه قرار گرفت. گل سر سبد اجراهای افتتاحیه، قرائت دسته جمعی قرآن کریم توسط «خواهران دبیرستانی فرزنانگان تهران» بود. که مورد توجه شدید حضار قرار گرفت.

پس از این اجراهای متنوع، معاون مالی-اداری سازمان که روزگاری پیش در سمت مدیر مرکز راهنمایی تهران، میزبان دوره‌ای دیگر در تهران بود، به حاضرین خیر مقدم گفته و سپس سرپرست محترم سازمان، پیام کهنه سرباز انقلاب اسلامی سردار سازندگی، یار امام و رهبر «حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام را به نهمین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم سمپاد قرائت فرمودند. و سپس طی سخنانی، نظرات و مطالب بسیار مهم و جالبی را بیان فرمودند.

پس از افتتاحیه مسابقات، توفیق بی‌مانندی نصیب شرکت‌کنندگان در مسابقات شد و همگی در یک محیط فوق‌العاده صمیمی و بی‌ریا، که فقط شامل شرکت‌کنندگان در مسابقات می‌شد موفق به تشریف به محضر مبارک مقام معظم رهبری و اقامه نماز ظهر و عصر با امامت معظم‌له و سپس استفاده از بیانات ملکوتی این اسوه تقوی و فضیلت شدند.

پیام ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی
به نهمین دوره مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم،
یادواره امام خمینی (ره) - تهران - اردیبهشت ۱۳۷۹

بسم الله الرحمن الرحيم

در آغاز دهه سوم انقلاب پرشکوه اسلامی ملت ایران و در سالی که به نام پربرکت مولای متقیان، امیر مومنان مزین گشته است، شاهد برگزاری نهمین دوره مسابقات حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان، «بزرگداشت یکصدمین سالگرد میلاد حضرت امام (ره)» در تهران، ام‌القرای جهان اسلام هستیم.

این دوره از مسابقات که مصادف با چهاردهم اردیبهشت‌ماه، روز «استعداد‌های درخشان» نیز هست، فرصت مناسبی است تا بیشتر به جایگاه این قشر از جوانان اندیشیده شود.

قرآن، این چراغ هدایت ابناء بشر در گستره زمانی تاریخ اسلام بوده و هست و در این دریای ژرف، دانشمندانی بزرگ، اندیشه‌مندانی خوش‌فکر، عارفانی وارسته، فقیهانی پاک‌سیرت و ادیبانی خوش‌بیان غور کرده‌اند و هر کس به فراخور توان خود، گوهری از آن را نمایانده است.

در این میان، نام ایران و ایرانی چنان با قرآن عجین شده که فرهنگ آن در تار و پود تاریخ این کشور گسترش یافته است. تا آن‌جا که به تأسی از اسوه‌های عدالت و شجاعت، مولا علی (ع) و حضرت اباعبدالله، و با بهره‌گیری از تعالیم آسمانی این کتاب زندگی و به رهبری پیری فرزانه، حضرت امام خمینی (ره) به مجاهده با مظاهر طاغوت برمی‌خیزد و تاریخ سیاه ظلم و ستم را برمی‌چیند.

امروز این ملت در حال پی‌ریزی یک تمدن اسلامی است؛ در پی احیای اسلام ناب محمدی و در تلاش، جهت گسترش فرهنگ قرآنی؛ که راهی نیز جز این برای نجات و پیش‌رفت، متصور نیست. در سال انسانی که به حقیقت، قرآن ناطق بود و به یاد مردی که قرآن را سرلوحه قیام و انقلاب خود قرار داد، نوجوانان و جوانان مستعد کشور، مسوولیتی سنگین‌تر بر دوش دارند.

امروز چشم ملت به استعداد‌های درخشانی است که با توکل به الطاف الهی و پیروی از سیره معصومان و زنده نگاه داشتن یاد و راه حضرت امام و شهدای گران‌قدر انقلاب، در راه اعتلای اسلام و قرآن عزیز گام برمی‌دارند و همه‌ی چشم‌ها را به انوار مشعشع آن روشنی می‌بخشند.

اکبر هاشمی رفسنجانی

احساس خرسندی و شعفی که به زائرین این رهبر آزاده جهان کنونی دست داده بود همچنین احساس دین و سپاسگزاری که نسبت به آقای دکتر اژه‌ای به جهت پی‌گیریهای مستمر و ترتیب دادن این برنامه ملکوتی داشتند قابل بیان نیست. پس از این زیارت و برگزاری نماز و کسب فیض، مسابقات قرآن کریم در سه رشته «حفظ» و «حفظ ویژه»، «قرائت» و «مفاهیم» در مراکز آموزشی تهران با حضور شرکت‌کنندگان هر رشته برگزار شد. تمامی دختران در فرزنانگان راهنمایی، پسران حفظ در راهنمایی ۱، پسران مفاهیم در راهنمایی ۲ و قرائت در دبیرستان پسرانه به انجام مسابقات خویش پرداختند. باتوجه به فشردگی برنامه‌های مسابقات و ضرورت اتمام آن در روز اول، مسابقات تا پاسی از شب بطول انجامید.

سرپرست محترم سازمان پس از سخنرانی و پاسخ به سئوالات در جمع مدیران مراکز آموزشی، با لطف خاصی که به دانش‌آموزان مراکز دارند، در مرکز فرزنانگان حضور بهم رساندند و ضمن بازدید از حوزه‌های مسابقات و برپائی نماز جماعت مغرب و عشا جلسه پرسش و پاسخ با دختران شرکت‌کننده را که از برنامه‌های بسیار خوب هر ساله مسابقات است در محیطی صمیمی و بی‌ریا برگزار نمودند و با حوصله‌ای شگرف تا آخرین سؤال و آخرین کسی که مایل بود مسئله‌ای با ایشان در میان‌گذار د را پذیرا شدند.

صبح روز دوم مسابقات به زیارت مرقد نورانی حضرت امام راحل و مزار شهدای هفتم تیرماه ۶۰ از سوی برادران و حضور در فضای معنوی و ملکوتی مجموعه جماران شامل حسینیه و محل زندگی حضرت امام راحل گذشت. ظهر همان روز خواهران شرکت‌کننده هدایای ارزشمند خود را از سرپرست سازمان دریافت نمودند که با وجود طولانی بودن این‌گونه برنامه‌ها ایشان با خوشروئی تمام جوایز همه شرکت‌کنندگان را شخصاً اهدا نمودند. بعد از ظهر، خواهران عازم مرقد مطهر امام و مزار شهداء هفتم تیر شدند و آقای دکتر در جمع پسران شرکت‌کننده در مسابقات قرآن کریم سمپاد در دبیرستان علامه حلی تهران حضور یافته و پس از جلسه پرسش و پاسخ و اقامه نماز مغرب و عشاء، جوایز این عزیزان را اعطاء فرمودند. در این شب، برنامه جذاب و دیدنی شب شعر خواهران نیز در پژوهشگاه شهید بهشتی برگزار گردید.

روز آخر مسابقات قرآن کریم سمپاد به حضور در نمایشگاه کتاب تهران گذشت و پسران بازدید از مجموعه جماران را نیز انجام دادند. باتوجه به آنکه بخشی از هدایای همگان را این کتاب تشکیل می‌داد همگی بازدیدهای مثمر ثمری!!! از نمایشگاه داشتند!

با غروب روز پنج‌شنبه موقع اختتام مسابقات قرآن کریم فرارسید و پس از اقامه نماز مغرب و عشاء توسط سرپرست محترم سازمان، دعای آسمانی کمیل با صوت دلنشین معاون محترم تربیتی سمپاد، طنین انداز حیاط با صفا و زیبای مرکز راهنمایی فرزنانگان تهران شد که به شایستگی میزبانی اختتامیه را به عهده گرفته بود. پس از قرائت دعا و صرف شام مراسم اختتامیه با نشاط فوق‌العاده‌ای آغاز شد که رگبار چند لحظه‌ای باران هم صفا بخش این مراسم گردید. پس از خیر مقدم از سوی آقای «قنبری» سرپرست محترم دفتر ارومیه - که خود توفیق میزبانی مسابقات قرآن کریم را نیز داشته است - و یادی از شهید بزرگوار آیت‌الله مطهری و روز معلم و روز استعدادهای درخشان، نوبت به اعلام اسامی حائزین رتبه‌های ممتاز مسابقات رسید و پس از اعطای جوایز رتبه‌های ممتاز - مجموعه اهدائی ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و تندیس مسابقات، که بطرز زیبایی یادآور این دوره مسابقات فراموش نشدنی بود و همینطور لوح تقدیر - جناب آقای دکتر اژه‌ای با بیانات گرم و شنیدنی خویش خاتمه مبارک و شایسته‌ای را برای مسابقات رقم زدند.

اختتامیه همچنین شاهد توزیع آخرین شماره نشریه روزانه مسابقات «عطف» بود که با استقبال و علاقمندی قابل توجه بچه‌ها روبرو شده بود. در آخرین لحظات مسابقات اعلام شد که «تبریز» شهر شیران بیشه نبرد، شهر سرداران بزرگ و شهر علم و عمل، شهری که فخر آذربایجان و ایران است برای دوره دهم مسابقات در سال امام علی (ع) و به نام ایشان میزبان این دوره مسابقات قرآن کریم خواهد بود. اگر عمری باشد و قضا را مدارائی.

در حاشیه

○ شیرینترین حاشیه مسابقات قرآن کریم تجهیز یک شبه خوابگاه پژوهشگاه شهید بهشتی با همت سرپرست محترم سازمان بود. ایشان با کمک جمعی از ارادتمندان قدیمی یک شبه، سطح کیفی خوابگاه را تا درجه ممتاز بالا بردند؛ به طوری که کلیه اتاقهای خوابگاه دارای تجهیزات جانبی به حد لازم شد.

○ دکور سالن افتتاحیه مسابقات، با وجود تلاش دست‌اندرکاران، رضایت بزرگترها را جلب نکرد. نکته خارق‌العاده! اینکه بخش چوبی دکور توسط آقای دکتر اژه‌ای طراحی و بریده شد و با همکاری فارغ‌التحصیلان و کارکنان ستادی نصب گردید.

○ جعبه ابزار و لوازمات فنی ایشان که از منزل برای نصب دکور آورده بودند با حیرت و تعجب پرسنل فنی پژوهشگاه روبرو شده بود.

○ طرح خوش آمدگویی نصب شده در مکانهای مسابقات جالب توجه بود. همچنین ندادن بروشور در طی مسابقات اما و اگرهایی را برانگیخت.

○ یکی از جذاب‌ترین بخشهای مسابقات قرآن کریم امسال «نشریه روزانه عطف» بود که به همت بچه‌های قرآنی قدیمی سمپاد منتشر می‌شد. نظم انتشار آن باعث امیدواری بسیار است. مجموعه‌ای از مطالب عطف در پایان همین گزارش آمده است.

○ ماجرای «مفقودین»! امسال شیرین است. ابتدا در نمایشگاه کتاب یکی از دختران شرکت‌کننده ناپدید شد. جدا از آنکه مدیر مرکز مربوط و سرپرست دفتر فارغ‌التحصیلان همراه شدند و زنده شدند، مسئولین نمایشگاه هم از شدت پیگیری در شرف دیوانگی بودند که گمشده پس از خاتمه ساعت نمایشگاه به محل قرارمراجعه کرد و ابراز داشت از نمایشگاه خوشش آمده و دلش خواسته بماند! خوردن بعضی غذاها را برای این عزیزان تجویز خاص می‌کنیم!

○ هدایای امسال که به همه راه‌یافتگان به مرحله نهایی اهداء شد شامل توپ جاویدان، بن کتاب و از سوی دیگر یک جانماز تاشو مرغوب و یک جلد صحیفه کامله سجاده‌یه با ترجمه فارسی و کمی خرت و پرت دیگر گردید.



برگزیدگان مرحله نهایی نهمین دوره مسابقات سراسری حفظ، قرائت و مفاهیم قرآن کریم،

یادواره امام (ره)، تهران، بهار ۱۳۷۹

راهنمایی دختران - قرائت		راهنمایی پسران - قرائت	
۱- ندا مقتدری	فرزانگان یزد	۱- محمدرضا اشرف	شهید هاشمی نژاد مشهد
- زهرا توجهی	فرزانگان کاشان	۲- فرزاد منتظری	شهید بابایی قزوین
۳- آزاده کیوانی	فرزانگان تهران	۳- هاشم انوری	شهید بهشتی شهری
راهنمایی دختران - حفظ		راهنمایی پسران - حفظ	
۱- سعیده سرخوانی	فرزانگان تهران	۱- صادق معتمدی	شهید بهشتی شهرکرد
۲- معصومه باقری	فرزانگان شیراز	۲- محمود مؤیدی	شهید بهشتی لارستان
۳- الهه محمدی	فرزانگان کرمان	۳- سعید مهاجری	علامه حلی ۱ تهران

راهنمایی دختران - حفظ ویژه راهنمایی پسران - حفظ ویژه

۱- الهام فتحی	فرزاتگان شهرکرد	۱- سعید خراشادی زاده	شهید هاشمی نژاد مشهد
۲- مهدیه فلامرزی	فرزاتگان بوشهر	۲- محمد نظری	شهید بهشتی بیرجند
		۳- احمد رضا اسکندری	شهید دستغیب شیراز

راهنمایی دختران - مفاهیم

راهنمایی پسران - مفاهیم

۱- سجاده گله داری	فرزاتگان کرمان	۱- رامین بابایی	شهید بابایی قزوین
۲- زهرا قلی پور	فرزاتگان قم	۲- حسین توحیدی مقدم	شهید بهشتی نیشابور
۳- مهدیه جلالیها	فرزاتگان قزوین	۳- سیدعلیرضا شرافت	علامه حلی ۲ تهران

دیورستان دختران - قرائت

دیورستان پسران - قرائت

۱- بهاره بهمنی	فرزاتگان سنج	۱- محمد رمضانی	شهید بهشتی شاهرود
۲- ریحانه حیان	فرزاتگان یزد	۲- مرتضی طامندی	شهید بهشتی بیرجند
۳- محدثه خیری	فرزاتگان کرمان	۳- حامد مرادی	شهید بابایی قزوین
		- صادق علی اکبری	علامه حلی تهران

دیورستان دختران - حفظ

دیورستان پسران - حفظ

۱- معصومه سپهری	فرزاتگان زنجان	۱- کاظم شاهرودنژاد	شهید هاشمی نژاد مشهد
۲- راضیه سلیمی	فرزاتگان قم	۲- هانی فکری	علامه حلی کرمان
۳- فاطمه نیکنامی	فرزاتگان تبریز	۳- عبدالفتاح صالحی	شهید بهشتی بیرجند

دیورستان دختران - حفظ ویژه دیورستان پسران - حفظ ویژه

۱- سماء گلیایی	فرزاتگان تهران	۱- محمد مصطفی پور	میرزا کوچک خان رشت
۲- مریم فهار	فرزاتگان تبریز	۲- احمد خواجه احمدی	شهید بهشتی بیرجند
۳- اسماء اسدی	فرزاتگان شهری	- طه شوکتیان	شهید هاشمی نژاد مشهد
- زینب رستمی	فرزاتگان بجنورد	۳- محمد علی جعفری	شهید صدوقی یزد

دیورستان دختران - مفاهیم

دیورستان پسران - مفاهیم

۱- سمانه کوهستانی	فرزاتگان کرمان	۱- سیدمحمدامین خلیفه سلطانی	شهید اژه ای اصفهان
- زهرا اژه ای	فرزاتگان تهران	۲- علی انواری	شهید قدوسی قم
۲- معصومه رحیمی	فرزاتگان شیراز	۳- صدرا ساده	علامه حلی تهران
۳- سارا قربانی	فرزاتگان خرم آباد	- غلامحسین احمدیان	شهید بهشتی آمل
- هدی محمدخانی	فرزاتگان قزوین		



آخرین مصوبات شورای هدایت استعدادهای درخشان در آموزش عالی

○ گزارش قبلی ما در مورد آخرین مصوبات «شورای هدایت استعدادهای درخشان در آموزش عالی» به شماره ۳۲، زمستان سال ۱۳۷۸ برمی‌گردد. این شورا در سال ۱۳۷۸ جمعاً پنج جلسه داشت درحالیکه قاعداً باید ۱۲ جلسه (هرماه یک جلسه) تشکیل می‌شد و در کلیات ۱۱ مورد اساسی را به بحث گذاشت که از مهمترین آنها تصویب دوره دکتری «بیوتکنولوژی» بود. ○ در هجدهمین جلسه شورا مورخ ۷۹/۱/۲۹، درخواست خانمها اکرم فداکار و بنفشه همدانی دانشجویان رشته مهندسی الکترونیک دانشگاه یزد برای تحصیل همزمان رشته مهندسی کامپیوتر و خانم سوده عقلی مقدم دانشجوی رشته مهندسی برق و الکترونیک دانشگاه شهید بهشتی در رشته نرم افزار مهندسی کامپیوتر به تصویب و سایر درخواستها به علت مغایرت با اهداف تحصیل همزمان در دو رشته رد گردید.

- بطور کلی در سال ۷۸ از بین کلیه واجدین تحصیل همزمان در دو رشته ۴۴ تقاضا صورت گرفته بود.

○ در نوزدهمین جلسه شورا که در تاریخ ۷۹/۲/۱۹ تشکیل گردید ابتدا برنامه دکتری پیوسته «ریاضی» و «فیزیک» مورد بحث قرار گرفت.

□ برنامه پیشنهادی رشته فیزیک پس از توضیحات آقای دکتر ثبوتی با تغییرات مختصری در تعداد واحدهای پایان نامه کارشناسی ارشد به تصویب رسید. دانشجو در این دوره در دو سال اول «گرایش» ندارد ولی در پایان سال سوم و چهارم به سمت گرایش سوق داده می شود، گرایشهای مصوب مرکز تحصیلات تکمیلی زنجان عبارتند از: اختر فیزیک، ماده چگال، اپتیک و لیزر. تعداد کل واحدها ۱۸۰ می شود.

□ برنامه پیشنهادی دکترای پیوسته ریاضی هم پس از توضیحات آقای دکتر جعفر زعفرانی با حدود ۱۸۰ واحد به تصویب رسید.

□ در این جلسه همینطور آقای دکتر علی مقاری رئیس دانشکده علوم دانشگاه تهران گزارشی اجمالی از دوره دکترای پیوسته بیوتکنولوژی که از مهرماه ۱۳۷۸ در دانشکده علوم تهران آغاز بکار نموده است به شورا ارائه نمودند. در مجموع گزارش، از ۱۵ نفر گزینش شده با توجه به تفاوت پذیرفته شدگان در رشته های تجربی و ریاضی فیزیک، اعلام رضایت گردید. لازم بذکر است که کلاسهای این دوره بسیار فعال و اساتید مجبور هستند سطح کلاس را بالاتر از متعارف قرار دهند.



گزارش و خبر

مبارک است

در آستانه میلاد حضرت ختمی مرتبت، رسول گرامی اسلام و میلاد حضرت امام جعفر صادق (ع) (دوشنبه ۳۰ خرداد) عقد دو عزیز سمپاد توسط رهبر معظم انقلاب خوانده شد، دکتر «علی رجایی» دانش آموخته علامه حلی تهران، عضو تیم المپیاد ریاضی در سال ۶۹، فارغ التحصیل «پرینستون» است. «الهام یآوری» از اولین دوره فارغ التحصیل فرزنانگان امین اصفهان، برنده طلای کشوری کامپیوتر سال ۷۳، می باشد که در انتهای مقطع فوق لیسانس قرار دارد. ضمن تبریک این ازدواج امیدواریم این زوج علمی که از متعهدترین عزیزان سمپادی هستند، بتوانند نقشی سازنده در آینده علمی رشته خود برای ایران اسلامی داشته باشند.

نمایشگاه مرکز زینب (س)

پنجمین نمایشگاه دستاوردهای علمی دانش آموزان مرکز آموزشی زینب (س) شهری از تاریخ ۲۸ فروردین لغایت ۱ اردیبهشت ۷۹ در این مرکز برگزار و مورد استقبال دانش آموزان، اولیاء و اقشار دیگر قرار گرفت. استمرار برگزاری سالیانه این نمایشگاه، موجب تحرک و آفرینندگی بیشتر دانش آموزان مرکز زینب (س) شده است.

برگزاری کنکورهای سمپاد

پس از برگزاری مرحله اول کنکور سراسری ورود به مراکز راهنمایی در هفته آخر اسفند ۱۳۷۸، با

شرکت ۱۷۱۲۶۵ نفر در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۹ مرحله دوم کنکور ورود به راهنمایی و همچنین کنکور ورود به دبیرستان توسط مراکز سمپاد برگزار شد. کنکور دبیرستان بجز در تهران و یکی دو شهر دیگر - به علت کمبود جا و تعداد داوطلبان - برای اولین بار کلاً توسط مراکز اجراء شد. در مرحله دوم کنکور ورود به مراکز راهنمایی حدود ده هزار نفر گزینش شده بودند که از این تعداد ۵۰۰۰ نفر جهت ۸۹ مرکز راهنمایی تحصیلی گزینش خواهند شد. تعداد داوطلبان ورود به دبیرستان با توجه به افزایش شرط معدل از ۱۸/۵۰ به ۱۹ از ۶۸۳۶۸ نفر به ۴۸۲۶۸ نفر کاهش یافت که ۲۵ درصد آن را داوطلبان تهرانی تشکیل می دهند. حدود دوهزار نفر از این عده جهت تکمیل کلاسهای مراکز و جایگزین انتقالیها وارد دبیرستانهای سمپاد خواهند شد.

دیدار از مراکز قم

سرپرست سازمان پنجشنبه ۱۲ خرداد از مراکز شهید قدوسی و فرزنانگان قم بازدید به عمل آورد. او در این دیدار ضمن گفتگو با مدیران و همکاران دو مرکز در جریان مشکلات دفتر سمپاد در قم قرار گرفت.

برگزیدگان مرحله اول پنجمین المپیاد علمی دانشجویی کشور

از میان قریب به ۶۰ هزار دانشجوی شرکت کننده در رشته های زبان و ادبیات فارسی، الهیات و معارف اسلامی، شیمی، فیزیک، زیست شناسی، ریاضی، مهندسی برق، مهندسی عمران و مهندسی مکانیک که در آزمون کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۹ شرکت کرده اند، ۱۳۰ نفر به عنوان قبول شدگان مرحله اول المپیاد علمی دانشجویی کشور انتخاب شدند. اسامی نفرات اول این مرحله عبارتند از: زبان و ادبیات فارسی: «مریم باقی» از دانشگاه اصفهان، شیمی: «علیرضا شایسته» از دانشگاه اصفهان، فیزیک: «محمد صدیقی» از صنعتی شریف، زیست شناسی: «اعظم حدادی» از تهران، ریاضی: «محسن بهرامگیری» از صنعتی شریف، مهندسی برق: «احمد میرزائی» از صنعتی شریف، مهندسی عمران: «یاشار خلیقی» از صنعتی شریف، مهندسی مکانیک: «حمیدرضا حدادی» از صنعتی شریف.

برگزیدگان مرحله اول پنجمین المپیاد علمی دانشجویی کشور از ۲۹ تیرماه تا اول مرداد در یک اردوی علمی شرکت تا نفرات برتر هر رشته انتخاب شوند امسال برای اولین از کشورهای عضو «اكو» کشورهای اسلامی و برخی کشورها همانند چین و ژاپن جهت شرکت در مسابقات رشته ریاضی دعوت

به عمل آمده است.

نشریات داخلی

- نشریه داخلی باشگاه روباتهای هوشمند: پیش شماره ۲، خرداد ۱۳۷۹، ۱۲ صفحه. این نشریه اخبار مربوط به باشگاههای روباتهای هوشمند - که مقدمات تشکیل آن در ۱۳ شهر که سمپاد مرکز آموزشی در آن دارد، صورت گرفته است را منعکس میکند و قرار است جهت کلیه مراکز دبیرستانی یک نسخه آن ارسال شود.
- عبور: شماره اول (فروردین ۷۹) دوم (اردیبهشت ۷۹) - مرکز فرزنانگان دزفول در ۲۶ صفحه.
- استعداد: شماره ۸ آذر ۷۸، مرکز شیخ انصاری دزفول در ۲۴ صفحه.
- پویندگان: (علمی - تحقیقی) مرکز شیخ انصاری دزفول، شماره ۲، اردیبهشت ۷۹، ۲۰ صفحه.
- کاروان سمپاد: شماره ۳، اردیبهشت ۷۹، مرکز آموزشی شهید بهشتی سنندج، ۲۸ صفحه.
- جنگ مکتوب: هدیه دانش آموزان و دانش آموختگان سمپاد به انجمن حمایت از بیماران سرطانی آذربایجان غربی.
- برگ سبز: مرکز راهنمایی تحصیلی علامه حلی همدان - شماره ۵، فروردین ۷۹، ۱۴ صفحه.
- رخ اندیشه: گاهنامه دانش آموزی مرکز شهید بهشتی کاشان، شماره ۲، اسفند ۷۸.
- پویش: نشریه مرکز آموزشی شهید بهشتی کاشان، شماره ۵، اسفند ۷۸.
- آرمان: نشریه دفتر سمپاد در کرمان (ویژه نامه خبری) شماره ۱۱ و ۱۲، پائیز ۱۳۷۸.
- آسمان: سال اول، شماره ۱، اردیبهشت ۱۳۷۹، نشریه دانش آموزان دبیرستان شهید اژه‌ای اصفهان.
- حرکت از نو: دبیرستان فرزنانگان بوشهر، شماره ۱، فروردین ۷۹.

استقبال مجله «بچه‌ها گل آقا» از تقویم دانش آموزی

با یک زحمت قابل تقدیر، کلیه کاریکاتورهای ترافیکی تقویم دانش آموزی سمپاد توسط مجله «بچه‌ها گل آقا» در یک صفحه تنظیم و برای خوانندگان مجله مزبور به چاپ رسید. پس از چاپ این کاریکاتورها، نشر سمپاد مراجعین زیادی برای دریافت تقویم مزبور داشت. با تشکر از مجله «بچه‌ها گل آقا». نمونه چاپ شده را برای شما می‌آوریم.



دانشجویان المپیادی هم معاف شدند

براساس استعلام ریاست محترم ستاد کل نیروهای مسلح در مورد امکان تعمیم معافیت اعضای تیمهای ملی المپیادهای دانش آموزی که حائز رتبه‌های اول تا سوم می‌شوند به دانشجویان شرکت کننده در المپیادهای جهانی دانشجویی و مسابقات روبوکاپ از مشاور فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان، و اعلام نظر مثبت ایشان، ستاد کل نیروهای مسلح به وزیر محترم علوم اعلام نمود که این عزیزان نیز از معافیت مزبور می‌توانند استفاده نمایند. این گام مثبت دیگری در جهت ارائه امتیازهای لازم به نخبگان علمی کشور است که انشاءالله استمرار یابد.

فرماندهی کل قوا

ستاد کل نیروهای مسلح

شماره: ۱۴/م/۲۰۱/۱۴/۹۰

تاریخ: ۱۳۷۸/۱۲/۲۸

از: ستاد کل نیروهای مسلح - معاونت نیروی انسانی

به: وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی
موضوع: مقررات اعطاء امتیازات ویژه به ایثارگران و مشمولان دارای شرایط خاص

پیوست:

سلام علیکم

بازگشت بشماره ۱۴۸۰۵/و مورخ ۷۸/۱۱/۱۶

احتراماً با عنایت به اینکه برابر مصوبه مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، کلیه مشمولانیکه در مسابقات علمی جهانی شرکت نموده و به مقامهای اول، دوم و سوم نایل میگردند از انجام خدمت دوره ضرورت معاف می‌باشند و برابر اعلام مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان، المپیاد ریاضی دانشجویی و مسابقات جهانی روباتهای فوتبالیست از مصادیق قطعی مسابقات علمی جهانی هستند، فلذا خواهشمند است دستور فرمائید افراد واجد شرایط را برابر فرمی که از سوی ناجا (وظیفه عمومی) به آن وزارت ارسال می‌شود جهت برخورداری از این معافیت معرفی نمایند.

سرلشکر بسیجی دکتر سید حسن فیروزآبادی

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

گیرنده:

- امیر فرمانده محترم ناجا جهت استحضار و دستور اقدام

رونوشت:

- مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان جهت استحضار

رتبه‌های اول تا سوم کنکور سراسری هم

کلیه حائزین رتبه‌های اول تا سوم دانشگاهها و شرکت‌کنندگان در المپیادهای علمی بین‌المللی جهت برخورداری از معافیت نظام وظیفه با اخذ وجه از حداقل پنجاه درصد تخفیف برخوردار خواهند بود. این امر طی نامه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۵ به وزارت علوم اعلام شده است. البته با توجه به نامه مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۸ ستاد محترم فرماندهی نیروهای مسلح شرکت‌کنندگان در المپیادهای علمی بین‌المللی در صورت کسب رتبه از معافیت کامل برخوردار خواهند بود.

فرماندهی کل قوا

ستاد کل نیروهای مسلح

شماره: ۷۰۸/۱۲/۹/م/۴/ن

تاریخ: ۱۳۷۹/۱/۲۵

پیوست:

از: ستاد کل نیروهای مسلح - معاونت نیروی انسانی - اداره پ و خ
به: وزیر محترم فرهنگ و آموزش عالی
موضوع: بند ط تبصره ۹ قانون بودجه سال ۷۹ (معافیت با اخذ وجه)

سلام علیکم

احتراماً بموجب بند ط تبصره ۹ قانون بودجه سال ۷۹، حائزین رتبه‌های اول تا سوم دانشگاهها و شرکت‌کنندگان در المپیادهای علمی بین‌المللی جهت برخورداری از معافیت با اخذ وجه از حداقل پنجاه درصد تخفیف برخوردار هستند.

جهت هماهنگی در خصوص نحوه اجرای مقررات فوق جلسه‌ای در مورخه ۷۹/۲/۵ ساعت ۹ صبح در این ستاد (معاونت نیروی انسانی - مدیریت مشمولین) منعقد میگردد. خواهشمند است دستور فرمائید نماینده آن سازمان در جلسه فوق شرکت نمایند.

سرلشکر بسیجی دکتر سید حسن فیروزآبادی

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

گیرندگان:

۱- وزیر محترم بهداشت درمان و آموزش پزشکی جهت استحضار و دستور اقدام

۲- وزیر محترم آموزش و پرورش جهت استحضار و دستور اقدام

۳- معاونت محترم وظیفه عمومی ناجا جهت آگاهی و دستور اقدام

رونوشت:

- مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور و سرپرست سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان جهت استحضار و دستور

اقدام لازم

موافق با برگزاری دوره‌های آموزشی سمپاد

○ جهت دبیران شاغل در سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان در تابستان ۱۳۷۹ موافقت با برگزاری دوره‌های آموزشی در رشته‌های ریاضی فیزیک و شیمی، زیست‌شناسی، علوم اجتماعی، تاریخ و جغرافیا، دینی و بینش اسلامی، عربی، کامپیوتر، زبان انگلیسی، ادبیات فارسی به صورت متمرکز در نیمه دوم مردادماه صورت گرفته است. در صورت تأمین اعتبار این دوره‌ها در پژوهشگاه شهید بهشتی تهران برگزار خواهد شد.

○ همینطور دوره آموزشی «مبانی آموزش تیزهوش» ویژه مدیران مراکز سمپاد براساس سرفصلهایی که به مراکز ارسال شده است برگزار خواهد شد.

○ در حوزه پرورشی و معارف اسلامی دوره‌های «آسیب‌شناسی تربیتی»، «مبانی انسان‌شناسی در قرآن» و «آموزش رشته آمادگی جسمانی» در نظر گرفته شده است.

مسابقات سراسری علمی سمپاد

به لطف پروردگار و باهمت معاونت آموزشی پژوهشی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان اولین دوره مسابقات سراسری علمی سمپاد در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت ماه سال جاری با استقبال دانش‌آموزان اول و دوم راهنمایی سمپاد در رشته‌های ریاضی، فیزیک و ادبیات در سراسر کشور برگزار گردید.

نتایج این مسابقات بار دیگر ما را متقاعد کرد که کمبود امکانات نمی‌تواند مانعی جدی در راه پیشرفت و کسب علم و دانش برای عزیزانمان در نقاط محروم کشور عزیزمان باشد و بار دیگر تحرک و پویایی عزیزان در این مسابقات امید فردایی روشن برای میهن اسلامی‌مان را در دلها زنده کرد. جدول زیر تعداد شرکت‌کنندگان در هر پایه را نشان می‌دهد و رتبه‌بندی هر مرکز جهت کلیه مراکز ارسال شده است.

پایه تحصیلی	ریاضی اول راهنمایی	ریاضی دوم راهنمایی	فیزیک اول راهنمایی	فیزیک دوم راهنمایی	ادبیات اول و دوم راهنمایی
تعداد شرکت‌کنندگان	۴۰۹۱	۴۰۵۲	۴۰۹۲	۴۰۴۵	۷۶۸۶

نامه‌های رسیده

به نام خدا

با عرض سلام و تبریک سال نو

به نظر بنده به اضافه‌ی یک اکثریت دیگر، جا دارد از طراحی بسیار جالب و قابل تشویق و «تشویش» تقویم سال ۷۹ (امسال) که مزین تر از سال قبل (پارسال) گشته بود تشکر و قدردانی شود. در ضمن «گاهی» بودن یا نبودن (مسئله این است!) و رایگان نبودن یا بودن (مسئله این نیست!) سبب پریشان‌خاطری ما نگشته است. البته به قول یکی صد سال به پارسال ...

گلناز - ک (دبیرستان) فرزنانگان امین اصفهان

بسمه تعالی

با عرض سلام خدمت دست اندرکاران مجله استعداد‌های درخشان

من یکی از دانش‌آموزان راهنمایی مرکز شهید قدوسی قم هستم. هنگام مطالعه مجله شماره ۳۱ وقتی به قسمت پاسخ‌های شما نگاه می‌کردم متوجه شدم دانش‌آموزی از یک مرکز سمپاد به نحوه کاری مسئول کتابخانه و اخلاق ایشان در مرکز خود ایراد داشت.

به این فکر افتادم همانطوری که مسئولین ناشایسته کتابخانه‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرند متصدیان و کتابداران لایق و با تجربه نیز باید قدردانی شود.

در شماره ۳۰ مجله استعداد‌های درخشان طرز کار و موقعیت کتابخانه‌ها در مراکز گوناگون ذکر شده

بود بنابراین هنگامی که به مرکز خودم (شهید قدوسی قم) نظری افکندم متوجه این مطلب شدم که کتابخانه ما از نظر حجم کتاب و سرانه کتاب برای هر دانش‌آموز در رتبه سوم قرار دارد. بهتر است این نکته را هم یاد آور شوم که سیستم کتابخانه ما باز است و براحتی می‌توانیم کتاب مورد نظر را انتخاب و به امانت بگیریم. به نظر من کتابخانه مرکز شهید قدوسی قم بخاطر دارا بودن ۱۱۳۵۶ کتاب و سرانه ۳۰ کتاب برای هر دانش‌آموز و سیستم باز، یکی از بهترین کتابخانه‌های مراکز سمپاد است. این شایستگی هنگامی تکمیل می‌شود که این کتابخانه دارای متصدی شایسته و لایقی نیز می‌باشد که من از زحمات چندین ساله ایشان در پیشرفت کتاب و کتابخوانی بسیار متشکرم. این نامه را نیز برای قدردانی از ایشان نوشته‌ام.

دانش‌آموز راهنمایی - مرکز شهید قدوسی قم

باسمه تعالی

با عرض سلام و خسته نباشید!

ابتدا باید بخاطر اینکه باز هم از وسائل نوشتاری جهت بیان عرائض استفاده کردم پوزش بطلبم. اولین علتش این بود که فکر کردم ممکن است موقع گفتن، همه آنچه در ذهنم هست را نتوانم بگویم و دیگر اینکه مجال مناسب برای گفتن آنها پیدا نکردم و از آنجایی که بچه سمپادها مصداق عینی «و خلق الانسان عجولا» هستند تصمیم گرفتم که گرچه خط خوبی ندارم اما به این وسیله موضوعی را مطرح نمایم!

از وقتی که وارد دانشگاه شدم و حتی قبل از اینکه وارد آنجا شوم (چون من ورودی بهمن هستم) در فکر جو فرهنگی علمی اخلاقی و خیلی چیزهای دیگر بودم و اینکه من در میانه این میدان کجا هستم و چه کاره‌ام... وقتی هم که وارد آنجا شدم تا امروز که یکسال می‌گذرد هر روز یک تجربه نو مرا به فکری نو واداشته است و البته در دانشکده جمع و جور و تقریباً کوچک ما خیلی از مسائل اساسی تر را راحت تر می‌شود لمس کرد. یکی از مسائل جالبی که من در دانشگاه فهمیدم در مورد بچه سمپادها و بخصوص تهرانیهاست. در دانشگاه ما در هر قسمت خاص و فعال علمی فرهنگی که سری بنزید غیرممکن است یک یا چند سمپادی نباشد که بعنوان خط دهنده دیگران باشد. و حتی در مسائل جاری کلاسها و مسائل اخلاقی و... نیز بچه‌های سمپاد اگر کمی زرننگ باشند می‌توانند ۱۰۰ نفر دیگر را با خود

همراه کنند یا مثلاً سر کار بگذارند!

اما غرض از این همه مقدمه چینی این بود که وقتی به دوران تحصیل ۱۲ ساله خودم نگاه می‌کنم با خود فکر می‌کنم و افسوس می‌خورم که چرا از آن سالها به اندازه لازم استفاده نبردم و چرا امروز اینقدر عقب مانده‌ام و... چون در اطرافم می‌بینم که هر کسی که از دوران راهنمایی و به خصوص دبیرستان خود توشه‌ای در خور برداشته است امروز هم در میدان دانشگاه هم گلیم خود را از آب بیرون می‌کشد و هم گلیم دیگران را!

... و بعد فکر کردم که چقدر خوب است اگر امروز بچه‌های دبیرستانی را با توشه‌ای مناسب آماده فردا کنیم. خصوصاً بچه‌هایی که از استعدادها، نگرشها و تجربه‌های منحصر بفردی برخوردارند و اگر خمیر مایه اخلاقی و شخصیتی مناسبی هم با آن همراه شود فرداها هر چند شرایط سخت و سنگین و هر چقدر مخالفتها و موانع زیاد باشد باز هم ارابه سازندگی علمی و فرهنگی را به جلو خواهند برد (بیخشید اگر لفظ ارابه را بکار بردم، چون هنوز برای بکار بردن لفظی مثل لکوموتیو و... زود است!).

... و بعد باز هم فکر کردم! کاش در سازمان ما! گروهی یا بخشی برای یک برنامه‌ریزی سازماندهی شده فرهنگی، اختصاص پیدا کند. چون فکر می‌کنم آنچه امروز در کلاسهای علوم انسانی تدریس می‌شود گر چه خوب است و هر کار دیگری هم بخواهد صورت بگیرد از همین راه باید باشد، اما کم است و عطش بچه‌های سمپادی را فرو نمی‌نشانند. البته برگزاری سالانه مسابقه قرآن سازمان، خودش یکی از همان کارهایی است که مناسب با عطش شدید فرهنگی بچه‌هاست. اما! این مسابقه که خصوصاً مرحله‌نهایی آن بسیار جالب توجه است! فقط محدود به گروه خاصی از این عده کثیر سمپادیه‌ای ایران می‌شود. نکته دیگر اینکه شرکت‌کنندگان در این مسابقه‌ها افراد خاصی هستند که می‌شود گفت راهشان را پیدا کرده‌اند و بقیه گمشده‌ها همینطور حیران می‌مانند و حیران و سرگردان و گاهی هم چپ کرده! وارد دانشگاه می‌شوند و...

اما نکته‌ای که جای تأسف دارد در مورد سمپادیه‌های شهرستانهای دیگر است و آنهم اینکه اکثر آنها بجز عده قلیلی که از تهرانیها هم بهترند! مسئولیت خود را نفهمیده‌اند و اصلاً شباهتی به سمپادیه‌ها ندارند بجز شباهتی مختصر که باعث می‌شود در همان لحظه اول آشنایی هم خانواده بودن همدیگر را کشف کنیم. این دسته که معرفی کردم مثل باقی آدمها خود را به دست جریان روزگار سپرده‌اند و آخر ترم ماشین حساب به دست مشغول معدل‌گیری هستند! و فکر می‌کنم با این اوضاع باید به طریقی اورژانسی برای آنها به فکر چاره بود. خصوصاً با این ازدحام حملات فرهنگی که فکر کردن به آنها آدم

را دچار سرگیجه می‌کند و حتی عاقلها هم گاهی حیران می‌مانند!
بیشتر از این سخن را طولانی نکنم. نمی‌دانم آنچه نوشته‌ام تا چه حد با واقعیت منطبق است و تا چه حد آرمان‌گرا یا دور از آنچه که واقعاً وجود دارد. و به عبارتی نمی‌دانم چقدر درک درستی از آنچه که در اطرافم می‌گذرد داشته‌ام.

بهر حال «امیدوارم خداوند متعال ما را در عمل به مضامین نورانی قرآن کریم موفق و در احیای تمدن عظیم قرآنی سهیم گرداند.» ان شاء الله
س.ف. دانش آموخته سمپاد

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر اژه‌ای ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان
با عرض سلام

احتراماً به عرض می‌رساند ما نمایندگان شورای دانش‌آموزی شهرستان بابل که در مرکز فرزانشان در پایه‌های مختلف مشغول به تحصیل هستیم نهایت تشکر و سپاس را درخصوص پیش برد اهداف سازمان از جمله بالا بردن سطح کیفی و کمی آموزش و پیشبرد جنبه‌های معنوی همچنین مسئله مکان آموزش داشته و داریم. از آنجائیکه جنابعالی در ساخت و تهیه مکان مجتمع زحمات زیادی کشیده‌اید و ما از نزدیک شاهد آن بوده‌ایم. لذا باید به عرض برسانیم که متأسفانه با مخالفت بعضی از خانواده‌ها در انتقال به مرکز جدید روبرو هستیم. در صورتیکه فضای کنونی به هیچ وجه مناسب نبوده و فاقد امکانات رفاهی و بهداشتی می‌باشد. فضایی که کتابخانه مناسب، آزمایشگاه مناسب و اتاق مشاوره مناسب جهت تعادل افکار، آبخوری و دستشویی مناسب، اتاق کامپیوتر مناسب و حتی کلاس مناسب ندارد و علیرغم تلاش‌های مدیر محترم مرکز که نهایت سعی را برای ایجاد رفاه دانش‌آموزان می‌نمایند متأسفانه نمی‌توان کمبودهای این فضا را از بین برد.

اهم مشکلات فضای جدید التاسیس، جاده باریک و کم عرض و نبودن آب و برق و خصوصاً نداشتن سرویس دهی جهت ایاب و ذهاب می‌باشد که برای خانواده‌ها مشکل‌زاست و همین علت مهمی برای مخالفت خانواده‌ها می‌باشد.

لذا از شما مقام و مسئول محترم استدعا داریم بنا به مصلحت و صلاح‌دید سازمان دستورات لازم جهت از بین بردن مشکلات مجتمع استعداد‌های درخشان بابل داده تا انرژی و نیروی دانش‌آموزان در این فضای بسته از بین نرود و از طرفی از مکان جدید به نحو بهتری استفاده گردد.

با تشکر - شورای دانش‌آموزی مرکز فرزانشان بابل

چشمها را باشد شست، جور دیگر باید دید

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت تمامی دست اندرکاران تهیه مونس و همدم خوبان، «مجله

سمپاد»

از طرفداران پر و پا قرص مجله شما هستم و اگر چه که بیشتر اوقات دیرتر از موعد به دستمان می‌رسد، اما در همان روز اول، تمامی مطالب آنرا می‌خوانم. بارها خواسته‌ام که برایتان نامه بنویسم و این فرصت نصیبم نشده بود تا اینکه مطالب خواندنی مجله ۳۱ از جمله انشای آن دانش‌آموز سمپادی خبرهایی از مغزهای متفکر و اختراعات ایرانی و گفتگو با یک جوان موفق - المپیادی فیزیک - و همچنین تکرار خبر مسرت‌بخش و غرور آفرین قهرمانی تیم ربوکابهای ایران در جهان مرا مصمم کرد تا حرف دلم را برایتان بنویسم:.... اما آنچه که بیشتر از همه روی من تأثیر گذاشت، خبر مهاجرت دانشمندان ایرانی به کشورهای اروپایی و امریکایی بود. بارها و بارها خبر اختراعات جدید بوسیله ایرانیان را خواندم و اشک شادی همراه با غرور و افتخار به «ایرانی بودن» در چشمانم حلقه زد اما وقتی به پایان مطلب میرسیدم شادیهای جای خودش را به تأسف می‌داد. مخصوصاً با آن نمایشنامه که تا حدودی نشانگر واقعیتها بود واقعیتی نگران‌کننده و مصداق کامل این جمله که: «یار در خانه و ماگرد جهان می‌گردیم.»

... چرا باید به استعداد‌های شکفته کشور آنگونه که شایسته آنهاست بها ندهیم و تنها نامشان را پس از کسب موفقیت و در هنگام ورود به کشور بشنویم و از همه تجربه‌ها و سعی و کوشش آنها به چند سؤال کوتاه و کلیشه‌ای اکتفا کنیم ...

چند وقتی است که خبرهای مربوط به کنکور و دانشگاهیان را دنبال می‌کنم و از صحبت‌های همه آنان که درس و دانشگاهیان را دنبال می‌کنم و از صحبت‌های همه آنان که درس و دانشگاه را فقط برای آموختن و خدمت به دیگران و نه برای کسب مدرک می‌خواهند، اینطور برداشت کرده‌ام که بغیر از چند مجموعه و مرکز علمی در بقیه نقاط کشور آنچنان که باید به کارهای عملی و نقطه قوتی که می‌تواند شخصی را تا بلندترین قله‌های علم راهنما باشد بها داده نمی‌شود. نمونه‌اش همین حرف‌های برگزیدگان جشنواره‌ها و همین تیم ربوکابها که اگر از نظر مالی و دیگر مسایل بیشتر مورد حمایت قرار بگیرند، بسیار برتر از آنچه که هستند، می‌ایستند.... همین المپیادها اگر چه که ممکن است در همه دروس در سطح عالی نباشند، اما در همان رشته‌ای که برای المپیاد انتخاب کرده‌اند و با توجه و حمایت از استعدادشان به مطالب بسیار زیاد و حتی جدیدی رسیده‌اند که حتی در زندگی روزمره آنها هم تأثیر داشته.

مسئلاً اگر قرار بود به همه رشته‌ها تا همین سطح المپیاد می‌پرداختند و در همه رشته‌ها از آنها حمایت می‌شد هرگز به این موفقیت نمی‌رسیدند.

با تشکر از توجه شما

مرکز پیش‌دانشگاهی فرزنانگان سبزوار

۱. عنبرستانی

به نام ایزد منان

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت جناب آقای دکتر اژه‌ای و همه دست‌اندرکاران محترم و آرزوی پیروزی در کار و زندگی من ندا نجفی کلیجی دانش‌آموز سال سوم ریاضی - فیزیک فرزنانگان قائمشهر هستم که امسال به خواست خدا به پیش‌دانشگاهی می‌روم من یکبار دیگر هم در سال گذشته مزاحم اوقات شریفتان گشتم و نامه‌ای مبنی بر انتقالی خویش از فرزنانگان قائمشهر به فرزنانگان کرج خدمت شما ارسال نمودم راستش را بخواهید قضیه از این قرار بود که اواخر تابستان گذشته من درخواست انتقالی را از سوی مدرسه سمپاد فرستادم اما از آنجایی که نیازمند جواب قطعی و فوری بودم تصمیم گرفتم خود به همراه پدر و مادرم اقدام نمایم به همین دلیل ابتدا به کرج و به مدرسه فرزنانگان رفتیم بعد از صحبت و گفتگو با مدیر محترم آنجا ایشان با دلگرمی استقبال کرده و جویای وضعیت تحصیلی من شدند و پدرم در این مورد و نمرات درسی من صحبتی نموده آن خانم که گویا از اوضاع درسی و تحصیلی من راضی و خشنود به نظر می‌رسیدند فرمودند که ایشان از این جهات مشکلی ندارند فقط شما باید از سمپاد یک برگه موافقت را دریافت داشته و بعد اقدامات لازم را به عمل آورید. در نتیجه ما برای دریافت برگه به تهران آمده و روانه سمپاد شدیم اما متأسفانه با عدم موافقت مسئولان مواجه شدیم که خب البته دلیلش هم عدم تطابق نمره ورودی من و کرجی‌های فرزانه بود. در نتیجه تصمیم گرفتم به عنوان آخرین راه چاره نامه‌ای خدمت شما ارسال داشته و درخواست مساعدت از سوی شما را بنمایم هر چند امید چندانی به کارساز بودن این راه حل نداشتم حدود یکی دو هفته از بازگشایی مدارس گذشته بود که مدیر مدرسه خبر که چه عرض کنم مژده دادند که گویا آقای دکتر اژه‌ای پی‌گیر این قضیه هستند و خواستار نمرات درسی من هستند آن لحظه به قدری خوشحال شدم که نمی‌دانستم چه باید بکنم. هر چند که دیگر دیر شده بود و من از پدر و مادرم خواسته بودم که فقط همان یکسال را بخاطر من بمانند تا امسال که ببینم چه پیش خواهد آمد.

من هرگز تصور هم نمی‌کردم که شما قسمتی از وقتتان را به خاطر عضو کوچکی که شاید بودن و نبودنش کوچکترین تأثیری بر خانواده بزرگ سمپاد نداشته باشد اختصاص دهید آن هم با وجود شرایط پیش آمده و جا دارد که همین جا به خاطر این پی‌گیری صادقانه و بزرگوارانه از شما کمال تشکر

را نمایم.

به هر حال تقدیر چنان بود که ما ماندگار شویم اما امسال دیگر ماندنی در کار نیست در نتیجه بار دیگر همان مشکلات گذشته برایم تکرار شده آن هم به صورتی بغرنج‌تر و سنگین‌تر. چراکه امسال من به پیش دانشگاهی می‌روم از یک طرف کلاس‌های ما از تابستان و اول تیر آغاز می‌شود و در نتیجه من مدت زیادی وقت ندارم تا تصمیم بگیرم و از طرف دیگر مسئله کنکور و دانشگاه در پیش است و من نمی‌دانم آیا با خداحافظی از خانواده بزرگ سمپادی مشکلاتم حل می‌گردد یا نه مشکلی بر مشکلات غربت من در کرج افزوده می‌گردد و اینکه آینده‌ام تا چه حد تحت تأثیر این اقدام ناخواسته قرار خواهد گرفت.

آقای دکتر اژه‌ای من می‌دانم که شرط اول پذیرش من در آنجا تطابق نمره ورودی من و کرجی‌هاست اما آخر، امسال سال آخر تحصیلی ما در دبیرستان است و به هر حال هدف نهایی همه بچه‌های سال آخر تلاش برای گذر از سرکنکور و به خواست خدا قبولی در کنکور هست و با پایان این سال تحصیلی هر کس رهسپار سرنوشت خویش می‌گردد و من تصور می‌کنم که بیرون آمدن از فرزندگان و روانه مدارس غیر سمپادی شدن مشکلاتی را برایم بوجود آورده و ضربه بزرگی بر من وارد خواهد کرد. به هر حال هر چه باشد سمپاد سرمایه‌گذاری بیشتری را بر روی بچه‌ها برای ورود آنها به دانشگاه می‌نماید. آیا با همه آنچه گفته شده پذیرش مهمان ناخوانده‌ای چون من آنهم برای یکسال کار مشکل و سنگینی است.

آقای دکتر اژه‌ای من نه یک انسان با استعداد و باهوش و نه یک المیادی نه یک فرد دارای رتبه در جشنواره خوارزمی و نه امید شماره ۱ کنکورم اما معتقدم که انسان می‌تواند با تلاش خود را از قعر چاه به اوج افلاک برساند. شاید هم از همه بچه‌های همسن خودم در فرزندگان کرج از نظر تحصیلی برتر و موفق‌تر نباشم. اما با توجه به اینکه ما سال آخری هستیم و تلاش ۱۱ ساله ما به امسال وابسته است آیا درست است که من اینگونه از خانواده سبز سمپادی خداحافظی کنم و به دنبال سرنوشت تاریکم سرگردان شوم؟

با توجه به اینکه کلاس‌های ما در ۱ تیرماه آغاز می‌شود از شما ملتسانه درخواست می‌کنم قبول زحمت نموده و نامه‌ام را زودتر بررسی و پاسخی قطعی و فوری برایم ارسال دارید تا من از این بلا تکلیفی و سرگردانی نجات یابم و بدانم که آیا باید خود را برای حضور در کلاس‌های پیش دانشگاهی در ۱ تیرماه آماده کنم - البته در فرزندگان کرج - یا باید با خانواده عزیز سمپاد و همه دوستان خداحافظی نموده و تحصیلم را از ۱ مهرماه در مدارس غیر سمپادی در کرج ادامه دهم که البته امیدوارم

باصلاح و تدبیر شما دیگر چنین نشود.

از همه توجهات شما پدر بزرگوار نسبت به فرزندان در سراسر ایران صادقانه و خالصانه تشکر می‌کنم و در آخر، بار دیگر از شما درخواست می‌نمایم به خاطر خدا نگذارید که امسال که سال آخر من هست سرگردان بمانم.

امیدوارم خداوند یاریگر و حامی شما و شما حامی و یاریگر ما باشید
با آرزوی پیروزی و شادکامی برای شما و همه مسئولان محترم و تلاشگر

ندا نجفی کلیجی ۷۹/۳/۲۳

استعدادهای درخشان: ضوابط انتقال به مراکزیکه درخواست انتقال به آنها کمتر است بسیار سهل و با اغماض صورت می‌گیرد. در مورد ایشان هم با توجه به نزدیک بودن نسبی امتیازشان با شهر مقصد. جهت امسال نیز چون سال قبل موافقت گردیده است در ضمن همه اعضاء سمپاد برای ما ارزشمند هستند، پاسخ مثبت و یا منفی در مورد انتقال عمدتاً بخاطر نداشتن «جا» می‌باشد. ما موارد زیادی داریم که حتی امتیاز شهر مقصد را دانش‌آموزان دارند ولی ظرفیت آن مرکز تکمیل است. متأسفانه در این شهرها امکان توسعه نیز از ما گرفته شده است.



نامه‌ها و نوشته‌های شما دریافت شد، برخی از سئوالات طرح شده در نامه‌ها که جنبه عام داشته است را در بخش «پرسشهای شما» پاسخ گفته‌ایم:

□ اراک، مرکز فرزنانگان راضیه پوینده □ اردبیل، جمعی از دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان □ ارومیه، مرکز فرزنانگان، جمعی از دانش‌آموزان پایه دوم دبیرستان □ اصفهان، دانش‌آموزان دبیرستان فرزنانگان امین □ ایران!! چند تن از دانش‌آموزان سوم راهنمایی فرزنانگان □ بروجرد، یک غیر بروجردی از فرزنانگان بروجرد □ بندرعباس، عده‌ای از اولیاء مرکز شهیدحقانی / خانم پشنگ مدیر فرزنانگان □ بیرجند، دبیر مرکز فرزنانگان □ تهران، مهین مولودی / ولی دانش‌آموز مرکز فرزنانگان / محمد پاکدل، علامه حلی □ خرم‌آباد، مرکز فرزنانگان: رویا نظری □ زنجان، جمعی از دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان / م. س. از شهیدبهشتی □ سنندج، دانش‌آموزان مرکز راهنمایی فرزنانگان □ قزوین، مرکز فرزنانگان، نرگس شهیدی □ قم، مرکز فرزنانگان بیگدلی □ کرمانشاه، مرکز فرزنانگان مژده لهراسبی / دانش‌آموز مرکز فرزنانگان □ گرگان، جمعی از دانش‌آموزان مرکز فرزنانگان □ مشهد، دانش‌آموزان دبیرستان شهیدهاشمی نژاد / دانش‌آموز ف.ف / دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان / دلسوزی برای آینده از مرکز فرزنانگان □ نیشابور، مرکز فرزنانگان نجمه جعفری / دانش‌آموزی از مرکز فرزنانگان

تازه‌های کتاب

■ مسائل جامع فیزیک

گردآوری «احسان واحدی» دانش آموخته سمپاد از مرکز شهید
هاشمی نژاد مشهد.

این کتاب برگزیده مسائل تکمیلی و امتحانی مراکز سمپاد به
انضمام پرسشهای مرحله اول المپیادهای کشوری است. ویژگیهای
این مجموعه در برداشتن مسائل تکمیلی و امتحانی، استفاده از
سئوالهای المپیادهای کشوری، استفاده از مطالب کتابهای مختلف،
سئوالات آزمونهای سراسری و داخلی سمپاد، ترتیب تمرینها از ساده به سخت، تفکیک
مباحث مختلف و داشتن پاسخنامه است که در ده بخش: مکانیک ۱ و ۲، مکانیک سیالات،
گرماسنجی و حرارت، الکتریسته مغناطیس، جریان متناوب، نورشناسی هندسی، امواج و
ارتعاشات، نورشناسی فیزیکی در ۳۱۲ صفحه تدوین و توسط نشر سمپاد چاپ شده است.